



در رثای جواد الاثمه (ع)
بحر سخا و گنج عطا

دست‌های تو باغ کرامت است و نگاه تو، برکه برکت. تو آن آینه حق‌نمایی که خورشیدها را به نگاه گرم خود میهمان کرده‌ای. نام تو در نیمه شبان بقیع، چراغ خلوتیانی است که پیمان جان بر لب بحر سخایت نهاده‌اند و دست طلب بر آستان گنج عطایت گشاده‌اند. بلندای صلابت، کوه را آداب استواری می‌آموزد و پر تو معرفت، فانوس دل پاکجنان برمی‌افروزد. یا جواد الاثمه! کلید گنجخانه حقایق در دست‌های توست و سرچشمه علوم و دقایق، جاری در بهشت حدیث جانفزای تو. در روز رستخیز، جانسوخنگان تعزیت را از نسیم دلگشای شفاعت، بی‌نصیب نخواه.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از مراحل پایانی طرح خبر داد

هر استان، یک کتابخانه مرکزی



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از توافق وزارتخانه متبوعش با وزارتخانه‌های آموزش و پرورش و بهداشت برای گنجاندن واحدهای درسی به نام کتابخوانی و نیز ساخت کتابخانه‌های سلامت در کشور خبر داد. وزیر ارشاد که در حاشیه مراسم تقدیر از کتابداران نمونه کشور سخن می‌گفت، در پاسخ به سوال خبرنگاران درباره برنامه‌های این وزارتخانه برای بهبود وضعیت کتابخانه‌های عمومی، گفت: همین که یک مدیریت کار آشنا و کارآمد به عنوان دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی انتخاب شده و اعضای هیئت امنای نهاد هم پیشنهاد شده و حکم آنها از رئیس جمهور گرفته شده است، مقدمه لازمی برای رونق بخشیدن به کار است.

وی افزود: خوشبختانه مادر کنار این کارها با تدارکی که در هیئت دولت دیده ایم و رایزنی‌هایی که با مسئولان نظام، مجلس و بعضی از وزارتخانه‌های دیگر داشته ایم، تصمیمات خوبی برای تقویت بنیه کتابخانه‌های عمومی اتخاذ کرده و امیدواریم این تصمیمات هرچه بیشتر به مرحله اجرا و عمل برسد. یکی از آخرین تصمیمات در این حوزه این بود که ما در تدارک احیای کتابخانه‌های عمومی در شهرهای کوچک و روستاها هستیم. صفارهرندی اضافه کرد: البته اگر قرار باشد این کتابخانه‌ها در شکل بسیار مطلوبشان ظاهر شوند، باید ساخت و سازهایی را داشته باشیم که با بودجه فعلی این امر میسر نیست.

گزارشی از روند انتخاب زیباترین کتاب در آینه رقابت

۹

۲

عارف نوشاهی، چهره برگزیده حامیان نسخ خطی از تازه‌ترین تصحیح خود می‌گوید

برگ‌های تازه در دیوان رودکی

همکاری و به‌عنوان مترجم مرکز فرهنگی ایران در پاکستان حدود چهار سال فعالیت داشته و در حال حاضر در انستیتو مطالعات زبان فارسی در اسلام‌آباد پاکستان مشغول به کار است. وی در کارنامه‌اش علاوه بر انتشار چند جلد فهرست‌نویسی آثار خطی فارسی، کتاب «انشای هرکرن» نخستین کتاب فارسی در شبه‌قاره هند را تصحیح و منتشر کرد و در ایران علاوه بر دو کتاب «ارشاد» و «مجالس جهانگیری» چهار عنوان کتاب دیگر نیز توسط نشر میراث مکتوب زیر چاپ دارد. دکتر عارف نوشاهی امسال در ایام هفته کتاب و در هشتمین دوره مراسم بزرگداشت حامیان نسخ خطی در بخش دین با تصحیح کتاب «ارشاد» مورد تقدیر قرار گرفت.



«ارشاد» عنوان کتابی در معرفت، وعظ و اخلاق تالیف عبدالله بن محمدابن بکر قلانسی نسفی (اوایل قرن ششم هجری) است که با تصحیح و تعلیقات دکتر عارف نوشاهی همراه با مقدمه‌ای از او توسط نشر میراث مکتوب منتشر شده است. «مجالس جهانگیری» یا مجالس‌های شبانه درباره نورالدین جهانگیر تالیف عبدالستار بن قاسم لاهوری نیز با تصحیح و تحشیه او به بازار آمده است. عارف نوشاهی متولد ۱۹۵۴ میلادی در اسلام‌آباد پاکستان، دکترای زبان و ادبیات فارسی را در سال ۹۳ از دانشگاه تهران گرفت. وی از سال ۹۸ تاکنون استاد کالج دولتی گردن پاکستان است و به‌عنوان محقق و نسخه‌پزوه بر جسته از سال ۱۹۸۹ تا سال ۱۹۹۳ با بنیاد دایرة المعارف بزرگ اسلامی

۱۰

مقاله‌ای از محمدرضا سرشار نقد داستان ایرانی از آغاز تا پیروزی انقلاب اسلامی

«از ادب ایران قبل از اسلام، اثر مستقلی که راجع به نقد ادبی باشد، باقی نمانده است.» «اما در دوره بعد از اسلام، قدیم‌ترین آثاری که در باب نقد ادبی در دست هست، از عهد سامانی فراتر نمی‌رود. [...] در دوره سامانی و غزنوی، نقد ذوقی، به کثرت در آثار و احوال شاعران دیده می‌شود. از قدیم‌ترین نمونه‌های نقد ادبی در این دوره، مقدمه شاهنامه ابومنصوری است؛ که آن را بنا بر مشهور، کهنه‌ترین نمونه موجود نثر فارسی می‌شمارند.

۱۵

کتابخانه

شنبه ۱۷ آذر ۱۳۸۶
۲۷ ذی القعدة ۱۴۲۸ هـ. ق. ۸ دسامبر ۲۰۰۷
شماره ۱۱۰، پیاپی ۷۶۱
۳۲ صفحه، ۱۰۰ تومان

ISSN: 1029-3345

صاحب امتیاز: خانه کتاب
سردبیر: پدram پاک‌آیین
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه
خواججه نصیر، پلاک ۱۰، طبقه چهارم
تلفن: ۵-۶۶۹۶۱۵۱
سازمان آگهی‌ها: ۲۲۵۵۲۴۶
چاپ: ایران‌چاپ

www.ketabehafteh.ir

تجهیز ۴۸۳ کتاب فروشی به دستگاه کارتخوان

تعداد دستگاه‌های کارتخوان کتاب‌فروشی‌های کشور در هفته گذشته به ۴۸۳ عدد رسید. در هفته گذشته ۲۹ دستگاه کارتخوان در کتاب‌فروشی‌ها نصب شده که تراکم آن در شهرهای تهران، اصفهان، خراسان رضوی، خوزستان، سمنان، قزوین به ترتیب ۲۷، ۱۳، ۷، ۳، ۱ و ۵ دستگاه است. همچنین در شهرهای قم، کرمان، کهگیلویه و بویر احمد، گیلان، مازندران، لرستان و هرمزگان، این تعداد به ۴۷، ۲۵، ۱، ۷۱، ۱۰ و ۸ عدد رسیده است. همچنین در طول این هفته ۲۰ هزار و ۱۶۰ نام برای صدور کارت از دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور به بانک ارسال شده است.

WWW.GAJ.IR
Tel: 6419 [100 Lines] SMS: 1000 [125]

منتشرکرد ۸۰۰۰ تست زیست‌شناسی در ۵ جلد

گاج

دانشگاه‌های آموزش با مدرین مشاورت

گاهی حرف های غلط یا یک تحریف بزرگ دیده می شود که هر انسانی را - چه انسان متدین را در زمینه مسائل دینی، چه پرهیزگاران سیاسی را در زمینه مسائل سیاسی، چه مورخان متعهد را در زمینه مسائل تاریخی - واقعاً بر می انگیزد. فرض کنید که شما از خانواده شریف و اصیل و نجیب و بزرگواری هستید؛ پدرتان یکی از شخصیت های محترم و متدین و متعهد، مادرتان خوب، خانواده و اجداداتان خوب، اما یک نفر بیاید و کتابی درباره تاریخچه خانواده شما بنویسد و همه این زیبایی ها و اصالت ها را نفی کند و یک مشت دروغ ارائه نماید. نمی شود گفت که آزادی است، یا باید شما فوراً قبل از آن که به کسی ظلم بشود - هم ظلم به آن کسانی که علیه آن ها حرف زده و دروغ بافته شده، هم ظلم به کسانی که این مطلب را می خوانند و آن دروغ را باور می کنند - در صدد جبران بر بیاید و صحیح و درست را بنویسد، یا اگر به هر دلیلی نتوانستید، باید علاجی برای آن کار بکنید.

در زمینه هایی اصلاً این قابل علاج نیست؛ یعنی شما نمی توانید کاری بکنید. فرض بفرمایید که کتابی شهوت انگیز می نویسند. جوانی که این کتاب را بخواند قطعاً دچار انحراف شهوی و دچار فساد جنسی خواهد شد. این گونه کتابی وجود داشته، و من چاپ شده آن را دیده ام!

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار دست اندکاران برگزاری هفته کتاب ۷۶/۸/۱۹

همایش نقش فرهنگ مکتوب در انسجام اسلامی

همایش نقش فرهنگ مکتوب در تداوم انسجام اسلامی همزمان با بیست و نهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی از سوی اداره کل مجامع، تشکل ها و فعالیت های فرهنگی برگزار می شود. فریوخ فخری کارشناس اداره کل مجامع، تشکل ها و فعالیت های فرهنگی با اعلام این خبر گفت: هدف از برگزاری این همایش انجام وظایف معاونت فرهنگی در سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی در حوزه نشر با در نظر گرفتن ظرفیت های موجود است.

وی افزود: موضوعاتی که در این همایش بررسی خواهد شد در قالب سؤالاتی طرح شده است که بر اساس آن از استادان و صاحب نظران می خواهیم مقالات خود را ارائه دهند. این سؤالات و محورها به زودی در فراخوانی اعلام خواهد شد.

برنامه های سرای اهل قلم

سرای دائمی اهل قلم در هفته جاری شاهد برگزاری دو نشست خواهد بود.

فردا یکشنبه، و از ساعت ۱۷ مجموعه داستان «پشت سرت را نگاه کن» در کافه نقد مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در این نشست فارس باقری، منیرالدین بیرونی و رسول آبدیان درباره ویژگی های این مجموعه سخن خواهند گفت.

دیگر نشست این هفته سرای اهل قلم نیز روز چهارشنبه از ساعت ۱۶ در کافه نقد برگزار خواهد شد. در این نشست که به نقد و بررسی موسیقی شعر حافظ اختصاص خواهد داشت، بهاء الدین خرمشاهی، دکتر مظاهر مصفا، دکتر دره دادجو و علیرضا میرعلینقی سخنرانی خواهند کرد.

هر استان، یک کتابخانه مرکزی



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از توافق وزارتخانه متبوعش با وزارتخانه های آموزش و پرورش و بهداشت برای گنجاندن واحدی درسی به نام «کتابخوانی» و نیز ساخت کتابخانه های سلامت در کشور خبر داد.

وزیر ارشاد که در حاشیه مراسم تقدیر از کتابداران نمونه کشور سخن می گفت، در پاسخ به سوال خبرنگاران درباره برنامه های این وزارتخانه برای بهبود وضعیت کتابخانه های عمومی، گفت: «همین که یک مدیریت کار آشنا و کارآمد به عنوان دبیرکل نهاد کتابخانه های عمومی انتخاب شده و اعضای هیئت امنای نهاد هم پیشنهاد شده و حکم آنها از رئیس جمهور گرفته شده است، مقدمه لازمی برای رونق بخشیدن به کار است.»

وی افزود: «خوشبختانه ما در کنار این کارها با تدارکی که در هیئت دولت دیده ایم و رایزنی هایی که با مسئولان نظام، مجلس و بعضی از وزارتخانه های دیگر داشته ایم، تصمیمات خوبی برای تقویت بنیه کتابخانه های عمومی اتخاذ کرده و امیدواریم این تصمیمات هرچه بیشتر به مرحله اجرا و عمل برسد. یکی از آخرین تصمیمات در این حوزه این بود که ما در تدارک احیای کتابخانه های عمومی در شهرهای کوچک و روستاها هستیم.»

سفارهرندی اضافه کرد: البته اگر قرار باشد این کتابخانه ها در شکل بسیار مطلوبشان ظاهر شوند، باید ساخت و سازهایی را داشته باشیم که با بودجه فعلی این امر میسر نیست.

وزیر ارشاد در عین حال گفت: اما نباید از پا هم نشست و دست روی دست گذاشت، ما می خواهیم از امکانات موجود به بهترین شکل استفاده کنیم. اولین کاری که در این حوزه انجام شد، توافقنامه ای بود که با دانشگاه علوم پزشکی هرگزگان امضا کردیم و در واقع توافقی بود میان وزارت ارشاد و وزارت بهداشت و درمان که بر اساس آن تا آخر سال آینده ۱۱۰ کتابخانه عمومی تحت عنوان کتابخانه سلامت

در خانه های بهداشت این استان به راه خواهد افتاد. وی افزود: این کار طرحی آزمایشی برای کل کشور است. امیدواریم گوشه ای از خانه های بهداشت تمام روستاهای کشور تبدیل به کتابخانه های عمومی شود که علاوه بر دارا بودن کتاب های مربوط به حوزه بهداشت و سلامت، بخش اصلی کتاب هایشان کتاب های عمومی باشد.

وی ادامه داد: البته تدارک های دیگری هم برای توسعه کتابخانه های عمومی در همه شهرستان ها و شهرها اندیشیده ایم. در مراکز استان ها پیگیر بحث کتابخانه های مرکزی هستیم که در بسیاری از استان ها یا تحویل شده و یا در حال آماده شدن برای تحویل است. امید ما این است که طی سال های آینده دیگر هیچ شهری بدون کتابخانه نباشد، گرچه الان هم تقریباً اکثر شهرهای ما چیزی به اسم کتابخانه دارند اما با کتابخانه های مطلوبی که در حال حاضر در استان ها و با استفاده از بودجه استانی در حال ساخت هستند، فاصله دارند. در کنار این بحث ها، همت

خیرین کتابخانه ساز هم به مدد ما آمده است. وزیر ارشاد اضافه کرد: در بخش نرم افزاری هم توافقی هایی با آموزش و پرورش داشته ایم تا موضوع کتابخوانی را به مثابه درسی جدی در دستور کار آموزشی قرار بدهند که این امر مورد موافقت مسئولان آموزش و پرورش هم قرار گرفته است. ما حمایت هایی را برای تقویت کتابخانه های مدارس انجام داده ایم و امسال چند برابر سال گذشته کتاب به کتابخانه های مدارس ارسال شد.

به گزارش مهر وی افزود: این موج تقویت کتابخانه ها را از طریق کانون های فرهنگی هنری در مساجد نیز داشته ایم. امسال همه کتابخانه های عمومی با دریافت تعداد قابل توجهی کتاب می توانند حالت نوشدگی را در خود تجربه کنند. این تعداد کتاب که ما قصد داریم در یک سال آینده به کتابخانه های عمومی بفرستیم در تمام تاریخ فعالیت این کتابخانه سابقه ندارد. شاید چیزی حدود ۱۰ برابر گذشته کتاب به کتابخانه ها تزیق شود.

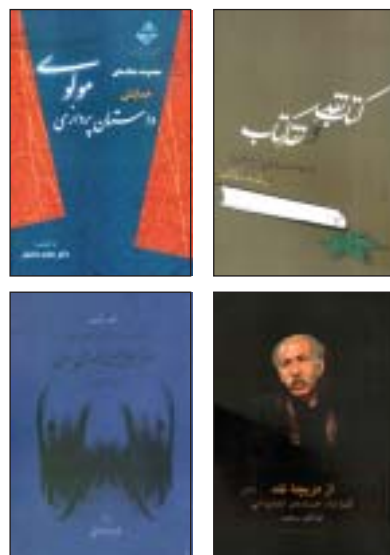
انتشار کتاب های تازه خانه کتاب

نهادهای نهاده نشده و افراط و تفریط ها در بسیاری از موارد مخاطبان را از ثمرات آن بی بهره می سازد. برخی از نقدها به جای نقد اثر، متوجه نقد مولف است و بعضی دیگر جز بزرگنمایی قوت ها چیز دیگری نیست و رخنه ها را نمایان نمی سازد.

«از دریچه نقد گفتارها و جستارهای انتقاد ادبی» نوشته عبدالعلی دستغیب را نیز می توان در راستای کتاب پیشین ارزیابی کرد. این کتاب که به کوشش علیرضا قوجه زاده و در دو مجلد تالیف شده است، گفت و گوها، مقاله ها و ترجمه های عبدالعلی دستغیب را در بر می گیرد. مجموعه نقدهای دستغیب که از جمله منتقدان با سابقه ادبیات داستانی ایران است، الگوهای مناسبی را در اختیار علاقه مندان قرار خواهد داد.

دو کتاب «گرافیک در گذر زمان» و «مجموعه مقاله های همایش داستان پردازی مولوی» دو کتاب دیگر خانه کتاب هستند که هفته گذشته منتشر شدند.

پرویز راسخ نیا در کتاب «گرافیک در گذر زمان» این هنر را در سیر تاریخی آن و با توجه به جنبه های فنی اش مورد بررسی قرار داده است. این مولف که خود سال ها تجربه در این عرصه را پشت سر دارد، کتاب خود را با داشته های جدید علمی همخوان کرده است. کتاب «مجموعه مقاله های...» نیز مقالاتی را دربردارد که داستان پردازی مولانا را مورد پژوهش قرار داده اند. از ۱۰۱ مقاله، ۳۶ مقاله برگزیده شده اند و از آنجایی که ۱۲ مقاله از این برگزیده ها پیش از این منتشر شده بودند، ۲۴ مقاله باقی مانده در کتاب حاضر ارائه شده است.



نیز ترجمه ای هستند. اما مجموعه مقالات گردآمده در «کتاب نقد و نقد کتاب» به افقی فراتر می نگرند. این مقالات که در سه بخش تقسیم شده اند، آیین نقد کتاب، ضرورت نقد و نمونه هایی از نقد کتاب را کنار هم آورده است تا علاقه مندان به این عرصه، فعالیت های نظری و عملی را در کنار هم تجربه کنند. علی اوجیبی، معاون فرهنگی خانه کتاب، در مقدمه ای کوتاه که بر این کتاب نوشته، آورده است: «بازکاوی پدیده «نقد» در چند دهه اخیر به خوبی نشان می دهد که هنوز ادب نقد در میان اهل قلم

موسسه خانه کتاب که با فعالیت های مختلف و گسترده خود در عرصه معرفی و حمایت از کتاب همواره گام های مؤثری برداشته است به نازگی فعالیت های خود را در حوزه نشر بیش از پیش مورد توجه قرار داده است. انتشار چند عنوان کتاب جدید توسط این موسسه در هفته گذشته که اغلب آنها را می توان از جمله آثار مرجع دانست، گام تازه ای است که می توان آن را حاکی از حمایت این موسسه از کتاب های فرهنگی دانست.

خلاصه مقالات همایش بین المللی بزرگداشت هشتصدمین سال تولد مولانا که زیر نظر دکتر اعوانی تالیف شده یکی از این کتاب هاست. در پی فراخوانی که توسط ستاد برگزاری بزرگداشت مولانا اعلام شد، ۴۵۰ خلاصه مقاله از سوی مولانا پژوهان سراسر کشور به این دبیرخانه واصل شد. علاوه بر آن از حدود ۱۰۰ تن از مولانا پژوهان داخل کشور و به همین تعداد مولانا پژوهان سراسر جهان نیز خواسته شد که خلاصه مقاله خود را ارسال کنند. آنچه در این کتاب آمده، خلاصه مقالات همه این پژوهشگران است و مقصود از انتشار آن، آشنایی محققان، پژوهشگران، ادب دوستان و دانشجویان با موضوعاتی است که توسط این دسته از مولانا پژوهان مطرح شده است.

«کتاب نقد و نقد کتاب» دیگر کتابی است که به نازگی توسط خانه کتاب منتشر شده است. انتشار این کتاب از آن رو ضروری می نمود که با توجه به اهمیت مقوله نقد، اغلب کتاب هایی که در این زمینه انتشار یافته به تئوری های کل می پردازد و بیشتر آنها

آمار دقیق تر فروش، با خرید الکترونیک کتاب

معاون فرهنگی وزارت ارشاد معتقد است در صورتی که طرح کارت الکترونیک خرید کتاب به طور کامل جا بیفتد و عملیاتی شود امکان ارزیابی دقیق تری از آمار فروش کتاب در کشور به وجود می آید.

دکتر پرویز در عین حال از طراحی مرحله دوم طرح کارت الکترونیک خرید کتاب خبر می دهد و می افزاید: این مرحله به گونه ای طراحی شده که بتواند در تهیه آمار فروش کتاب هم راهگشا باشد. دکتر پرویز در عین حال تاکید کرد: تا کنون راه درستی برای دانستن اینکه چه میزان از کتاب های تولید شده فروش می رود و چه ميزانی باقی می ماند، وجود نداشته است.

وی افزود: البته این مسأله جدیدی نیست و در نیم قرن پیش هم هیچ وقت آماری از فروش کتاب داده نشده است.

دکتر پرویز با بیان اینکه ثبت آمار تولید کتاب هم قبل از سال ۷۰ وجود نداشته گفت: راه دستیابی درستی برای بخش توزیع کتاب و اینکه چه میزان از این کتاب ها فروش می رود و چه ميزانی باقی می ماند، وجود ندارد.

وی گفت: ناشران، کتاب ها را به کتابفروشی های خصوصی می دهند و می فروشند ولی اینکه اعلام



کنیم از این تعداد کتاب چه مقدار فروش رفته یا فروش نرفته به شکل دقیق امکان پذیر نیست. وی افزود: با این حال می شود سیستمی طراحی کرد که ارزیابی نسبی از فروش کتاب صورت گیرد و این مسئله ای است که در بسیاری از نقاط دنیا مرسوم است. معاون فرهنگی وزارت ارشاد گفت: عمدتاً تصور

مؤلفه های سیاست خارجی در «گزارش جمهور»



ششمین و هفتمین شماره گزارش جمهور با سرفصل «مؤلفه های کارآمدی سیاست خارجی دولت نهم» با نگاهی به «دستاوردهای اجلاس سران کشورهای ساحلی دریای خزر در تهران» منتشر شد.

در سرآغاز مطالب این نشریه که از سوی مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری منتشر می شود آمده است: «سیاست خارجی در هر کشوری یکی از مؤلفه های رشد و از ابزارهای مهم محافظت از اقتدار، استقلال و منابع ملی است. سیاست خارجی و آیین دیپلماسی در هدف، معطوف به سلسله ارزش های ملی و مؤلفه های هویتی، اما در روش با ارتباطات، اطلاع رسانی، روشنگری، توافقات و تعهدات حقوقی ملازم و از طریق عزت، حکمت و مصالح ملی قابل تعقیب است. ضمن این که تحصیل منابع ملی گفته شده با روحیاتی عالمانه، عارفانه و عاقلانه پیوندی وثیق دارد.»

مطالب این شماره گزارش جمهور از سوی دکتر سیدمحمدعلی حسینی دستیار ویژه وزیر و سخنگوی وزارت امور خارجه و دکتر مهدی صفری معاونت آسیا و اقیانوسیه و مشترک المنافع وزارت امور خارجه به رشته تحریر درآمده است.

کتاب سال کودک و نوجوان؛ ۲۶ آذر

مراسم پانزدهمین دوره کتاب سال کودک و نوجوان ۲۶ آذر با تقدیر از فعالیت های قیصر امین پور، حسین حداد و حسین ابراهیمی (الوند) برگزار می شود. محمود پوروهاب، دبیر یازدهمین دوره کتاب سال کودک و نوجوان در باره برنامه های جنبی این دوره گفت: امسال حوزه ادبیات کودک و نوجوان سه تن از محققان خود را از دست داد، به همین خاطر برنامه های ویژه ای برای این افراد داریم. وی افزود: از خانواده های قیصر امین پور، حسین حداد و حسین ابراهیمی (الوند) برای تقدیر از فعالیت آنها در حوزه کودک و نوجوان دعوت می شود. پوروهاب درباره برگزیدگان هم گفت: امسال ۲۴ نفر برگزیده در سه شاخه کلی شعر، داستان و تصویرگری داریم. به گزارش فارس برنامه اهدای جوایز این دوره ۲۶ آذر با حضور نویسندگان کودک و نوجوان از جمله امیرحسین فردی، هوشنگ مرادی کرمانی و مصطفی رحماندوست برگزار می شود.

انتشارات نور دانش

قابل توجه اهل قلم
مؤلفین و مترجمین

چاپ نوشته های شما در اسرع وقت

با قیمت مناسب
از حرفه چینی تا چاپ

آدرس: خیابان ۱۶ آذر، روبروی درب غربی
دانشگاه تهران پلاک ۲۴

سایت: www.noordanesh-pub.com
ایمیل: info@noordanesh-pub.com
تلفن: ۶۶۹۶۶۳۱۳ فکس: ۶۶۴۱۳۲۰۸

مدیرکل مرکز هماهنگی توسعه و ترویج فعالیت های قرآنی خبر داد

تشکیل بانک اطلاعات فعالان قرآنی



مدیرکل مرکز هماهنگی توسعه و ترویج فعالیت های قرآنی از تاسیس بانک اطلاعات مؤسسات قرآنی کشور خبر داد و گفت: بودجه ترویج فعالیت های قرآنی در سال گذشته از یک میلیارد که در ابتدای سال مصوب شده بود، به چهار و نیم میلیارد افزایش پیدا کرد و پس از آن بر آن شدیم تا از مؤسساتی حمایت کنیم که در چارچوب سرفصل های مصوب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فعالیت می کنند.

وی افزود: در سال ۱۳۸۶ مبنای فعالیت ما دقیق تر شد بنابر این شناسه ای به مراکز فرستادیم تا یک بانک اطلاعاتی تاسیس کنیم و اکنون در مراحل پایانی هستیم. همچنین بیشتر فعالیت های قرآنی کشور در نیمه اول سال متمرکز است و اعتبارات اگر به شکل سال تحصیلی باشد، بهتر خواهد بود؛ از این رو بودجه را جوری تنظیم کرده ایم که اعتبارات در یک سال آموزشی ارائه شوند و نه بر اساس یک سال مالی.

خواجه پیری همچنین تصریح کرد: در سال ۸۶ طی بازدیدهایی که از مؤسسات قرآنی کشور انجام شد، انجام فعالیت ها بر اساس برنامه و سرفصل های ارائه شده پیش می رفت و همین سبب شد تعدادی زیادی از مؤسسات قرآنی خودشان را پیدا کنند. برخی از مؤسسات بودند که در مرحله انحلال قرار داشتند و اگر این سرفصل های آموزشی و حمایت های مالی وزارتخانه نبود، سقوط می کردند. او با بیان این مطلب که با توجه به تجربه های به دست آمده در سال ۸۶ و همچنین در اختیار داشتن بانک اطلاعاتی و نیز وجود سرفصل های مدون، تصمیم

انتشار کتاب ماه هنر

شماره های ۱۰۹ و ۱۱۰ کتاب ماه هنر در یک مجلد منتشر شد. این ماهنامه که به صورت تخصصی به کتاب های حوزه هنر می پردازد از سوی خانه کتاب و به سردبیری دکتر محمد خزانلی منتشر می شود. در بخشی از یادداشت سردبیر این شماره که با عنوان اصول و مبانی زیبایی شناسی هنر در ایران به چاپ رسیده آمده است: هنرمندان ایرانی در طول تاریخ نشان داده اند که در کنار توجه به اصول زیبایی شناسی نقوش، شیوه های اجرای نقوش تزئینی و هماهنگی بین نقش و بنا چگونه با عنایت به علومی مانند هندسه، ریاضیات و شناخت مواد و مصالح موجود در هر اقلیم عنایت و با درکی جامعه شناسانه و هوشمندانه عمل کنند. هندسه به هنرمند این امکان را می دهد که از اشکال اصلی هندسی، نقوش و طرح های هماهنگ و موزون به وجود آورند. در بخش های دیگر کتاب ماه هنر همچنین آثاری از دکتر محمد مددپور، دکتر عبدالمجید حسینی راد، دکتر محمد معمار زاده و... به چاپ رسیده است.

معرفی داوران جشنواره بانوی فرهنگ

هیئت داوران جشنواره بانوی فرهنگ در دو حوزه شعر و داستان معرفی شدند. این جشنواره توسط دفتر امور بانوان وزارت ارشاد از ۱۷ تا ۱۹ دی برگزار خواهد شد. منصوره نیکوگفتار، صدیقه و سمعی، عباسعلی براتی پور و سیمیندخت وحیدی اعضای هیأت داوران بخش شعر جشنواره بانوی فرهنگ را تشکیل می دهند. همچنین راضیه تجار، ظریفه رویین، احمدشاکری و کامران پارسا نژاد اعضای هیأت داوران نهایی بخش داستان جشنواره بانوی فرهنگ هستند. مراسم اهدای جوایز این جشنواره نیز با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در تالار وحدت برپا خواهد شد.



در حاشیه برپایی یک نمایشگاه کتاب

کتاب های دانشگاهی یا کاربردی؟

در نمایشگاه کتاب های کاربردی و دانشگاهی که قدم بزیند سه گروه عمده بازدیدکنندگان قابل تشخیص هستند؛ استادان دانشگاه، دانشجویان و نمایندگان کتابخانه ها. شاید از نظر تعداد، دانشجویان بیشترین مراجعه کنندگان به این نمایشگاه را تشکیل بدهند ولی از نظر خرید مطمئناً کمترین بخش خرید به این گروه اختصاص پیدا می کند.

بخشی از این مسئله به عدم توانایی خرید و قیمت بالای کتاب های عرضه شده برمی گردد و بخش دیگر آن به نوع کتاب هایی که در این نمایشگاه عرضه می شود. همان گونه که از اسم نمایشگاه پیداست این نمایشگاه محل عرضه کتاب های کاربردی دانشگاهی است و بخش زیادی از این کتاب ها به دلیل حجم زیاد، قطع بزرگ و نوع مطالب آن بیشتر به عنوان کتاب های مرجع قابل استفاده هستند و به نوعی جزو آثار کتابخانه ای به شمار می روند.

کارشناسان کتاب معتقدند که کتاب های کاربردی بیشتر به آن دسته از آثار گفته می شود که مطالب را به صورت تئوری و محض به خواننده ارائه نمی کنند بلکه درک این مطالب را به کمک روش ها و ابزارهای مختلف برای خواننده تسهیل می کنند.

به این ترتیب از ویژگی های کتاب های کاربردی می توان به مصور بودن، داشتن تمرین و مسئله اشاره کرد. کتاب های آزمایشگاهی، کتاب های کار (workbook)، انواع فرهنگنامه ها، واژه نامه ها را به نوعی می توان در گروه کتاب های کاربردی به شمار آورد.

اما در این نمایشگاه علاوه بر وجود کتاب ها با ویژگی های مذکور، کتاب های text دانشجویان هم در بخش کتاب های خارجی دیده می شد که نه تنها در کتابخانه ها بلکه به عنوان کتاب درسی مورد استفاده دانشجویان هستند. بنابراین آنچه از کاربرد و کتاب های کاربردی در این نمایشگاه مورد نظر است مجموعه آثار تخصصی است که مورد استفاده دانشجویان و محققان است چرا که اگر در حوزه های تخصصی فقط به دنبال ارائه کتاب های کاربردی به معنای خاص آن باشیم شاید در بعضی رشته ها بیش از چند اثر محدود را نتوان به نمایش گذاشت، اما بسیاری از کتاب های ارائه شده که جنبه تئوری و آموزشی اصول اولیه و مفاهیم علمی را دارند منابع باارزش و مورد نیاز دانشجویان هستند و بر اساس آخرین یافته های علمی تهیه شده اند. بنابراین واژه کتاب های کاربردی در این نمایشگاه تنها به معنی کتاب های کاربردی نیست بلکه به معنی مجموعه آثاری است که مورد نیاز و قابل استفاده برای دانشجویان هستند.

در نمایشگاه کتاب های کاربردی و دانشگاهی

پزشکان بیشتر از همه کتاب خریدند



بخش فارسی نیز بتواند اطلاع رسانی دقیق تری داشته باشد.

ربانی اضافه کرد: "مخاطبان ما به خاطر گرانی کتاب، بیشتر کتابخانه ها و بیمارستان های دولتی یا تحت نظارت وزارت علوم هستند. استادان هم ترجیح می دهند از طریق کتابخانه ها به کتاب های لاتین دسترسی داشته باشند. اما امیدواریم با برداشته شدن یارانه کاغذ، کتاب در چند سال آینده به قیمت واقعی نزدیک شود و ذهنیت ها برای خرید آن با این قیمت آماده شود."

و سپس ترجمه آن به فروش کتاب کمک می کند ولی متأسفانه در ایران این روند از آخر به اول صورت می گیرد. احترام به حقوق ناشران و نویسندگان، باعث راهیابی ناشران و نویسندگان مابه دنیای می شود. وی در پاسخ به خبرنگاران، نداشتن برنامه ویژه را برای افتتاحیه ناشی از مشکلات برگزاری نمایشگاه در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان اعلام کرد و گفت: این مشکلات برای مراسم اختتامیه هم وجود دارند. امیدواریم برای سال آینده با حل این مشکلات، نشست های تخصصی هم برگزار کنیم و

مدیرعامل انجمن فرهنگی ناشران بین المللی ایرانیان با مقایسه فروش امسال نمایشگاه کتاب های کاربردی و دانشگاهی نسبت به سال گذشته از فروش بیشتر کتاب های پزشکی نسبت به کتاب های دیگر خبر داد.

علی ربانی که در نشست خبری نمایشگاه کتاب های کاربردی و دانشگاهی سخن می گفت، با بیان این مطلب افزود: میزان فروش روزهای اول و دوم بخش لاتین نمایشگاه نشان می دهد از کل فروش، ۲/۵ درصد کتاب های مرجع، ۱۶ درصد علوم انسانی، ۱۸ درصد علوم پایه، ۲۷/۵ درصد فنی مهندسی، ۳۹ درصد پزشکی و ۳ درصد هنر بوده است.

وی فروش کتاب های لاتین نمایشگاه را به لحاظ ارزش، ۷/۵ درصد کتاب های مرجع، ۳۰/۵ درصد علوم انسانی، ۲۳ درصد علوم پایه، ۲۰ درصد فنی مهندسی، ۲۷/۵ درصد پزشکی و ۳ درصد هنر اعلام کرد. ربانی افزود: "فروش روز اول ۵۴۰ میلیون و فروش روز دوم ۸۲۰ میلیون تومان بوده که در پایان روز دوم نسبت به سال قبل ۳۱ درصد افزایش داشته ایم. البته قیمت کتاب نیز در مقایسه با سال گذشته پنج درصد افزایش داشته است."

گرانی کتاب های لاتین

مدیرعامل انجمن فرهنگی ناشران بین المللی ایرانیان در این نشست خبری همچنین با تاکید بر خرید حقوق کتاب ها قبل از ترجمه در کشور گفت: "مشورت با ناشر برای بازیابی، خرید حقوق کتاب

مدیرکل دفتر مطالعات، برنامه ریزی و توسعه فعالیت های فرهنگی و کتابخوانی خبر داد

جشن کتاب کودک کرمان در خرداد

مدیرکل دفتر برنامه ریزی و توسعه فعالیت های فرهنگی درباره بین المللی بودن جشنواره تصریح کرد: "نام این جشنواره بین المللی است، ولی برای آن نیاز سنجی نشده تا مشخص شود در منطقه کرمان و استان های تابعه چه مقدار کتاب های آلمانی، انگلیسی، فرانسه و سایر زبان ها مخاطب دارند."

وی ادامه داد: اگر این نیاز سنجی انجام شود در نمایشگاه بین المللی کتاب تهران می توانیم با ناشران شرکت کننده وارد مذاکره شویم و از آنها برای شرکت در این جشنواره دعوت کنیم.

مدیرکل دفتر برنامه ریزی و توسعه فعالیت های فرهنگی باز بودن مدارس و دانشگاه ها، شکستن سکوت فضای فرهنگی بعد از نمایشگاه کتاب تهران و بالا بردن کیفیت برگزاری نمایشگاه نسبت به سال گذشته را از دیگر دلایل برگزاری دومین جشنواره کتاب کودک و نوجوان در خرداد سال آینده برشمرد. به گفته سالاری نخستین دوره جشنواره کتاب کودک در سال ۱۳۸۴ برگزار شد که با استقبال چشمگیر مردم منطقه نیز روبه رو شد.



اظهار داشت: اجرای چنین برنامه ای به ۱۰۰ میلیون تومان بودجه نیاز داشت که در فعالیت های امسال پیش بینی نشده بود و این مساله نیز شرایط اجرا را سخت تر می کرد، ولی در ردیف بودجه سال آینده می توان آن را در نظر گرفت و جشنواره ای با کیفیت بهتر از دوره قبل برگزار کرد."

به گفته مدیرکل دفتر مطالعات، برنامه ریزی و توسعه فعالیت های فرهنگی و کتابخوانی، زمان دومین جشنواره کتاب کودک کرمان که بنا بود آذر ماه امسال از سوی دفتر مطالعات، برنامه ریزی و توسعه فعالیت های فرهنگی و کتابخوانی و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی کرمان برگزار شود به خرداد سال آینده موکول شده است.

محمود سالاری درباره دلایل این تغییر زمان به خبرنگاری کتاب ایران گفت: در بررسی که با مسئولان برگزاری این جشنواره در کرمان انجام شد با توجه به فصل بارندگی و سرما و زمان اندک برای برنامه ریزی مناسب، بهتر دیدیم که برنامه ریزی برای خرداد سال آینده انجام شود.

قرار بود مسئولان فرهنگی کرمان فضایی ۱۰ هزار متری را در راست زده و جشنواره را در آنجا برگزار کنند، ولی تجربه برپایی نمایشگاه در فصل بارندگی نشان داده که چنین کاری ریسک بالایی می خواهد و ممکن است خساراتی به بار بیاورد. سالاری با اشاره به بودجه برگزاری این جشنواره

انتشار جلد دوازدهم دایرةالمعارف تشیع

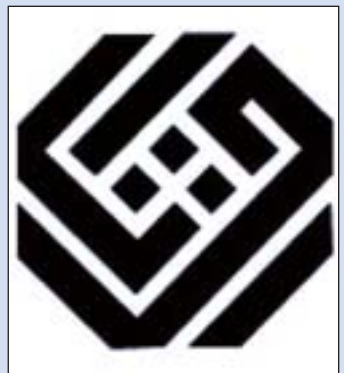
جلد دوازدهم دایرةالمعارف تشیع از کلمه "غار" تا قبالة "به همت احمد صدر حاج سید جوادی، کامران فانی و بهاءالدین خرمشاهی منتشر شد. جلد اول دایرةالمعارف تشیع که به چاپ چهارم رسیده در سال ۱۳۸۰ منتشر شده و جلد دوم تا یازدهم آن تا سال ۱۳۸۴ روانه بازار نشر شده است و دوازدهمین جلد از این دایرةالمعارف، پاییز ۸۶ در دسترس علاقه مندان قرار گرفت. دوازدهمین جلد این دایرةالمعارف در اولین نوبت چاپ خود با شمارگان چهار هزار نسخه و بهای ۱۴۰۰۰۰ ریال توسط نشر شهید سعید محبی منتشر شده است.

۹ کتاب حقوق در مرحله دوم کتاب سال

۹ کتاب حقوق به مرحله دوم داوری راه یافتند. این کتاب ها از میان ۱۵۰ عنوان کتاب منتشر شده این گروه در سال ۸۵ انتخاب شده اند.

بر اساس اعلام دبیرخانه کتاب سال تاکنون در رشته حقوق کتاب های "قوانین اسلامی کشورهای جهان" ترجمه سید مقداد ترابی، "درآمدی بر فلسفه حقوق" ترجمه بهروز جندقی، "رابطه سببیت در حقوق کیفری" ترجمه سید علی عباس نیای زارع و تعیین خسارت در قراردادهای و تعهدات" نوشته قاسم شعبانی به مرحله دوم راه یافتند.

همچنین در همین گروه کتاب های "پاسداری از قوانین اساسی در نظام های سیاسی غرب و جمهوری اسلامی ایران" نوشته محسن مطلبی، "سرقه در حقوق کیفری ایران" نوشته محمد جعفر حبیب زاده، "فقه سیاسی" نوشته عباسعلی عمید زنجانی، "بررسی فقهی و حقوقی اصل قانونی بودن جرائم و مجازات ها" نوشته سید مهدی خاموشی و "حقوق شرکت های تجاری" نوشته دکتر محمدرضا پاسبان امتیاز لازم را برای راه یافتن به مرحله دوم کسب کردند.



پژوهشگران گرد «نگین هستی» حلقه می‌زنند

افشین اورکی: معاون پژوهشی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها از برگزاری نخستین همایش دانشجویی نگین هستی با محوریت ترویج فکر دینی میان دانشجویان خبر داد و گفت: این همایش ۲۱ آذر امسال در سالن شیخ مرتضی انصاری دانشکده حقوق و علوم سیاسی و به منظور تحقق وظیفه اصلی و اساسی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها مبنی بر ترویج تفکر دینی و تشویق دانش پژوهان دین مدار در دانشگاه‌ها برگزار می‌شود.

حجت الاسلام حبیب محمد نژاد با اشاره به این که امسال قرار است سه همایش به منظور تحقق شناخت ابعاد وجودی و شخصیت حضرت رسول اکرم (ص) توسط این معاونت برگزار شود، خاطر نشان کرد: «نخستین همایش با عنوان «نگین هستی» ۲۱ آذر امسال برگزار می‌شود که در اصل برای معرفی و تشویق مقاله‌های برتری است که به صورت پژوهش فردی دانشجویان و با محوریت اندیشه‌های نبوی و سیره آن وجود مبارک و نازنین طی سال گذشته انجام و پس از داورانی حائز تقدیر شناخته شده‌اند.» او اضافه کرد: «دو همایش دیگر با عنوان‌های «پیامبر اسلام (ص) و انسان معاصر» با مشارکت معاونت پژوهشی دانشگاه علامه طباطبائی و «پیامبر اسلام (ص)، عرفان و معنویت نو» با مشارکت دفتر نهاد در دانشگاه تهران به ترتیب طی بهمن و اسفند ماه در سطحی گسترده و با حضور استادان و نخبگان علمی و دانشگاه برگزار خواهد شد.»

دبیر ستاد همایش ملی نگین هستی در ادامه به محورهای دو همایش «پیامبر اسلام (ص) و انسان معاصر» و «پیامبر اسلام (ص) عرفان و معنویت نو»



پرداخت و یادآور شد: «پس از داورانی مقاله‌های رسیده به دبیرخانه همایش «پیامبر اسلام (ص) و انسان معاصر» تاکنون چیزی حدود ۶۰ مقاله برتر برای ارائه در این همایش انتخاب شده و از میان مقاله‌های رسیده به دبیرخانه همایش «پیامبر اسلام (ص)، عرفان و معنویت نو» نیز تاکنون ۴۰ مقاله برتر از غربال داورانی گذشته است.» محمدنژاد در ادامه به تفاوت این دو همایش با همایش نگین هستی پرداخت و افزود: «دو همایش پیشین با محوریت استادان و نخبگان فرهنگی و دینی کشور برگزار می‌شود اما همایش نگین هستی، معرف چکیده‌هایی از درک دانشجویان نخبه‌ای است که

قطره‌ای از زلال معرفت آن حضرت را چشیده‌اند.» وی تصریح کرد: «پس از اعلام سال ۱۳۸۵ به عنوان سال پیامبر اعظم (ص) از سوی مقام معظم رهبری، معاونت استادان نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها با انتشار یک فراخوان و درخواست از استادان برای طرح بحث در کلاس و ارائه پژوهش فردی با محوریت سنجیت و ابعاد وجودی پیامبر اعظم، شروع به فعالیت جدی برای پاسداشت فرمان رهبر معظم انقلاب کرد. حاصل این حرکت هم ارائه حدود ۸۵ هزار مقاله در گروه‌های مختلف علمی زیر نظر گروه معارف دانشگاه‌های سراسر کشور در درس‌های معارف، اندیشه اسلامی، اخلاق،

متون اسلامی، تاریخ انقلاب اسلامی و ... بود.» او اضافه کرد: از این تعداد مقاله در مرحله اول پس از داورانی اولیه حدود ۷۰۰ مقاله به مرحله دوم راه یافت که پس از ارزیابی‌های اولیه، ۱۰۰ مقاله بر اساس ده محور اصلی این فراخوان از سوی کمیته علمی همایش برگزیده شدند و قرار است در جریان برگزاری همایش ملی نگین هستی از آنها تقدیر شود.

معاون پژوهشی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌های کشور با اشاره به این که نخستین و شاید مهم‌ترین مولفه‌ها در ارزیابی مقاله‌های دریافتی، نوآوری و به تعبیری خلاقیت در تاویل و بازفهمی ابعاد وجودی پیامبر مکرّم اسلام (ص) بوده است، خاطر نشان کرد: «همچنین امتیازهای ویژه‌ای نیز برای استفاده از منابع مستند و معتبر و ارائه مطالب با ادبیات پژوهشی قابل فهم و روشن در نظر گرفته شده است. این در حالی است که پرداختن به اولویت‌های پژوهشی و نیازهای فکری جامعه در بازفهمی ابعاد وجودی آن حضرت نیز جزو مولفه‌های مهم این مقاله‌ها محسوب می‌شوند.»

وی در پاسخ به این پرسش که آیا این مقاله‌ها در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد یا خیر، گفت: «بر اساس تصمیم ستاد برگزاری همایش، خلاصه این مقاله‌ها در یک مجله به مناسبت برگزاری همایش منتشر و در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. همچنین قصد داریم تا کل این مقاله‌ها را در چند مجلد ارائه و در معرض قضاوت علمی جامعه قرار دهیم. از سوی دیگر ۷۰۰ مقاله راه یافته به مرحله دوم همایش در حال حروفچینی و ثبت در سایت پژوهشکده با نشانی www.pajooreshkade.org است.»

در نهاد کتابخانه‌های عمومی صورت گرفت

تأسیس اداره کل «ارتقای مطالعه مفید»

پنجمین نشست هیئت امنای نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور سه شنبه گذشته به ریاست وزیر ارشاد و با حضور تمامی اعضا در محل نهاد برگزار شد و طی آن با تأسیس اداره کل جدیدی تحت عنوان اداره کل ارتقای مطالعه مفید زیر نظر معاونت امور استانها، مجلس و مشارکتها موافقت شد.

در این نشست تشکیلات جدید نهاد کتابخانه‌های عمومی به تصویب رسید و بر اساس آن تعداد معاونتهای این نهاد با اضافه شدن معاونت امور استانها، مجلس و مشارکتها به عدد سه رسید. هیئت امنای نهاد همچنین



پیش از این نیز دبیر کل نهاد کتابخانه‌های عمومی از تغییر شیوه کنونی مطالعه در کشور و تلاش برای ارتقای سطح آن به رده نخست جهانی خبر داده بود. در یکی دیگر از مصوبات هیئت امنای نهاد کتابخانه‌ها مقرر شد ادارات کل بودجه تشکیلات و روشها، امور مالی و خزانه داری و امور اداری و منابع انسانی زیر نظر معاونت اداری و مالی نهاد کتابخانه‌های عمومی اداره شوند. مسئولیت این معاونت را در حال حاضر مهدی اویار حسین برعهده دارد.

هیئت امنای نهاد کتابخانه‌های عمومی همچنین با تأسیس معاونت جدیدی در این نهاد تحت عنوان معاونت امور استانها، مجلس و مشارکتها موافقت کرد و مقرر شد ادارات کل امور استانها و انجمنها، امور مجلس، مشارکتها و شهرداریها و نیز فناوری اطلاعات و آمار (IT) زیر نظر این معاونت - که قرار است مسئول آن در آینده نزدیک معرفی شود - فعالیت خود را ادامه دهند.

با تأسیس برخی ادارات کل موافق کرد و از این پس اداره کل امور کتابخانه‌ها، اداره کل منابع، اداره کل ارتقای مطالعه مفید و اداره کل پژوهش و برنامه ریزی زیرمجموعه معاونت توسعه کتاب و کتابخوانی به شمار می‌روند. مسئولیت این معاونت را در حال حاضر حمیدرضا چاکری برعهده دارد. این معاونت تاکنون با عنوان معاونت برنامه ریزی و امور کتابخانه‌های عمومی در نهاد فعالیت می‌کرد.

تشکیل شورای حل اختلاف ناشر و نویسنده

واحد حل اختلاف اتحادیه ناشران و کتابفروشان با حکم قوه قضاییه به شورای حل اختلاف ارتقاء یافت و از این پس آراء صادره از سوی این شورا به منزله حکم کارشناسی و رسمی در محاکم صالحه مورد نظر قرار می‌گیرد.

حمید قبادی، مشاور معاون امور فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اعلام این خبر به این گفت: «معاونت امور فرهنگی برای اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی تصمیم گرفت با هدف تفویض امور جاری اصناف به اتحادیه‌های مربوطه این فعالیت را به اتحادیه ناشران و کتابفروشان محول کند. به این ترتیب تمامی پرونده‌های مطروحه نیز از طریق اداره کل مجامع، تشکل‌ها و فعالیت‌های فرهنگی به این شورا منتقل شده تا مورد رسیدگی قرار گیرد.» به گفته قبادی ناشران و پدیدآورندگان برای رفع اختلافات و اشکالات می‌توانند به این شورا واقع در اتحادیه ناشران و کتابفروشان مراجعه کنند.





در مراسم تجلیل از خادمان کتاب عنوان شد

کتابخانه‌ها دو برابر عضو می‌گیرند

هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور مورد ارزیابی قرار خواهند گرفت.

به گفته منصور واعظی نگاه و دیدگاه‌های کلانی در حوزه مدیریت در حال شکل‌گیری است که از جمله آن می‌توان به انتقال مدیریت به استان‌ها اشاره کرد. بعد از این جابه‌جایی، نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور کار نظارت را برعهده خواهد گرفت و تمامی بودجه‌ها و اختیارات و مسئولیت‌ها به مسئولان استانی واگذار خواهد شد.

رکن ششمی که واعظی به آن اشاره کرد چگونگی و نحوه اداره کتابخانه‌هاست.

وی خاطر نشان کرد که در اداره کتابخانه‌ها باید توجه داشت که یک مدیر قبل از آن که یک مدیر اداری، اقتصادی و یا سیاسی باشد، یک مدیر فرهنگی باشد.

قبل از معرفی برگزیدگان و اهدای لوح تقدیر سیمین‌دخت و حمیدی چند شعر از سروده‌های خویش را برای حاضران قرائت کرد.

در پایان مراسم نیز از فعالان در عرصه کتابخانه، کتابداری و کتابخوانی تجلیل به عمل آمد.

در بخش کتابخوانان ۱۵ نفر از اعضای کتابخانه‌های عمومی کشور به عنوان کتابخوانان برتر معرفی شدند. معیار انتخاب کتابخوانان نمونه، برگزاری آزمون در سطوح مختلف بزرگسال، جوان و کودک و نوجوان بود.

علیرضا احمدی از کتابخانه ولیعصر شهرستان کاکیک بوشهر، نرگس حیدری از کتابخانه فردوسی شهر کرد، فاطمه رحیمی از کتابخانه اعتمادیه همدان، نارون ایزدی از کتابخانه آیت‌الله میرزا حسن بجنوردی از بجنورد و الهام مشهدی فراهانی از کتابخانه شهدای زراستونند اراک منتخبان بخش کودک و نوجوان بودند.

در حوزه جوان هم مصطفی دهقان از کتابخانه کوش سمنان، ندا عبادیان از کتابخانه حسن‌آباد فشافویه شهری، میعاد مهدی صفری از کتابخانه شماره ۱۲ ایلام، غلامعلی طهماسبی از کتابخانه شماره ۲ بهشهر و فاطمه کاظمی از کتابخانه آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان برگزیده معرفی شدند.

دانش عبادی از کتابخانه ارشاد مسجد سلیمان، فاطمه صابری عضو کتابخانه مرکزی کرمان، ذبیح‌الله شاه‌محمدی از کتابخانه سهروردی زنجان، دکتر کشواد سیاه‌پور از کتابخانه امام خمینی (ره) یاسوج و رضا کریم مجاور از کتابخانه مجتمع بوکان آذربایجان غربی کتابخوانان برتر کشور در بخش بزرگسالان بودند.

شش شهردار فعال در امر توسعه کتابخانه‌ها نیز لوح تقدیر دریافت کردند:

علی‌اکبر کریمی شهردار اراک، سیدعلی حجازی شهردار ساری، محمدابراهیم خلیلی شهردار هشتگرد، ابراهیم‌بازبان شهردار ارومیه، محمدحسین دهقانی شهردار میبد و مجیدخان محمدی سرپرست شهرداری میانه از شهرداران برگزیده بودند.

همچنین در این مراسم انجمن کتابخانه‌های عمومی استان‌های مرکزی، مازندران، کهگیلویه و بویراحمد به عنوان انجمن‌های نمونه استانی لوح تقدیر دریافت کردند. در بخش انجمن‌های شهرستان‌ها نیز به ترتیب انجمن‌های سازند استان مرکزی، ساری از استان مازندران، بافق از یزد، زرناد از کرمان، پارس‌آباد از استان اردبیل، آباد از فارس و انجمن کتابخانه‌های عمومی شهرستان زنجان معرفی شدند.



توسط نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور تنظیم شده قرار است این کتابخانه‌ها در سه رده قرار گیرند: مرکز استان، مرکز شهرستان و کتابخانه‌های استانی.

منابع مورد نیاز کتابخانه‌ها اعم از کتاب، اینترنت و دیگر منابع اطلاعاتی، رکن دوم این برنامه را شامل می‌شود. نظام تامین کتاب در کتابخانه‌های ایران همیشه به شکل متمرکز بوده است. شکل متمرکز شیوه‌ای است که در آن فردی که به کتابخانه مراجعه می‌کرده باید از میان کتب موجود کتابی را انتخاب کرده و مورد مطالعه قرار دهد اما در شیوه جدیدی که دبیر کل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور از آن سخن گفت، قرار است تهیه کتاب با کمک کارشناسان و با توجه به سلیقه و نیاز خود اعضا صورت پذیرد به این صورت که مراجعان فرمی از مشخصات کتاب‌های مورد نظرشان را تهیه می‌کنند و در اختیار مسئول کتابخانه قرار می‌دهند و بعد از تهیه کتاب توسط آنها، کتاب را تحویل می‌گیرند.

رکن سوم برنامه نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور به کتابداران اختصاص دارد. این رکن اصلی‌ترین و مهم‌ترین نقش را در برنامه نهاد ایفا می‌کند.

نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور در نظر دارد با اجرای این برنامه شأن و منزلت اجتماعی کتابداران را از آنچه که هست بالاتر ببرد و با تهیه برنامه‌ای آموزشی مشکلات آنها را حل کند. فلسفه وجودی نهاد کتابخانه‌های عمومی که اعضای کتابخانه‌ها را دربرمی‌گیرد از مواردی است که در رکن چهارم برنامه به آن اشاره شده است.

در حال حاضر حدود ۱۵ درصد از جمعیت کشور عضو کتابخانه‌ها هستند که قرار است با اجرای این برنامه این رقم به ۳ درصد برسد اما هدف وسیع‌تر نهاد علاوه بر توسعه کمی، توسعه کیفی است.

رکن پنجم این برنامه هم به ارزیابی دست‌اندرکاران کتابخانه‌ها اختصاص دارد که مستقیماً توسط اعضای

و کتابخوانان به این شکل تقدیر به عمل می‌آید. این مراسم نباید به صورت یک تشریفات صرف باقی بماند، بلکه این گونه مراسم‌ها باید آن قدر گسترش یابند تا روزی در سطح ملی برگزار شوند.

دبیر کل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور هم در این مراسم سخن گفت. او ترجیح داد در ابتدا توضیح مفصلی از برنامه‌های جدید نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور ارائه دهد. وی دستاورد‌های امروز حوزه کتاب را مدیون مدیران و فعالان گذشته حوزه کتاب دانست و اظهار امیدواری کرد که مدیران جدید نیز بتوانند تمام تلاش خود را در ادامه فعالیت‌های گذشته انجام دهند.

منصور واعظی اهداف طراحی شده در دوران جدید را بسیار درازمدت‌تر از قبل دانست و این نکته را نیز اضافه کرد که هدف ما تنها ترویج کتابخوانی نیست بلکه هدف بزرگ‌تری که در پی دستیابی به آن هستیم، گسترش کتابخوانی مفید و موثر است تا به این وسیله بتوان موجبات ارتقای سطح اطلاعات، گرایش‌ها و رفتارهای اجتماعی جامعه را اصلاح کرد. تعبیری که وی از مطالعه مفید ارائه کرد این مفهوم را دربرمی‌گیرد که هدف تنها مطالعه کتاب نیست چون امروزه منابع بسیار زیادی برای دستیابی به اطلاعات وجود دارد و از هر کدام می‌توان به عنوان مخزنی عظیم از داده‌ها استفاده کرد. به گفته وی اگر این امر تحقق یابد، گامی موثر در پیشبرد فرهنگ عمومی کتابخوانی صورت گرفته است که البته دانشگاه‌ها، مراکز آموزش و پرورش، وزارت ارشاد و مهم‌تر از همه رسانه ملی می‌توانند مسئولان را در پیشبرد این اهداف یاری رسانند.

برنامه درازمدتی که منصور واعظی از آن نام برد در ۱۱ فصل تدوین شده است که شش رکن اساسی را دربرمی‌گیرد. اولین رکنی که واعظی به آن اشاره کرد کتابخانه‌ها بودند. کتابخانه‌های کشور به گفته وی تقلیدی از جوامع غربی است و در برنامه‌ای که

شنبه هفته گذشته سالن اجتماعات دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی مملو از افرادی بود که هر یک به نوعی در حوزه کتاب و کتابخوانی فعال بودند. در این مراسم که به همت نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور برپا شده بود و حدود دو ساعت به طول انجامید، محمدحسین صفارهرندی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور و نیز منصور واعظی دبیرکل این نهاد برای حاضران در جلسه سخن گفتند.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در این مراسم که با حضور اعضای هیئت امنای نهاد کتابخانه‌های عمومی، استانداران، شهرداران و مدیران کتابخانه‌های عمومی برگزار شده بود، خدمتی که شایسته فرهنگ باشد را در خور تقدیر و کتاب را زیربنایی برای کسب فرهنگ دانست. وی اعتبار کتاب را با وجود همه رقاباتی که برایش به وجود آمده، هنوز محفوظ دانسته و معتقد است که کتاب تا به امروز توانسته جایگاه و شأن و منزلت خویش را حفظ کند.

رئیس هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور در ارتباط با اعتبار ویژه کتاب در جمهوری اسلامی توضیح داد: «در ایران کتاب جایگاه بسیار ارزنده‌ای دارد، چرا که در واقع تمثیلی از کتاب بزرگ هستی و آفرینش است و برای ما و جامعه ما در حکم یک اعتبار و ایستنه به اعتقادات مذهبی و دینی است. بنابراین خادمان چنین کتابی حتماً باید مورد تشویق و قدردانی قرار گیرند.»

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی سنین قبل از دبستان را برای آغاز مطالعه کتاب و گرایش به این سمت موثر خواند و خاطر نشان کرد که کتابداران باید توجه داشته باشند تا در کتابخانه‌ها حتماً قفسه‌هایی به آثار برجسته و برگزیده کودکان اختصاص یابد.

وی همچنین ضمن ابراز خرسندی از برگزاری این مراسم گفت: «این اولین باری است که از کتابداران



کلاسورهای خالی در انبوه کتاب

با وجود این که اخیراً نمایشگاه های کتاب بیشتری برای تامین منابع مطالعاتی دانشجویان و جامعه دانشگاهی برگزار می شود اما عمده کتاب های عرضه شده در این نمایشگاه ها - البته به غیر از نمایشگاه بین المللی کتاب تهران - منابع فارسی هستند و همچنان جامعه دانشگاهی و پژوهشی کشور کتاب های تخصصی خارجی را از نمایشگاه های بین المللی و کتاب های کاربردی دانشگاهی تامین می کنند.

ورود کتاب های افست، ممنوع

امسال نیز پنجمین دوره از نمایشگاه های کتاب های کاربردی دانشگاهی این فرصت را فراهم کرد تا علاقه مندان بتوانند در فاصله میان برگزاری دو نمایشگاه بین المللی با مشاهده کتاب های تخصصی، منابع مطالعاتی خود را تهیه کنند.

این نمایشگاه امسال برای دومین سال متوالی به طور مستقل توسط انجمن فرهنگی نمایندگان ناشران بین المللی ایرانیان که تا سال گذشته تحت عنوان توزیع کنندگان کتاب های ناشران بین المللی (تکتاب) فعالیت می کرد از ۱۱ تا ۱۵ آذر در مرکز آفرینش های فرهنگی هنری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برگزار شد.

پنجمین نمایشگاه کتاب های کاربردی در مقایسه با نمایشگاه سال گذشته با یک تفاوت ویژه برگزار شد و آن ارائه کتاب های فارسی و عربی بود. علی رضا ربانی مدیرعامل انجمن فرهنگی ناشران بین المللی ایرانیان در این باره گفت: «ناشران برخی کشورهای عربی سال های گذشته هم درخواست حضور در نمایشگاه را داشتند ولی به علت ناهمخوانی در ثبت اطلاعات آنها با ناشران کتاب های لاتین، امکان حضور آنها در سیستم متمرکز مالی با مشکلاتی مواجه می شد که امسال این ناشران در نمایشگاه حضور داشتند ولی خارج از سیستم متمرکز مالی به فروش کتاب های خود پرداختند. علاوه بر این ناشران، ناشران دانشگاهی کتاب های فارسی نیز که قصد داشتند همزمان با ما نمایشگاهی را در مصلای تهران برگزار کنند به جمع ما پیوستند و ۵۰۰ متر مربع از فضای نمایشگاه در اختیار انجمن ناشران دانشگاهی قرار گرفت و آنها خودشان نسبت به اعلام فراخوان و حضور اعضای خود برنامه ریزی کردند که در مجموع با توجه به فضای در اختیار آنها از ۵۷ عضو این انجمن ۳۳ ناشر در نمایشگاه حضور پیدا کردند.»

احد رضایی یکی از اعضای انجمن فرهنگی ناشران بین المللی و مشاور هیئت مدیره انجمن نیز درباره نخستین حضور ناشران فارسی و عرب در این نمایشگاه گفت: «استقبال خوب بازدیدکنندگان و شرکت کنندگان از نمایشگاه سال گذشته انجمن را بر آن داشت که نمایشگاه را گسترش دهد و به این ترتیب فرصتی فراهم شد که ناشران دانشگاهی که کتاب های فارسی تولید می کنند در نمایشگاه حضور داشته باشند چرا که بسیاری از مشتریان ما دانشگاه ها و مراکز دولتی هستند که برای تجهیز کتابخانه های خود خرید می کنند و به این ترتیب می توانند علاوه بر کتاب های تخصصی خارجی کتاب های جدید منتشر شده در داخل کشور را نیز از نزدیک مشاهده و خریداری کنند.» رضایی در ادامه با اشاره به این که ناشران برخی کشورهای عربی هم از اعضای انجمن هستند ولی به دلیل قیمت ارزان کتاب های خود و فروش کمتر، در سال های گذشته در این نمایشگاه شرکت نکردند، گفت: «امسال موسسه دانش کتیبه در نمایشگاه حضور پیدا کرد و در زمینه های مختلف کتاب هایی را به زبان عربی به مخاطبان و علاقه مندان



این بخش عرضه کرد.»

ربانی افزایش ۷۵ برابری فضای نمایشگاه را یکی دیگر از ویژگی های نمایشگاه پنجم قلمداد کرد و گفت: «علاوه بر سالن ۲ هزار متری که سال گذشته نمایشگاه در آن برگزار شد امسال یک سالن ۳ هزار متری هم در اختیار ناشران قرار گرفت به گونه ای که ناشران دانشگاهی ایران و کشورهای عربی و تعدادی از ناشران بین المللی در طبقه اول و بقیه ناشران خارجی در طبقه دوم کتاب های خود را عرضه کردند.»

پنج روز برای خرید کتاب تخصصی

این نمایشگاه به مدت پنج روز برپا بود. از برگزار کنندگان نمایشگاه پرسیدم که آیا این پنج روز برای برگزاری این نمایشگاه کافی است و همه متفق القول بودند که به علت تخصصی بودن این نمایشگاه کتاب و داشتن مخاطبان خاص خود و طبق استانداردهای جهانی نمایشگاه های تخصصی، همین پنج روز برای عرضه کتاب ها کافی است. آنها همچنین معتقد بودند که طولانی شدن نمایشگاه هزینه های نمایشگاهی را بالا می برد و علاوه بر آن مخاطبان خاص این نمایشگاه که اغلب دانشگاهیان و مراکز پژوهشی و دولتی هستند بیشتر از پنج یا شش روز زمان لازم ندارند.

یکی دیگر از تفاوت های نمایشگاه پارسال و امسال، حذف وام صندوق رفاه دانشجویان وزارت بهداشت بود. سال گذشته صندوق رفاه دانشجویان وزارت بهداشت تا سقف ۵۰ هزار تومان وام برای خرید کتاب در اختیار دانشجویان پزشکی قرار

می داد که در مقایسه با قیمت کتاب های پزشکی که هر کدام عملاً دو یا سه برابر این وام هستند استقبالی از آن طرح به عمل نیامد به گونه ای که مسئولان به فکر بودند که مبلغ وام را افزایش دهند. اما امسال نه تنها این مبلغ افزایش پیدا نکرد بلکه کاملاً از برنامه حذف شد. محمود آموزگار یکی از اعضای هیئت مدیره انجمن در این باره گفت: «مبلغ اندک این وام هیچ جاذبه ای را برای دانشجویان پزشکی ایجاد نکرد که برای دریافت آن به فکر ثبت نام و طی کردن مراحل گرفتن کارت باشند زیرا قیمت هر کدام از کتاب های این حوزه از مبلغ این وام بیشتر است و در نهایت به دلیل استقبال نشدن، امسال نیز به اجرا در نیامد.»

وضعیت بهتر ثبت سفارش

هر کدام از ناشران بین المللی در طول سال نیز در فروشگاه های عرضه کتاب های خود ثبت سفارش کتاب های مشتریان را انجام می دهند و در یک مدت زمان مشخص کتاب ها را از ناشران خارجی گرفته و به سفارش دهنده تحویل می دهند. این سیستم در مدت زمان نمایشگاه نیز برپاست و در مورد کتاب هایی که تمام شده باشند و یا کتاب های خاصی که مورد نظر مشتری باشند نیز انجام می شود.

رضایی درباره وضعیت ثبت سفارش و مقایسه آن با سال گذشته گفت: «هرچند این مورد هنوز به جایگاه واقعی خود نرسیده است ولی در مقایسه با سال گذشته وضعیت بهتری دارد.»

او معتقد است که تجربه موفق خرید نسبت به سال گذشته وضعیت بهتری داشت. او معتقد است

رضایی یکی از سیاست های اعمال شده برای جلوگیری از افست کتاب های خارجی را ارائه اصل نسخه کتاب ها با تخفیف بالا در این نمایشگاه ذکر کرد و گفت: «در مواردی حتی ناشر ۷۰ درصد تخفیف هم برای یک کتاب در نظر گرفته تا قیمت آن را به قیمت کتاب افست شده نزدیک کند و مخاطب را تشویق کند تا از کتاب اصلی استفاده کند.»

دو سال است این نمایشگاه به صورت کاملاً خصوصی توسط اعضای انجمن و شرکت کنندگان آن برگزار می شود، اما برگزار کنندگان از وزارتخانه های مرتبط مثل علوم و بهداشت که عمده مشتریان این نمایشگاه را تشکیل می دهند انتظار همکاری دارند.

ربانی معتقد است بهترین روش برای تسهیل خرید کتاب جامعه دانشگاهی این است که وزارتخانه های مرتبط یارانه کتاب را به مصرف کنندگان اختصاص دهند نه این که قیمت کتاب ها را پایین بیاورند چرا که بهتر است در کشور ما نیز مثل بقیه کشورها مصرف کنندگان قیمت واقعی کتاب را در ذهنش داشته باشد.

جای خالی بن الکترونیک کتاب

قیمت بالای کتاب های خارجی به نوعی خریداران این نمایشگاه را به مراکز دولتی موسسات و دانشگاه ها محدود کرده است و دانشجویان عمدتاً با اعمال تخفیف های ۱۵ تا ۵۰ درصدی باز هم به سختی می توانند در این نمایشگاه کتاب های مورد نظرشان را خریداری کنند.

یکی از موارد استفاده از بن های کتاب می تواند تامین نیازهای مطالعاتی دانشجویان در این بخش باشد. زیرا بسیاری از دانشجویان در مقاطع تحصیلات تکمیلی ناچار به استفاده از منابع بین المللی هستند.

از برگزار کنندگان نمایشگاه می پرسیم که چرا در این نمایشگاه هماهنگی های لازم برای ارائه کارت های الکترونیکی انجام نشد؟ رضایی در پاسخ گفت: «امسال به دلیل این که هنوز این سیستم در همه بخش ها فعال نشده نتوانستیم از آن استفاده کنیم. البته کوتاهی از طرف ما بود زیرا فکر می کردیم این کارت ها را وزارت ارشاد تنها برای خرید کتاب های فارسی اختصاص داده است، در حالی که این طور نیست.»

مدیرعامل انجمن فرهنگی ناشران بین المللی نیز ارائه کارت های الکترونیکی در نمایشگاه را یکی از روش های همکاری بیشتر بین مراکز دولتی و کمک به مصرف کنندگان کتاب عنوان کرد و گفت: «این روش می تواند یکی از راهکارهای ارائه یارانه به مصرف کنندگان کتاب باشد که امیدواریم در سال های آینده با هماهنگی های بیشتر بتوانیم از آن در این نمایشگاه استفاده کنیم.»



کتاب ایرانی در حافظه جهانی



پس از ثبت دو اثر از ایران به نام‌های شاهنامه بایسنقری و وقف‌نامه ربع رشیدی شش اثر دیگر امسال در مرحله اول ثبت در حافظه جهانی انتخاب شد. رئیس کمیته ملی حافظه جهانی با اشاره به این که در مرحله نهایی دو اثر از میان این آثار از سوی ایران پیشنهاد داده خواهد شد، افزود: ذخیره خوارزمشاهی که نخستین دانشنامه پزشکی، علمی و بالینی ایرانی - اسلامی و متعلق به اوایل قرن شش هجری است به عنوان یکی از این آثار که بیشترین ویژگی‌های مدنظر را برای معرفی به یونسکو داشته، انتخاب شده است.

علی اکبر اشعری، در ادامه از فرمان حضرت علی (ع) به مالک اشتر، معرفی شده از سوی بنیاد نهج البلاغه و سفینه تبریز که شامل حدود ۲۰۰ مقاله و رساله خطی است و از سوی کتابخانه مجلس شورای اسلامی معرفی شده به عنوان دیگر آثار منتخب این کمیته نام برد.

وی افزود: کتاب مسالک الممالک و هزار و یک شب که هر دو در کاخ موزه گلستان نگهداری می‌شوند نیز دیگر آثار انتخاب شده کشورمان هستند. رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی از اسناد اداری آستان قدس رضوی در دوره صفویه به عنوان یکی دیگر از آثار انتخاب شده نام برد و افزود: قدمت این مجموعه بین سال ۹۹۸ هجری قمری تا ۱۱۴۸ هجری قمری است و تعداد اسناد آن بالغ بر ۷۰ هزار صفحه است.

پایه ریزی حافظه جهانی

تهدیدات و آسیب‌های طبیعی و انسانی که بر میراث مستند مکتوب در سطح جهانی در سال‌های پایانی هزاره بیستم وارد آمد، موجب شد یونسکو به شورای جهانی آرشیو (ICA) مأموریت دهد تا نسبت به شناسایی و پیشگیری و مرمت میراث مستند مکتوب، برنامه‌ای را طراحی و ارائه کند. در حقیقت شناخت این تهدیدها، برای آینده و میراث مستند بشری و درک نیاز برای اقدامات واقعی و منسجم منجر شد تا یونسکو برنامه حافظه جهانی را پایه ریزی کند.

معضومه میر پوریان، دبیر کمیته حافظه جهانی در ایران، کمیته ملی حافظه جهانی را یکی از کمیته‌های تخصصی وابسته به کمیسیون ملی یونسکو پاریس عنوان کرد و گفت: هدف این کمیته تدارک شرایط لازم برای صیانت از آثار مهم علمی، فرهنگی و تاریخی کشورهای عضو در جهان است. وی ادامه داد: یکی دیگر از اهداف این کمیته در دسترس قرار دادن اسناد و میراث فرهنگی و معنوی ملت‌هاست. در اجرای این برنامه، نگهداری و امکان دسترسی مکمل یکدیگرند که در این فرایند تعداد بیشتری از مردم امکان دستیابی، استفاده و بهره‌برداری از موازیت مستند مکتوب را پیدا خواهند کرد.

وی با اشاره به این که نظریه اساسی برنامه حافظه جهانی، بیانگر آن است که میراث مکتوب جهانی متعلق به همگان است، گفت: این آثار باید حفاظت و نگهداری و در دسترس همگان قرار گیرند. از سوی دیگر، وقتی خسارات وارد در گذشته و خسارات احتمالی آتی را در نظر بگیریم، نیاز به اقدامات نگهداری و حمایتی از آنچه باقی مانده است، جدی تر به نظر می‌رسد.

میرپوریان افزود: این برنامه میراث مستند را به معنای وسیع کلمه شامل می‌شود. اسناد، نسخه‌های خطی، کتاب‌ها، روزنامه‌ها، نقاشی‌ها، عکس‌ها، نقشه‌ها و نت‌های موسیقی و نظایر آن که با جوهر، خودکار، مداد، رنگ و... بر روی کاغذ، پلاستیک،

تهیه شده است. به گفته کارشناسان نسخ خطی، اهمیت شاهنامه بایسنقری از سه منظر اهمیت ویژه ای دارد. نخست، ارزش ادبی آن به عنوان یکی از نسخ کهن شاهنامه‌های جهان، دوم ارزش بی نظیر تصاویر و نقاشی‌ها و آرایه‌های به کار رفته در آن و سوم از نظر خطاطی زیبایی ابیات آن. شاهنامه بایسنقری تنها یک بار در سال ۱۳۵۰ برای استفاده علاقه‌مندان به تاریخ ادبیات ایران چاپ شد که البته این نسخه نیز هم اکنون نایاب است.

با تشکیل کمیته ملی حافظه جهانی در سازمان اسناد و کتابخانه ملی در سال ۱۳۸۴ این کمیته در نخستین گام، سه اثر را برای ثبت در حافظه جهانی به یونسکو معرفی کرد. هر کدام از آثار ارسالی به کمیته که ارزش ثبت در حافظه ملی را داشته باشد، ابتدا در بخش ثبت آثار کتابخانه ملی به ثبت می‌رسد و در صورت تصویب در کمیته، به یونسکو معرفی می‌شود. کمیته ملی حافظه جهانی بر اساس برنامه سازمان علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) هر دو سال یک بار دو اثر را از ایران برای ثبت در حافظه جهانی به یونسکو پیشنهاد می‌کند.

گردآوری اطلاعات مربوط به آثار قابل طرح در حافظه ملی و حافظه جهانی و انتخاب آثار واجد شرایط و همچنین حمایت از دارندگان آثار به منظور برخورداری از امکانات استاندارد، حفظ، نگهداری و معرفی آثار از جمله وظایف دیگر در نظر گرفته شده کمیته ملی حافظه جهانی است.

اعضای این کمیته را که در حال حاضر ریاست آن بر عهده علی اکبر اشعری مشاور فرهنگی رئیس جمهور و رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی است، رؤسای کتابخانه آستان قدس رضوی، کتابخانه دانشگاه تهران، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، رئیس مرکز اسناد و مدارک سازمان میراث فرهنگی، رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، رئیس مرکز پژوهشی میراث مکتوب و نمایندگان از مرکز اسناد و تاریخ و دیپلماسی وزارت امور خارجه و کمیسیون ملی یونسکو تشکیل می‌دهند.

بشری از طریق به کارگیری فناوری مناسب در سطح جهان گفت: یونسکو به منظور عمل به مسئولیت خود در حفظ این میراث، در سطح جهان، به این نتیجه رسید که طرح یک برنامه فوری برای حفظ حافظه مستند جهانی ضروری است. از این رو، در سال ۱۹۹۲ برنامه حافظه جهانی را اجرا کرد.

وی درباره نقش کمیته حافظه جهانی گفت: شناخت توانایی‌ها و امکانات ملی در زمینه حفظ میراث مستند و شناساندن و تقویت این امکانات از طریق مشارکت در برنامه‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی از وظایف کمیته ملی حافظه جهانی است. معاون مرکز اسناد و کتابخانه سازمان میراث فرهنگی ادامه داد: شناخت توانایی‌ها و امکانات ملی در زمینه حفظ میراث مستند و شناساندن و تقویت این امکانات از طریق مشارکت در برنامه‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی منطبق بر استانداردهای یونسکو، تدوین دستورالعمل‌های لازم برای انتخاب آثار برتر برای ثبت در حافظه ملی و حافظه جهانی، گردآوری اطلاعات مربوط به آثار قابل طرح در حافظه ملی و حافظه جهانی و انتخاب آثار واجد شرایط و همچنین حمایت از دارندگان آثار به منظور برخورداری از امکانات استاندارد حفظ، نگهداری و معرفی آثار از مهم‌ترین وظایف کمیته ملی حافظه جهانی است.

در حافظه جهانی تاکنون دو اثر از ایران به ثبت رسیده است؛ یکی وقف‌نامه ربع رشیدی که متعلق به کتابخانه مرکزی تبریز است و در اوایل قرن هشتم هجری قمری توسط خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی وزیر غازان خان ایلخانی نوشته شده است. این کتاب به تبیین نظام مدیریتی و تشکیلات اداری، مالی و شرایط وقف و مصارف مجموعه بزرگ ربع رشیدی در شهر تبریز پرداخته است. شاهنامه بایسنقری متعلق به مجموعه سازمان میراث فرهنگی و گردشگری یکی دیگر از آثار ثبت شده و از نسخه‌های منحصر به فرد خطی شاهنامه در جهان است که دارای ۲۲ نقاشی مینیاتور به سبک هرات بوده و در سال ۱۴۳۰ میلادی به سفارش بایسنقر نوه تیمور لنگ

پاپیروس، پوست و برگ درختان نوشته شده‌اند و یا روی حامل‌های صوتی و تصویری مانند فیلم، دیسکت، نوار، تصاویر آنالوگ و دیجیتال و مدارک و یا وب سایت‌ها ثبت و ضبط می‌شوند، می‌توانند جزو میراث مستندی باشند که قابلیت ثبت در حافظه جهانی را دارند.

پیوند دیروز و امروز

در عین حال پولادی، معاون مرکز اسناد و کتابخانه سازمان میراث فرهنگی، هویت فرهنگی ملل مختلف جهان را موضوع حافظه جهانی دانست و گفت: این حافظه گذشته و حال را به هم گره می‌زند و آینده را نیز ترسیم می‌کند. میراث مستند بخش مهمی از این حافظه را تشکیل داده و تنوع انسان‌ها، زبان و فرهنگ‌ها را شامل می‌شود.

وی افزود: میراث معنوی ما بسیار حساس و شکننده و در پاره‌ای موارد، در معرض فراموشی قرار گرفته است. گاهی اسناد ارزشمند و منحصر به فرد و در مواردی، کل موجودی یک کتابخانه یا بایگانی در اثر حوادث از بین رفته یا می‌رود و یا بخش دیگری از این میراث و حافظه بشری به عللی از جمله فرسودگی، سهل‌انگاری یا سایر عوامل طبیعی یا مصنوعی در شریقی قرار می‌گیرد که هر لحظه احتمال نابودی آنها می‌رود.

پولادی با اشاره به برنامه حافظه جهانی به عنوان رهیافتی جدید برای ایجاد تسهیل در حفظ میراث

کمیته ملی حافظه جهانی براساس برنامه سازمان علمی و فرهنگی

ملل متحد (یونسکو) هر دو سال یک بار دو اثر را از ایران برای ثبت در حافظه جهانی به یونسکو پیشنهاد می‌کند



گزارشی از روند انتخاب زیباترین کتاب

زیبایی کتاب در آینه رقابت



موضوع بسیار ساده است. در نمایشگاه کتاب فرانکفورت، هر ساله "زیباترین" کتاب های جهان انتخاب می شوند و فقط کتاب هایی پذیرفته می شوند که پیش از آن در کشور خودشان و در مسابقه ای ملی به عنوان زیباترین کتاب آن کشور انتخاب شده باشند.

در ایران تاکنون چنین مسابقه ای نبوده و یا اگر بوده داوری آن در سطح ملی انجام نشده است. همین علت کافی بود تا در مسابقه جهانی "زیباترین کتاب"، تاکنون هیچ کتابی از ایران به فرانکفورت نرود و مورد داوری قرار نگیرد.

اما امروزه حرکتی در حال انجام و جریانی در حال شکل گیری است تا هنر کتابت و کتاب آرایی - که بدون تردید در سرزمین های شرقی از جمله ایران قدمت دیرینه دارد - در سطح جهانی عرضه شود. گویا بانیان این حرکت معتقدند سرزمینی که از عهد باستان متون ارزشمند را در آن باطلامی آراستند و یا به نقاشی و تذهیب زیبا می کردند، نه تنها چیزی از ممالک غربی کم ندارد که می تواند یک سر و گردن از آنها بالاتر بایستد.

بانی چنین جریانی انتشارات "شباویز" است. این ناشر پس از ریزنی با موسسه نمایشگاه های فرهنگی به عنوان نماینده ملی ایران عهده دار انتخاب زیباترین کتاب ایرانی شده و بناسست پنج کتاب برگزیده خود را به نمایشگاه کتاب فرانکفورت معرفی کند.

این ناشر ایرانی که گویا هم در زمینه کتابت، تصویرگری کتاب و کتاب آرایی و هم در زمینه فعالیت های بین المللی و شرکت در مسابقه های بین المللی سابقه دارد، برای انتخاب "زیباترین کتاب" ایران، هیئت داورانی از میان طراحان و آشنایان به علم گرافیک و کتاب آرایی تشکیل داده و در اطلاعیه ای از ناشران و مولفان خواسته است که آثار خود را برای قضاوت در اختیار این هیئت قرار دهند. هیئت داورانی که قرار است در سطح ملی قضاوت کنند، متشکل از این افراد است: کریم نصر، محمود رضا بهمن پور، ساعد مشککی، فرشید مثقالی و پرویز کلانتری، داورانی که زیباترین کتاب ایران را انتخاب خواهند کرد.

در عین حال جزئیات و مقرراتی نیز در اطلاعیه شباویز وجود دارد که شرکت کنندگان این مسابقه ملزم به تبعیت از آن هستند، از جمله این که کتاب ها باید اصالتاً ایرانی باشند، باید از دی ماه سال ۱۳۸۴ به بعد منتشر شده باشند و عنوان ناشر، نویسنده، طراح، تصویرگر، چاپخانه، تاریخ انتشار و قیمت نیز باید در کتاب چاپ شده باشد.

هیئت داوری شباویز روز پنجشنبه ۶ دی ماه سال جاری تشکیل جلسه خواهد داد و فهرست کتاب های برگزیده دو روز بعد به شرکت کنندگان ابلاغ می شود. پس از آن منتخبان این هیئت داوری برای شرکت در مسابقه بین المللی "زیباترین کتاب" راهی فرانکفورت خواهند شد.

فریده خلعت بری، مدیر انتشارات شباویز، توضیحات دقیق تری در این مورد ندارد، اما حرف هایش در مورد لزوم برگزاری آن و چند مسئله پیرامونی، شنیدنی است. او انتشارات شباویز را تنها یکی از شرکت کنندگان در این مسابقه می داند و می گوید: این گونه نیست که این جریان متعلق به انتشارات شباویز باشد. شباویز تنها نماینده ایران است و به نمایندگی از ایران این مسابقه را برگزار و کتاب های برگزیده را به موسسه نمایشگاه های فرانکفورت معرفی می کند. کتاب های مانیز به عنوان

به شکل و شمایل وزین و زیبا آراسته شده اند و ایران امروز را به وزنه ای قابل توجه در عرصه کتاب آرایی تبدیل کرده اند. به باور او این جریان باید رشد کند، چرا که به سود همه است، هنر را گسترش می دهد و باعث رشد کتابخوانی خواهد بود. از طرف دیگر به باور نصر سود آوری ناشر نیز با سرمایه گذاری در این زمینه افزایش خواهد یافت. او همه این مزایا را برمی شمارد تا این جمله را بگوید: امیدوارم این اقدام جدید موجب شود سرمایه گذاری در زمینه کتاب آرایی افزایش یابد تا به همه این مزیت ها دست یابیم.

کتاب آرایی با چرم و آلومینیوم

ساعد مشککی، ناشر، طراح و گرافیست و یکی دیگر از اعضای هیات داوران شباویز نیز انجام چنین اقدامی را لازم می داند. او به پیشرفت های کشورهای مختلف در زمینه کتاب آرایی اشاره می کند و به باور او جای ایران در این رقابت بین المللی خالی است.

او نیز به قابلیت های ایران در این زمینه اشاره می کند. هر چند مشککی، بیش از این که به شانس ایران برای دستیابی به جایزه های بین المللی فکر کند، امیدوار است این جریان موجب فرهنگ سازی در کشور خودمان شود. به باور او ما هنوز اهمیت کتاب آرایی و ارزش طراحی در کنار تالیف را به خوبی درک نکرده ایم و شاید این اقدام بینش ناشران و سرمایه گذاران حوزه کتاب را تغییر دهد. وی می گوید: در ایران پتانسیل کافی وجود دارد. هنر و آدم هنرمند نیز وجود دارد، اما متأسفانه تقاضا نیست. به عنوان مثال ما بهترین چرم جهان را در ایران داریم اما کمتر پیش آمده است که حتی برای متن های ارزشمند خود به فکر استفاده از جلد چرم و استفاده از چرم مرغوب در کتاب آرایی باشیم و برای آن سرمایه گذاری کنیم. کارهای مناسبی انجام داده ایم و برخی از کتاب های ما به کیفیت مرغوبی دست پیدا کرده اند، اما این کافی نیست و شاید با این اقدام دیدگاه ناشران و دست اندرکاران انتشارات کتاب نسبت به طراحی جلد و کتاب آرایی تغییر کند.

به باور مشککی، این مهم است که به کتاب به عنوان یک مجموعه نگاه کنیم. وقتی از او در مورد معیار های احتمالی هیئت داوران برای انتخاب زیباترین کتاب ایران نیز سوال می کنیم، همین پاسخ را می دهد: همه چیز می تواند در داوری مورد ارزیابی قرار بگیرد. از مقدمه و صفحه آرایی و جلد و چاپ و کاغذ تا محتوا و مضمون و هماهنگی گرافیک با آن و به کار بستن خلاقیت. بسیار اهمیت دارد که کتاب را به عنوان یک "مجموعه" نگاه کنیم.

مشکی نیز همانند نصر، معتقد است که کمبود امکانات و فناوری، نمی تواند موجب بی هنری باشد، اما موجب می شود که کار هنری نتواند راه خود را به تمام سطوح جامعه باز کند: "برای یک کتاب کارهای متفاوتی می توان انجام داد. از استفاده از جلد آلومینیومی و چرمی تا طراحی صفحه، آستر، جلد و صحافی های نوین، اما کمبود امکانات باعث می شود که این کتاب های خاص قیمت بسیار بالایی داشته باشند و نتوانند جای خود را آن طور که باید، باز کنند."

به هر حال این گرافیست، از برگزاری مسابقه ای با نام "زیباترین کتاب" در سطح ملی، استقبال می کند. او این که ناشران در این راه پیش قدم شده اند را مهم و قابل قبول می داند و درباره نتایج این جشنواره در سطح ملی و بین المللی می گوید: "باید کتاب های ارسال شده را دید و با هیئت داوران به نتیجه رسید. هنوز نمی توان اظهار نظر کرد."

نه تنها می توانند در سطح جهانی رقابت کنند، بلکه می توانند در میان بهترین ها نیز باشند و شانس ایران در مسابقه جهانی "زیباترین کتاب" بسیار بالاست. نصر می گوید: گرافیک ایران در سال های اخیر پیشرفتی محسوس داشته است. در این سال ها کتاب های فوق العاده ای منتشر شده اند. هر چند شاید تعداد این کتاب ها کم باشد، اما کیفیت آنها مناسب است. صفحه آرایی و کتاب ایران قابلیت این را دارد که در میان بهترین های جهان باشد.

این نقاش به نکته جالبی اشاره می کند: تنها پنج کتاب مورد داوری قرار می گیرند و ما پنج کتاب را که از همه نظر قابلیت های بالایی داشته باشند، در ایران به راحتی خواهیم یافت.

به عقیده او قضاوت در این مورد به عهده گروه داوری است و بنابراین باید منتظر تشکیل جلسه داوران ماند. او تأکید دارد که باید معیار های داوری پس از ریزنی با سایر اعضای گروه مشخص شود. اما به هر حال معیار های شخصی خود را به شکلی بسیار کلی بیان می کند: قطع کتاب، طرح جلد آن، نوع صفحه آرایی، تصاویر، درونی و بیرونی کتاب، نوع و شکل قلم استفاده شده، رنگ های به کار رفته و تطبیق صفحه آرایی و جلد با محتوا.

این گرافیست قابلیت های ایران در چاپ و صفحه آرایی کتاب را از نظر فنی در شرایط مناسبی می بیند و می گوید: اگر خوب سرمایه گذاری کنیم، کتاب خوب تولید می کنیم. او پیشرفت های فنی سایر کشور ها در توانایی های فنی چاپ و نشر کتاب را مسئله مهمی نمی داند. به عقیده او هر چند ما توانایی فنی لازم را داریم، اما اگر هم نداشته باشیم، چیز زیادی از دست نداده ایم. استدلال نصر برای اثبات نظرش، این گونه است: "صنعت چاپ هم همانند صنعت سینماست. بعضی از کشور ها ممکن است توانایی های فنی فوق العاده ای در سینما داشته باشند، اما می بینیم فیلم هایی هنرمندانه در دیگر کشور ها ساخته می شوند که به مراتب کیفیت بالاتری دارند. اصلاً اگر فقط پیشرفت های مربوط به فناوری مطرح بود، دیگر مسابقه ای در نمی گرفت. اعلام می کردند کشوری که به بالاترین فناوری در زمینه چاپ و صفحه آرایی کتاب دست یافته، برنده است. کتابت و کتاب آرایی در درجه اول یک هنر است و نگاه به آن نگاهی هنری است."

نصر از وضعیت کتاب آرایی در ایران نیز تا حد قابل توجهی راضی به نظر می رسد. وی معتقد است که برخی کتاب های ایرانی در کنار محتوایی فاخر،

شرکت کننده در مسابقه به هیئت داوران معرفی می شوند و مورد قضاوت بی طرفانه قرار می گیرند. به باور خلعت بری، لزوم شکل گیری چنین حرکتی در ایران کاملاً احساس می شد. وی تأکید می کند که کشوری همانند ایران در زمینه کتاب آرایی، حرف های بسیاری برای گفتن دارد و باید در سطح بین المللی جایگاه خود را به جهانیان معرفی کند: "ما از نظر فرهنگی در سطح بسیار بالایی هستیم و من می توانم ادعا کنم که از هیچ کشوری کم نداریم. شاید ما کاغذ و مقوا و توانایی تولید و دستگاه های پیشرفته چاپ را نداشته باشیم و یا شاید فناوری ما چندان دقیق و به روز نباشد، اما فرهنگ و هنرمان آن قدر خوب هست که در این مسابقه جهانی شرکت کنیم و جزو برندگان باشیم."

هر چند این ناشر کتاب های ایرانی را دارای شانس بالایی برای دریافت عنوان "زیباترین کتاب" می داند، اما به مسئله دیگری هم اشاره دارد. به باور او تنها برگزیده شدن در مسابقه و جایزه برن اهمیت ندارد. او در توضیح این باور خود می گوید: "پیش از هر چیز، مهم این است که برای اولین بار کتاب های ایرانی به این جشنواره وارد می شوند و حضور ایران است که اهمیت اصلی را دارد. این نکته مهم است که تمام دنیا، کتاب های برگزیده ما را خواهند دید و با هنر و فرهنگ ما آشنا می شوند. اگر جهانیان تاکنون فکر می کردند که در این هنر حرفی برای گفتن نداریم، متوجه می شوند که در اشتباه بوده اند."

او همچنین برای این که جنبه ملی این اقدام را ثابت کند، روی این مسئله تأکید می کند که برگزاری چنین مسابقه ای را به اطلاع تمام انجمن ها و اتحادیه ها رسانده است و این جریان را با تمامی ناشران در میان گذاشته است.

وی در مورد تشکیل هیئت داوران نیز توضیحاتی ارائه می دهد: "برای تشکیل هیات داوران، از افرادی که دست اندرکار کتابت و تولید کتاب های هنری هستند و سال ها در این زمینه فعالیت کرده اند، دعوت به همکاری کرده ایم. تلاش ما این بوده که هیات داورانی معقول و مقبول تشکیل دهیم که به صورت علمی و منطقی، زیباترین کتاب های ایران را انتخاب کنند."

گرافیک ایرانی در صدر

کریم نصر، نقاش، طراح و تصویرگر کتاب، که به عنوان یکی از اعضای هیئت داوری انتخاب زیباترین کتاب ایران برگزیده شده است، به این ماجرا با دیدی بسیار مثبت نگاه می کند. به باور او کتاب های ایرانی



سایر محمدی

«ارشاد» عنوان کتابی در معرفت، وعظ و اخلاق تالیف عبدالله بن محمدابن بکر قلانسی نسفی (اوایل قرن ششم هجری) است که با تصحیح و تعلیقات دکتر عارف نوشاهی همراه با مقدمه‌ای از او توسط نشر میراث مکتوب منتشر شده است. «مجالس جهانگیری» یا «مجلس‌های شبانه در باره نورالدین جهانگیر تالیف عبدالستار بن قاسم لاهوری نیز با تصحیح و تحشیه او به بازار آمده است. عارف نوشاهی متولد ۱۹۵۴ میلادی در اسلام‌آباد پاکستان، دکترای زبان و ادبیات فارسی را در سال ۱۹۹۳ از دانشگاه تهران گرفت. وی از سال ۹۸ تاکنون استاد کالج دولتی گردن پاکستان است و به عنوان محقق و نسخه‌پژوه برجسته از سال ۱۹۸۹ تا سال ۱۹۹۳ با بنیاد دایرةالمعارف بزرگ اسلامی همکاری و به عنوان مترجم مرکز فرهنگی ایران در پاکستان حدود چهار سال فعالیت داشته و در حال حاضر در انستیتو مطالعات زبان فارسی در اسلام‌آباد پاکستان مشغول به کار است. وی در کارنامه‌اش علاوه بر انتشار چند جلد فهرست‌نویسی آثار خطی فارسی، کتاب «انشای هرکرن» نخستین کتاب فارسی در شبه‌قاره هند را تصحیح و منتشر کرد و در ایران علاوه بر دو کتاب «ارشاد» و «مجالس جهانگیری» چهار عنوان کتاب دیگر نیز توسط نشر میراث مکتوب زیر چاپ دارد. دکتر عارف نوشاهی امسال در ایام هفته کتاب و در هشتمین دوره مراسم بزرگداشت حامیان نسخ خطی در بخش دین با تصحیح کتاب «ارشاد» مورد تقدیر قرار گرفت.

عارف نوشاهی، چهره برگزیده حامیان نسخ خطی از تازه‌ترین تصحیح خود می‌گوید

برگ‌های تازه در دیوان رودکی



آقای دکتر نوشاهی، لطفاً در مورد تصحیح کتاب «ارشاد» و مولف آن و چگونگی تصحیح و انتشار آن توضیح دهید.

راستش را بخواهید کشف نسخه خطی «ارشاد» در کتابخانه آرشیو ملی پاکستان را بزرگ‌ترین توفیق خود در عرصه فهرست‌نویسی و تصحیح نسخه‌های دستنویس می‌دانم. وجود چنین نسخه‌ای در گنجینه اسناد ملی پاکستان برای من غیرمنتظره بود. در یکی از روزهای تابستان سال ۱۳۸۲ در تاریخخانه زیرزمین ساختمان مرکز اسناد ملی پاکستان نسخه‌ای یافتیم که از آن مرا هیچ شناختی نبود. هرچه نسخه را مطالعه کردم و به اعلام عجیب تاریخ ادبیات و به افعال و تراکیب غریب و کهن زبان فارسی برمی‌خوردم، بر حیرتم افزوده می‌شد. احساس می‌کردم از دنیای امروزی بریده و در دنیای گمشده‌ای به سر می‌برم. دور و بر خود کسی را نمی‌دیدم که نسخه را به او نشان بدهم و از او بپرسم که این چه کتابی است؟ هیچ مأخذی هم در کنار خود نداشتم که نسخه را با آن بسنجم و سرنخی پیدا کنم. تصور می‌کردم که نسخه منحصر به فرد است و نام این اثر فارسی در منابع کتابشناختی ثبت نشده است.

چگونه موفق به شناسایی این نسخه دستنویس و کهن شدید؟

به مرور زمان و با جست‌وجو معلوم شد که گذشتگان از این کتاب آگاه بوده‌اند و نسخه‌پژوهان ایرانی پنج-شش نسخه از «ارشاد» را در کتابخانه‌های چین کشف کرده‌اند؛ ولی دریا که تاکنون به جز دو-سه نوشته خبرگونه و گزارش گریانه، هیچ گفتاری درخور این درّ دری، نوشته و چاپ نشده است، یا لاقلاً در نظر بنده در نیامده است.

ارزش و اهمیت کتاب «ارشاد» چیست و چرا متن مهمی تلقی می‌شود؟

«ارشاد» از چندین لحاظ در تاریخ هزار ساله زبان و ادبیات فارسی متنی مهم است. یکی از لحاظ داشتن افعال کهن دری که امروز متروک شده است. دیگر در برداشتن اصطلاحات ناب فارسی. دیگر حفظ و نقل برخی قطعات شعر از قدیم‌ترین سخنگویان بنام فارسی همچون رودکی، ابوشکور بلخی و فرخی و آوردن ابیاتی از شعرای گمنام فارسی مثل منصور ابدال، جوهری سمرقندی، قانع نخشی و غیره. دکتر شفیعی کدکنی وقتی اشعار رودکی را در این کتاب دیدند، گفتند: «امروز اگر یک بیت تازه از رودکی پیدا شود، برابر است با پیدا شدن دیوان شاعری از قرن‌های متاخر!»

باتوجه به این که کتاب «ارشاد» توسط نسخه‌پژوهان ایرانی اثری شناخته شده محسوب می‌شد و در کتابخانه‌های چین چند نسخه خطی از آن را یافته بودند، چگونه به فکر تصحیح و انتشار آن نبودند؟ بایسته بود که این کتاب، زودتر از این چاپ می‌شد و شایسته بود که به همت استادی تصحیح می‌شد که سبک شناس نثر فارسی دری باشد و تاریخ‌تطور زبان فارسی و تحولات دستوری و زبانی را بشناسد و گونه زبان فارسی ماوراءالنهر را نیک بداند. ولی

رسمی وقایع سیاسی و اشتغالات نورالدین جهانگیر است. در صورتی که تالیف مجالس جهانگیری به خواست خود مولف صورت گرفته یعنی او خودش به جهانگیری گفته که چون من در باره هستم و اتفاقات جالبی در این جا رخ می‌دهد، می‌خواهم که این موارد را بنویسم که جهانگیر هم اجازه داده است.

اول قرار بود که در این کتاب چهار مجلس شبانه گردآوری شود ولی وقتی چهار مجلس تمام شد و جهانگیر مطالب کتاب را دید و پسندید به مولف گفت که این کار را ادامه دهد و پس از آن این متن شامل ۱۲۲ مجلس شد. این که می‌گویم تاریخ غیررسمی، در اصل این مطالب مرتب‌بآوردن جهانگیر است اما حالت رسمی ندارد. جالب است که در منابع شبه‌قاره اصلاً از این کتاب یاد نشده و در فهرس و منابع اصلاً اشاره‌ای هم درباره آن وجود ندارد و تنها یک نسخه خطی که در لاهور بوده که اتفاقاً از طریق این نسخه خطی آگاه شدیم که چنین کتابی هم وجود دارد.

اشعاری که از شاعران ایرانی در کتاب «ارشاد» نقل شده چه وضعی دارند؟ آیا در دیوان این شاعران وجود دارند؟

از جهت تاریخ ادبیات فارسی این اشعار اهمیت خاصی دارند. در این اثر از شعرایی نقل شعر شده که کسی آنها را نمی‌شناسد یا خیلی کم می‌شناسند. مثلاً شاعری به اسم منصور ابدال که ما این شاعر را نمی‌شناسیم. یا حکیم جوهری سمرقندی که او هم نمی‌شناسیم. غیر از اینها از آفرین‌نامه ابوشکور بلخی و رودکی هم اشعاری آورده که این ابیات در دیوان‌هایی که به نام او تدوین و چاپ شده وجود ندارد.

نسخه خطی ارشاد در دست من، برای انتشار کتاب از سوی مرکز اقدام کرد و مقدمات آن را فراهم آورد تا سرانجام نشر میراث مکتوب که به احیای متون کهن قلمرو فارسی می‌کوشند این متن مهم ادبیات فارسی دری ماوراءالنهر را به بهترین شکل و شمایل عرضه کرد.

الان چه آثاری در دست چاپ دارید؟

کارهایی که الان مخصوصاً با همکاری مرکز پژوهشی میراث مکتوب در دست دارم عبارت از شش کتاب است که یکی از آنها «مجالس جهانگیری» تالیف عبدالستار بن قاسم لاهوری بود که با همکاری دکتر معین نظامی استاد دانشگاه پنجاب لاهور تصحیح شده و اخیراً چاپ و به بازار عرضه شده است. «مجالس جهانگیری» گزارش مجالس شبانه نورالدین جهانگیر، پادشاه تیموری در هند از سال ۱۰۱۷ تا ۱۰۲۰ هجری قمری است و نوعی تاریخ غیررسمی درباره جهانگیر به حساب می‌آید که گزارشی است از وقایع ادبی و فرهنگی و اتفاقاتی که در باره می‌افتاد. تاریخ رسمی درباره او همان جهانگیرنامه یا مؤثر جهانگیری است اما این مجالس جهانگیری نوعی گزارش غیررسمی از وقایع ادبی و فرهنگی درباره است.

یعنی برای این پادشاه دو نوع تاریخ تالیف کرده‌اند و خود او هم روز را به دو بخش تقسیم کرده بوده که هر بخش را به نوعی فعالیت خاص اختصاص داده است؟

نه! رسماً این طور نبوده است. فقط همان توزک جهانگیری یا جهانگیرنامه که یک قسمتش را خود جهانگیر نوشته و یک قسمت را یکی از مورخان درباره او به دستور جهانگیر تکمیل کرده بود تاریخ

شاید این خدمت، نصیب من بوده که کهنه کتابی در اخلاق دینی و عرفانی یا به قول مولف در علم معرفت و وعظ و اخلاق را پیشکش دوستان ادب دوست و فارسی‌دان در قلمرو زبان فارسی کنم.

هنگام تصحیح این متن با چه مشکلاتی روبه‌رو بودید؟

تصحیح چنین متن کهنی، با حفظ اصالت زبانی آن که گهگاه تغییر حتی یک کلمه در آن می‌تواند مدار مطالعه زبان‌شناسان را جابه‌جا کند، برای نگارنده که نه‌اهل زبان و زبان‌شناسی و نه سبک‌شناسی و نه آگاه به نکات دستوری و زبانی بودم، پس دشوار بود. مزید بر آن در کتابخانه‌های اسلام‌آباد، منابعی یافت نمی‌شد که بتوان به کمک آنها گره‌های کور متن فارسی قرن پنجم ماوراءالنهر را گشود. انصافاً اگر راهنمایی‌های استادان فاضل و یاری دوستان مخلص شامل حال من نمی‌بود از پس این کار بزرگ به تنهایی بر نمی‌آمدم. در اینجا واجب می‌دانم از یکایک آنان سپاسگزاری کنم. در سفرهایم به مشهد و تهران در سال‌های ۱۳۸۲ و ۸۳ و ۸۵ هـ. ش اوراق این کتاب را در محضر دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی و استاد نجیب مایل هروی خواندم و هر پرسشی که داشتم این بزرگواران از راهنمایی و پاسخ دادن دریغ نفرمودند. استاد ترک‌زبان فارسی‌دان و شیفته کتاب، دکتر نجات طوسون در استانبول لوح فشرده نسخه ترکیه این کتاب را تهیه کرد و برای من ارسال داشت و منابعی که برای مقدمه و تعلیقات لازم بود را از کتابخانه‌های ترکیه برای من تدارک دید یا دکتر نصرالله پورجوادی در زمان مدیریت مرکز نشر دانشگاهی تهران به محض دیدن عکس



با سیدجعفر حسینی اشکوری، چهره برگزیده حامیان نسخ خطی

دستخط فیلسوفان را راحت می خوانم

در آخرین روز از پانزدهمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران مراسم هشتمین دوره بزرگداشت حامیان نسخ خطی برگزار شد که در این مراسم در بخش فهرست نویسی، سیدجعفر حسینی اشکوری به خاطر فهرست نسخه های خطی کتابخانه مدرسه بازار اصفهان شایسته تقدیر شناخته شد و از او قدردانی به عمل آمد. سیدجعفر حسینی اشکوری متولد ۱۳۴۹ نجف اشرف است و تحصیلات خود را در درس خارج در حوزه علمیه قم گذراند. وی هم اکنون در مرکز احیای اسلامی فعالیت می کند و مسئول بخش نسخه های عکسی و خطی کتابخانه مدرسه بازار اصفهان است. وی به مناسبت برگزاری کنگره بزرگداشت محقق خوانساری کتابی را تصحیح و تدوین کرده و به چاپ رسانده است. این کتاب به نام «مهبط النور» تالیف حاج محمدحسن فاضلی حدود ۱۵۰ سال پیش تالیف شده بود. به جز اینها «اکلیل المنهج فی التحقیق المطلب» شرحی بر منهج المقال مرحوم استرآبادی است که ملامحمدجعفرین محمدطاهر کلباسی خراسانی از علمای دوران صفویه و از شاگردان مرحوم علامه مجلسی آن را نوشته است و توسط سیدجعفر حسینی اشکوری تصحیح و منتشر شده است، همچنین کتابی از مرحوم حاج آقا بزرگ تهرانی به نام «کشکول» و تصحیح کتاب «توضیح المقال» اثر ملااحمدبن علی مختار گلپایگانی از جمله آثار در دست انتشار این نسخه پژوه پرتلاش است. قابل ذکر است آثاری که تاکنون به دست سیدجعفر حسینی اشکوری فهرست نویسی شده بالغ بر بیست و پنج جلد است.

شما چگونه به کار فهرست نویسی و نسخه پژوهی علاقه مند شدید و علم نسخه شناسی را از کجا آموختید؟

اگر قائل به علم امروزی باشیم که می گویند برخی از علوم به صورت ژنتیکی به انسان منتقل می شود، شاید یک بخش از استعداد و دانش من از این راه بوده باشد. چون پدرم در این رشته فعالیت داشت و من هم طبعاً از دوران کودکی باین آثار آشنا بودم و نسخه های خطی که پدرم روی آنها کار می کرد به چشمم آشنا بود. به همین خاطر از همان زمان به مطالعه کتاب های مختلف علاقه پیدا کردم. به کلاس آموزش خط و خطاطی رفتم و اکثر خطوط سبوعه را می شناسم و می نویسم. در خوانسار که مشغول تحصیل بودم، مسئولیت کتابخانه آنجا را به مدت سه سال به عهده گرفتم و بالاخره راهنمایی های پدر و مطالعات جنبی و مداوم و آموزش در محضر آقا حبیب طباطبایی و تلاش و علاقه قلبی خودم سبب شد که در زمینه فهرست نویسی و نسخه شناسی اطلاعات لازم را کسب کنم و صاحب تجربه شوم. اولین کتابی که از من چاپ شد تقریبی بر فهرست کتابخانه مرحوم فاضل خوانساری بود. البته تداوم کار در این زمینه به دلیل عشق و علاقه شخصی بود.

در حال حاضر کسانی که به کار در زمینه فهرست نویسی و نسخه شناسی علاقه مند هستند کجا باید آموزش ببینند؟

اگر علاقه و پشتکار باشد، در هر کاری که انسان اراده کند به مقصود می رسد. فهرست نویسی و کتابشناسی و نسخه پژوهی علمی نیست که صرفاً از راه آموزش حاصل شود. عشق و علاقه بیش از اندازه لازم است. ضمن این که تمایل قلبی خود فرد است که او را به مقصود می رساند. متأسفانه تا به امروز کتابی مرجع و معتبر در آموزش و معرفی این علم نوشته نشده است. مقدمات این کار هم بسیار وسیع است. علاقه و پشتکار زیاد و مطالعات گسترده و همه جانبه در رشته های مختلف کتابشناسی ابزار اولیه ورود به این حوزه است.

می دانید که در این زمینه کاغذ یک بحث دارد. نوع خط، نوع جلد، شناخت مولف، سال تحریر نسخه و ... هر کدام از این موارد بحث های جداگانه ای دارند و لازم است که فرد در همه این زمینه ها صاحب نظر شود تا بتواند وارد این حوزه کاری بشود. به همین خاطر، من معتقدم عشق انسان به کتاب و کتابخوانی و حفظ میراث مکتوب و کهن می تواند مشکلات این عرصه را آسان کند و نسل های آینده جذب این حوزه شوند.

به نظر شما آیا کتابشناسی و نسخه شناسی دو مقوله جدا از هم اند و هر کدام تخصص ویژه و علم مخصوص به خود را می طلبند؟

بله. کتابشناسی در این زمینه بحث می کند که فلان کتاب در چه سالی تالیف شده، موضوع کتاب چیست؟ زبان این کتاب چگونه است؟ به چه کسی اهدا شده؟ و



چه عواملی باعث می شود از اشتباه مصون بماند؟ دلایل زیادی می تواند سبب لغزش و خطای فهرست نویسی شود. من همیشه بر این اعتقادم که فهرست نویسی چون در شرایط خاص و در زمان و مکان خاص کار می کند، نمی توان حکم کرد که فلان فهرست نویسی در کارش اشتباه کرده و به خطا رفته است.

چون آن مقدار منابع که تا آن مقطع در اختیار و در دسترس آن فهرست نویسی بوده امکان این را به او نداده که اطلاعات کامل و جامعی از آن نسخه ارائه دهد به همین دلیل بسیاری از نسخه های خطی مجهول مانده و یا خوب معرفی نشده است. در زمان حاضر که بسیاری از فهرست ها چاپ شده، منابع جدید پیدا شده و بسیاری از منابع اروپایی به فارسی ترجمه شده، طبیعی است که خطا و لغزش کمتر در فهرست نویسی راه پیدا کند. دوران جدید با دورانی که استادان ما کار فهرست نویسی می کردند اصلاً قابل مقایسه نیست. همین کثرت و سهل الوصول بودن منابع و رجوع آسان به مأخذ های معتبر باعث می شود که خطای کمتری در کار ما راه پیدا کند. من اصلاً نمی پسندم که بگویم استادان ما در گذشته در فهرست نویسی ها دچار اشتباهات فراوان شده اند. الان با وجود همه امکاناتی که هست باز هم ما اشتباه می کنیم. آیندگان نسبت به کار ما قضاوت خواهند کرد و اشکالات ما را بر ما خواهند ساخت. خودمان گاهی بعد از مدتی که به فهرست نویسی خود مراجعه می کنیم می بینیم در یک جا تاریخ اشتباه شده یا کتابی را نشناخته معرفی کرده ایم ولی حالا نسخه جدیدی پیدا شده که خط بطلان بر شناخت قبلی ما می کشد. به هر حال چنین مشکلاتی در فهرست نویسی ها هست. من عقیده دارم تمام کارهایی که در گذشته شده، با توجه به شرایط زمانی و مکانی خودش که استادان ما با همه کمبود انجام داده اند، جای تحسین

مباحثی از این قبیل که در چند باب و در چند فصل و چند صفحه است. اما نسخه شناسی به خصوصیات فیزیکی اثر، یعنی نوع جلد، نوع کاغذ، تزئیناتی که در جلد آن به کار رفته، نوع خط و تذهیب و ... در واقع نسخه شناسی به این گونه اطلاعات می پردازد.

آیا در فهرست نویسی به هر دوی این علوم نیاز هست؟

بله. فهرست نویسی یقیناً باید به این دو علم مسلح باشد. فهرست نویسی تا زمانی که یک کتاب خطی را با خصوصیات و مشخصات آن به درستی نشناسد، نمی تواند در فهرست نویسی، آن نسخه را به صورت جامع و کامل معرفی کند. فهرست نویسی لازم است که هم کتاب شناسی آگاه و هم نسخه شناسی متبحر باشد تا با مولفان هر عصر آشنایی اجمالی داشته باشد و به موضوع اثر و سبک و سیاق متن مختصر شناختی پیدا کند تا در فهرست نویسی دچار لغزش و خطا نشود. البته سبک های مختلفی در دوران گذشته وجود داشته که تفاوت زیادی با یکدیگر دارند. مثلاً سبک نگارش در زمان صفویه با سبک نگارش در زمان قاجاریه متمایز و جدا از هم هستند. همچنین سبک های دوران قبل از صفویه، مثل سبک تیموری، سیاق خاص خودش را دارد که به سبک صفویه و قاجاریه هیچ شباهتی ندارد. شناخت این مسائل کمکی است به یک کتابشناس تا یک نسخه خطی که صفحات اول و آخرش در دسترس نیست را شناسایی کند. برای شناخت یک نسخه خطی که صفحات اول و آخر داشته باشد مشکل چندانی وجود ندارد. هنر یک کتابشناس و یک نسخه پژوه زمانی معلوم می شود که یک کتاب خطی را که چند صفحه از شناسنامه و صفحات پایانی اش از بین رفته درست شناسایی کند و مجهولات آن نسخه را با علم خود معلوم و مشخص کند.

آنچه سبب می شود که یک فهرست نویسی در ثبت یک نسخه خطی دچار لغزش و خطا شود چیست و

و تقدیر دارد و بهتر است به جای انتقاد از آن آثار، آستین همت را بالا بزنیم و در جهت پیشبرد معرفی نسخه های خطی موجود در ایران و جهان گامی فراتر برداریم.

شما در انتخاب آثار خطی برای تصحیح چه معیاری را در نظر می گیرید و اولویت در تصحیح آثار مربوطه به کدام حوزه است؟

من در رشته مورد علاقه ام که شرح حال رجال و علماست، سعی دارم نسخه های خطی را تصحیح و منتشر کنم. من علاقه مندم بیشتر در این زمینه کار کنم و تاکنون هر چه کار کرده ام در این حوزه بوده است. سعی ما بر این است که آثار مجهول مانده را تصحیح کنیم و اثری که مربوط به یکی از بزرگان این مملکت است را از انزو خارج و احیا کنیم اما شخصاً به دنبال این هستم که یک نسخه جدید پیدا کنم و آن را تصحیح و منتشر کنم.

دوست داشتید کدام نسخه خطی را تصحیح کنید که این امکان یا فرصت فراهم نشد؟

من همیشه دوست دارم به دنبال نسخه ای هر چه کهن تر و قدیمی تر باشم تا آن را تصحیح و منتشر کنم. تا حالا الحمدلله هر چه کار کرده ام مورد رضایت خودم بوده است. اما باز سعی می کنم آثاری که به اصطلاح ما گمشده است را پیدا کنم و انتشار دهم. شاید یک روز در میان کتاب های همین کتابخانه های شخصی که مشغول فهرست نویسی آنها هستیم چنین کتابی به دست بیاید و بتوانیم آن را احیا کنیم. بالاخره نفس پیدا شدن یک نسخه خطی از دوران گذشته طبعاً مایه مسرت و شادمانی است. وقتی من یک نسخه از دانشمندان قدیمی می بینم و یا خودم آن را فهرست نویسی می کنم، بسیار بسیار خوشحال می شوم.

لطفاً توضیح دهید کتاب «توضیح المقال» در چه زمینه ای نوشته شده است.

این کتاب در علم رجال است که مرحوم احمدبن ابی مختار گلپایگانی آن را بر اساس آثاری از شیخ صدوق و شیخ طوسی در زمینه فلسفه اولی و مشایخ آنها با استفاده از آثار خودشان استخراج کرده و در قالب کتاب جدیدی تالیف کرده است.

کتاب «کشکول» به قلم حاج آقا بزرگ تهرانی در چه زمینه ای نگاشته شده است؟

حاج آقا بزرگ تهرانی دفتری داشت که در جریان سفر به این سو و آن سو آن را به همراه خود می برد و هر چه شعر، نثر، یادداشت و خاطره که به نظرش می رسید و دارای ارزش بود، در آن دفتر ثبت و ضبط می کرد. در واقع کشکول جنگی از مطالب متنوع و خواندنی است که مطالعه آن بسیار جذاب است.

لطفاً موضوع کتاب «منهج المقال» را توضیح بدهید.

«اکلیل المنهج ...» را ملامحمدجعفر خراسانی کلباسی نوشته است که شرحی است بر «منهج المقال» مرحوم استرآبادی و علاوه بر استرآبادی، واعظ رسائل الشیعه، محمدبن عبدالفتاح تکابانی و محمدبن حسن بن زین الدین از نوادگان شهید ثانی هر کدام حواشی متفرقه ای بر آن نوشته اند. محمدجعفر بن محمدطاهر کلباسی نسخه هایی از آن را به خط خودشان در اختیار داشت و چون این نسخه ها در حال تخریب بود من آنها را در یک کتاب به اضافه حواشی که محمدجعفر بن محمدطاهر کلباسی بر «منهج المقال» نوشته، جمع کردم. تاریخ محمدطاهر کلباسی مجهول است ولی در ۱۱۷۵ هجری مقارن با حمله افغان به ایران در اصفهان زندگی می کرده و در واقع این اثر متعلق به دوران صفوی است.

چرا شما فقط نسخه های عکسی را فهرست نویسی می کنید؟

آنچه در این جایگی در کتابخانه مدرسه بازار اصفهان از من چاپ شده، فهرست نویسی نسخه های عکسی است و گرنه اغلب کارهایی که از من چاپ شده فهرست نویسی نسخه های خطی بوده است.

از بین نسخه های خطی، بهترین کتابی که در فهرست نویسی با آن مواجه شده اید کدام نسخه بوده است؟

من نسخه های فراوانی را فهرست کرده ام که ارزش و اهمیت زیادی داشته اند و نمی توانم روی یک نسخه خاص انگشت بگذارم.



دانشجویان هنر به منابع درسی روزآمد نیاز دارند

جای خالی نظریه بر بوم و صحنه



توجه به آموزش های نظری دانشجویان رشته های هنری، به ویژه در حوزه هنرهای تجسمی، از سوی برنامه ریزان کمتر مورد اقبال بوده است. به همین ترتیب دغدغه تهیه، تالیف و ترجمه کتاب هایی به این منظور، آن قدر کم رنگ شده که اگر هم کتابی در این باره تهیه می شود تنها به کاری از روی انجام وظیفه تبدیل شده است؛ به طوری که بسیاری از استادان به سیستم جزوه دادن و دانشجویان به شیوه خواندن سراسری جزوه ها عادت کرده اند. اگر قرار باشد مثلاً برای واحدهای درسی تئوریکمانند تاریخ هنر ایران و جهان و ... کتابی معرفی شود، هنر در گذر زمان هُلن گاردنر و کتاب هایی شبیه به آن تنها امکان هایی هستند که استادان در اختیار دارند، اما آیا اینها جزو کتاب های دانشگاهی به حساب می آیند؟

شاید یکی از دلایلی که در رشته هنرهای تجسمی تهیه کتاب های دانشگاهی این گونه مورد غفلت قرار گرفته، عدم اعلام نیاز از سوی استادان و دانشجویان باشد. نکته دیگری که از سوی بسیاری از استادان به عنوان مشکل اصلی مطرح می شود تخصص نداشتن تهیه کنندگان منابع دانشگاهی رشته هنر است، اما نباید این نکته را هم از یاد برد که احساس نیاز به آموزش نظری دانشجویان هنر از سوی استادان وجود ندارد و بسیاری از استادان آموزش های عملی را ترجیح می دهند. نتیجه چنین نگاهی فراغت از تحصیل دانشجویانی است که اگر چه در زمینه های عملی بسیار توانا هستند، اما دانش نظری بالایی ندارند و فراموش نکنیم که امروزه نداشتن این نوع دانش در هنر نوعی ضعف به حساب می آید.

احمد صفلائی مدرس انیمیشن در دانشکده های هنری است. او معتقد است منابعی که در اختیار دانشجویان رشته های هنری است معمولاً از طرف استادان همان ترم به دانشجویان معرفی می شوند؛ به این معنا که کتاب ها لزوماً از سوی یک مرجع آکادمیک و به عنوان یک منبع عمومی معرفی نشده اند. به گفته او ترجمه ای که از مراجع شناخته شده هنری، مانند تاریخ هنر یا هنر در گذر زمان در اختیار دانشجویان است جزء ترجمه های بسیار قدیمی است که سال هاست به روز نشده اند.

اگرچه با توجه با تغییر و تحولات سریعی که در دنیای هنر رخ می دهد، ضرورت به روز شدن کتاب های دانشگاهی بیش از گذشته احساس می شود، اما این ضرورت درباره کتاب های مرجعی مانند تاریخ هنر کمتر وجود دارد؛ چون پرداختن به یک بحث تاریخی که یک روند طی شده را پشت سر گذاشته است دیگر شامل تغییراتی که به مرور زمان در هنر ها ایجاد شده است نمی شود؛ البته به گفته صفلائی احتمالاً لازم است که هر چند سال یک بار، بازنگری در آنها شده بایخش هایی به آنها اضافه شود نه این که کتاب ها به کلی دچار تغییر و تحول شوند. در واقع کتاب های تاریخی که حکم مرجع را پیدا کرده اند از ضرورت به روز شدن تا حد زیادی به دور هستند. صفلائی در این باره توضیح داد: کتاب هایی که

هنرهای زیبا با کتاب های مورد استفاده دانشجوی گرافیک دانشکده هنر اصفهان هماهنگی وجود داشته باشد. این را هم فراموش نکنیم که وجود نگاه جامع، غیر شخصی و البته تخصصی در این تیم بسیار ضرورت پیدا می کند. چرا که هر قدر تصمیمات کلان تر باشد، کارشناسی شدن آنها نیز ضرورتی بیش از پیش می یابد.

جزوه ها منابع آشنای درسی دانشجویان هنر است. هر استادی برای درس خود جزوه ای ارائه می کند که معمولاً گردآوری های او از کتاب های مختلفی است که بنا به تشخیص آن مدرس برای دانشجویان آن درس مورد نیاز است. این که جزوه ها تا چه اندازه استاندارد هستند و چقدر نیازهای آن درس را مرتفع می کنند پرسشی است که ممکن است پاسخ های متفاوتی داشته باشد. صفلائی در این باره معتقد است که این جزوه ها باید از سوی گروه علمی دانشگاه مورد بررسی قرار گرفته و تایید شوند. وجود این جزوات با توجه به فقری که در زمینه چاپ کتاب های هنری وجود دارد در به روز شدن اطلاعات دانشجویان کمک بسیاری می کند. او معتقد است که این جزوات باید توسط یک کمیته تخصصی بررسی شوند تا تنها بر اساس نظرات شخصی استادان تدوین نشده باشند. نظارت داخلی دانشگاه هم در طرح درس ها، ارائه و تدوین جزوات و معرفی منابع درسی می تواند مفید باشد.

به اعتقاد صفلائی مخاطبان کتاب های هنری - آکادمیک کمتر از آن تعدادی است که ناشران برای چاپ این دسته از کتاب ها استقبال نشان دهند. وقتی قرار است در سال سی جلد از این

معرفی می کند. این گفته صفلائی با توجه به نظام نابسامان آموزش هنر، به ویژه در هنرهای تجسمی، امری اجتناب ناپذیر است. البته یکی از مشکلاتی که این قضیه به دنبال دارد فارغ التحصیل شدن دانشجویانی است که در بهترین حالت یک کپی شسته رفته از استاد خود هستند؛ یا در نگاه بدبینانه تر مجموعه ای از نظریات و سلاقی متعددی می شوند که خودشان در درک و تحلیل آن نظریه ها نقشی نداشته اند و در نهایت آنچه در یک نگاه کلی تر باقی می ماند عده ای فارغ التحصیل است که بدون آن که توانایی تجزیه و تحلیل و تولید اندیشه را داشته باشند، حاملان اندیشه ای از پیش تدوین شده هستند.

او با اشاره به این که وزارت علوم وقتی رشته ای را تصویب می کند، زیر گروه های آن را هم تعیین می کند گفت: در آنجا مشخص شده است که برای هر یک از این درس ها چه منابعی باید مورد استفاده قرار گیرد اما خود این تصمیم گیری ها سال هاست که مورد بازنگری قرار نگرفته است. مگر این که دانشگاه ها و استادان احساس نیاز کنند و تغییری در منابع درسی به وجود بیاورند. این شکل تصمیم گیری تنها در شرایطی که بر آموزش عالی ما حاکم است کار پسندیده ای به نظر می رسد؛ اما با دیدگاهی حرفه ای تر نسبت به هنر، اتخاذ چنین تصمیماتی از اهمیت بالایی برخوردارند و باید زیر نظر یک تیم کارشناسی و با دیدگاهی مشورتی اتخاذ شوند. ما لزوم وجود هماهنگی میان دانشگاه های مختلف هنری را نادیده گرفته ایم؛ به این معنا که مثلاً باید میان منابع معرفی شده به دانشجوی گرافیک دانشکده

مؤلف مشخصی دارند هر چند سال یک بار توسط آن مؤلف بازنویسی می شوند؛ حتی کتاب هایی که توسط موسسات هنری و انتشاراتی گردآوری شده اند هم هر چند سال یک بار بازنویسی می شوند؛ اما همین کتاب ها وقتی وارد ایران می شوند تا سال ها بدون این که تغییری در آنها ایجاد شود به عنوان کتاب های مقبول مورد استفاده قرار می گیرند، بی آن که مشمول همان بازنگری های اعمال شده توسط نویسندگان شوند. یعنی نسخه ترجمه شده فارسی اش به روز نمی شود. این اعتقاد صفلائی وقتی صحیح به نظر می رسد که بپذیریم تغییر مداوم و پویایی در هنر، ضرورت نو شدن منابع مکتوب آنها را هم به دنبال دارد.

به اعتقاد صفلائی یکی از معیارهای انتخاب منبع درسی برای دانشجویان، سلیقه شخصی استاد آن درس است و این که استاد با توجه به علاقه شخصی و سلیقه فردی خود کتابی را به دانشجویان

اگر یک موسسه انتشاراتی

مانند سمت، مخصوص

رشته های هنری داشتیم

اتفاق مبارکی بود که

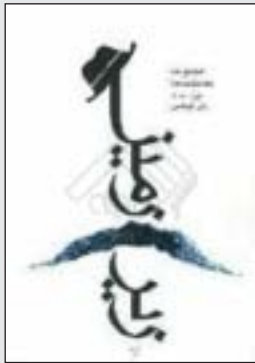
می توانست در زمینه منابع

دانشگاهی رشته های هنری

بسیار موثر عمل کند

در ادامه نشست های گام اول

پلکان نقد به «زیر زمین» رسید



در ادامه جلسات نقد و بررسی گام اولی ها، یکشنبه هفته گذشته مجموعه نمایشنامه «زیر زمین» اثر آرش عباسی مورد نقد و بررسی قرار گرفت. او علاوه بر نویسندگی در حوزه بازیگری نیز فعالیت می کند.

اولین اثر این نویسنده با عنوان زیرزمین، سه نمایشنامه را که در دوره های خاصی از زندگی وی نوشته شده است، دربرمی گیرد. «داستان عامه پسند» که دومین بخش کتاب را تشکیل می دهد مربوط به سال های فراغت وی از کار تئاتر و آخرین بخش کتاب هم اولین تجربه وی در حوزه نمایشنامه نویسی است.

این بخش حاصل دوران آغازین فعالیت او در عرصه تئاتر است. به گفته کارشناسان فارغ از هر پیش زمینه ای، عباسی اثری را خلق کرده که در سرتاسر آن احساس موج می زند. بیشترین اجزایی هم که از آثار آرش عباسی انجام گرفته متعلق به همین نمایشنامه است که تاکنون بارها توسط دانشجویان تئاتر در شهرستان ها به اجرا درآمده است.

نکته ای که در آثار عباسی به چشم می آید و آن را از دیگر نمایشنامه ها متمایز می کند، نوع نگاه وی به جامعه، افراد و رویدادهای اطراف است.

او کوشیده است جامعه و افراد را همان گونه که هستند ببیند و به تصویر بکشد. در نمایشنامه های آرش عباسی نمی توان به دنبال اتفاق خاصی بود، بلکه او موضوعاتی را به تصویر کشیده که از دل روزمرگی مردم عادی بیرون آمده و قابل دسترس هستند.

در جلسه نقد و بررسی مجموعه نمایشنامه «زیر زمین» علاوه بر آرش عباسی، همایون علی آبادی و رسول آبادیان نیز حضور داشتند.

در این جلسه همایون علی آبادی نویسنده و منتقد حوزه تئاتر و فارغ التحصیل دانشگاه تهران از جریان هایی که در شهرستان ها در حوزه تئاتر در حال شکل گیری است ابراز خرسندی کرد و گفت: «من معتقدم که این جریان ها باید به شکل مطلوبی مورد حمایت قرار گیرند تا چراغ تئاتر در کشور ما همچنان پایرجا باقی بماند.»

وی در مورد آثار عباسی نیز از سادگی و روانی آن گفت اما متذکر شد که بین سادگی و سطحی بودن باید تفاوت قائل شد. او ضمن بیان این که سادگی از نقاط قوت آثار عباسی محسوب می شود، به وی توصیه کرد که با تحقیق و مطالعه بیشتر دست به آفرینش های ادبی بزند تا از لزوا و از بین رفتن زبان فارسی در آثارش جلوگیری کند.

اجزای مکرری هم که از نمایشنامه های عباسی صورت می گیرد از نکات مثبت دیگری بود که همایون علی آبادی از آن به عنوان ارزشمندترین اتفاق در زندگی یک هنرمند یاد کرد.

علی آبادی همچنین از ایجاز و گزیده گویی سخن گفت و به بخش هایی از نمایشنامه های عباسی که در آن اطناب صورت گرفته بود اشاره کرد و آن را از آفت های زبان دانست و متذکر شد که زبان امروزین تئاتر به ایجاز احتیاج دارد نه چیز دیگر.

از دیگر موضوعاتی که علی آبادی در مورد مجموعه نمایشنامه «زیر زمین» به آن اشاره کرد، نگاه عمیق و دقیق وی در شناخت جامعه و در نهایت انتخاب شخصیت های صحیح برای آثارش بود.

در ادامه این جلسه نیز آرش عباسی با بیان این که انتقادهای وارده به کتابش را می پذیرد از جریان نادرستی در تئاتر کشور نام برد که دانشجویان را با زبانی درگیر می سازد که چندان شایستگی استفاده در نمایشنامه و اجرای آن را ندارد. وی از علی آبادی به عنوان اولین خواننده آثارش نام برد و گفت: «هنگامی که کتابم به مرحله چاپ رسید موقعیتی فراهم آمد تا ضعف های کتاب را برطرف و به صورت کامل تری آن را روانه بازار کنم اما ترجیح دادم کار را به همان شکل اولیه و بدون تغییر به چاپ برسانم.»

در پایان جلسه هم همایون علی آبادی از توان بالای نویسنده «زیر زمین» یاد کرد و گفت: «تمامی کارهای آرش عباسی از قابلیت بسیار بالایی برای اجرا برخوردار هستند و اگر قرار باشد یک بار دیگر این آثار روی صحنه بروند من حاضرم کارگردانی این آثار را بر عهده بگیرم.»

نگاهی به نمایشنامه «آن شب که دژخیم آمد»

تکیه کلام نخل ها

یوسف داوودی: هشت سال دفاع مقدس می تواند دستمایه آثار متعددی در ادبیات داستانی و نمایشی ما باشد، چنان که تاکنون نیز آثار متعددی در این زمینه به انتشار رسیده است. کتاب «آن شب که دژخیم آمد» یکی از آثاری است که با این رویکرد منتشر شده است. در این نمایشنامه داستان پیرمردی قهوه چی را می خوانیم که در یکی از شهرهایی که مورد تهاجم دشمن قرار گرفته، در برابر حمله دشمن یعنی ایستاد و با استفاده از فضای قهوه خانه خود، سدی در برابر دشمن ایجاد کرد. داستان که به صورت گفت و گوی پیرمرد و دو بسیجی صورت می گیرد، شکلی از خاطره به خود گرفته است و مولف کتاب تلاش دارد تا با استفاده از بازگشت به گذشته در گفت و گوها مخاطب را به فضای واقعی داستان نزدیک کند.

به جز پیرمرد قهوه چی و دو بسیجی که روایتگر شهادت فرزند پیرمردند، در صحنه هایی نیز خود جاسم (فرزند پیرمرد قهوه چی) و افسر نیروی عراقی حضور دارند. جاسم به دلیل تسلط به زبان عربی، اطلاعات نیروهای عراقی را کسب می کند و آن گاه در اختیار نیروهای ایرانی قرار می دهد اما عاقبت توسط نیروهای دشمن شناسایی می شود و به شهادت می رسد.

«آن شب که دژخیم آمد» روایتی ساده و سر راست دارد و مخاطب به سادگی می تواند با آن ارتباط برقرار کند. یکی از ویژگی های مثبت این کتاب این است که می توان آن را تاریخی شفاهی از روزهای دفاع مقدس دانست. سعید نژاد سلیمانی با آوردن تکیه کلام ها و گفتار خاص مرتبط با فرهنگ جبهه، به نوعی به ثبت این فرهنگ دست زده است و از آنجا که این کار در ضمن داستان روی داده، مخاطب کمتر آن را در نظر دارد. با این همه این کارکرد بی شک در ناخودآگاه او ثبت خواهد شد.

آن شب که دژخیم آمد، سعید نژاد سلیمانی، انتشارات مهر ناهید، ۱۳۸۶.

مهم است و دیدن تصویر بخش مهمی از آموزش هنرهای تجسمی را تشکیل می دهد؛ اما آیا این مسئله می تواند نقش و تاثیر آموزش از طریق کتاب را کم رنگ کند یا هر کدام از اینها در جایگاه خود ضروری و قابل استفاده اند؟

معتقد است که آموزش هنرهای تجسمی در دانشگاه های هنر ما شکل چندان مشخصی ندارد. فقط تعامل بین دانشجو و استاد است که کیفیت این آموزش را سامان می بخشد. به گفته او آنچه اهمیت دارد توجه به طرح درس هاست که باید با تجربه استادان برای زمان حال قابل استفاده شوند.

حسین خسرو جردی هنرمندی که در چند رشته مختلف هنری مانند گرافیک، نقاشی، کاریکاتور، طراحی صحنه و مجسمه سازی به طور جدی فعالیت می کند، مدت ها در دانشکده های مختلف هنری تدریس کرده است. او درباره منابع مختلف دانشگاهی گفت: «اگر کتاب خاصی هم وجود داشته باشد عموماً ترجمه است و در حوزه تالیف کتاب های چندانی که بتوان برای تدریس در دانشگاه ها از آنها استفاده کرد نداریم و کتاب های موجود هم بیش از آن که تئوریک باشند تصویری هستند.»

به اعتقاد خسرو جردی قیمت بالای کتاب های تصویری مزید بر علت شده است که کمبودش بیشتر احساس شود. او با بیان این که بازبینی کتاب های هنری که تخصصی هم هستند از طریق کسانی که تخصصی در این زمینه ندارند انجام می شود گفت: «باید به فکر تامین منابع برای آموزش تئوریک هم بود.»

این گفته خسرو جردی از سوی استادان، مسئولان دانشگاه ها و برنامه ریزان آموزشی چندان مورد توجه قرار نگرفته است. در آموزش هنر به ویژه آموزش هنرهای تجسمی، آنچه بیشتر مورد توجه است بحث های عملی است و اگر واحد درسی تئوریکی وجود دارد حتی از سوی خود دانشجویان هم به عنوان یک واحد نه چندان ضروری تلقی می شود. این نگاه، نتیجه دیدگاهی است که مسئولان آموزشی نسبت به این قضیه دارند. حتی خسرو جردی هم اعتقاد دارد که دانشجوی رشته هنرهای تجسمی باید دانش دیداری خود را بالا ببرد و پس از آن به دانش تئوریک بپردازد. نباید در جهتی پیش برویم که هنرجویی که می تواند مثلاً نقاش شود به یک نظریه پرداز تبدیل شود. او اضافه کرد: آموزش تئوریک قطعاً اهمیت دارد اما نباید به سمتی پیش رفت که آن را بر آموزش عملی دانشجویان ارجحیت بدهیم.

این گفته خسرو جردی در واقع طرز نگاهی است که علاوه بر استادان بر همه تصمیم گیران بحث آموزش هنرهای تجسمی حاکم است. به اعتقاد خسرو جردی تا زمانی که برنامه ریزان آموزشی حوزه هنر دانش هنری شان را ارتقا دهند، نمی توانند به درستی تشخیص دهند که استادان باید در کلاس چه بگویند.

خسرو جردی مشکل دیگر را پایین بودن سواد بصری جامعه می داند و می گوید: «وقتی سواد دیداری ملتی بالا باشد، می تواند بهترین انتخاب ها و موقعیت ها را برای کشور خود به ارمغان بیاورد و به این ترتیب در چنین فضایی قطعاً هنرمند آن جامعه از دانش بالاتری در زمینه هنر برخوردار خواهد شد.» او تاکید کرد: «تا زمانی که چنین اتفاقی نیفتاده باشد همین سطح سواد تئوریک برای دانشجویان کفایت می کند؛ چرا که در غیر این صورت دانشجوی رشته هنرهای تجسمی از فضای غیر هنری و سطح پایینی که بر محیط اطرافش حاکم است، آزار خواهد دید.»

کتاب ها به فروش برود، هزینه چاپ بسیار بالا می رود و این برای ناشران مقرون به صرفه نیست. قاعدتاً باید مراکزی وجود داشته باشند تا با حمایت های دولتی کار چاپ این کتاب ها را برعهده بگیرند.

او بر این باور است که اگر یک موسسه انتشاراتی مانند سمت، مخصوص رشته های هنری داشتیم اتفاق مبارکی بود که می توانست در زمینه منابع دانشگاهی رشته های هنری بسیار موثر عمل کند. وجود سایت های اینترنتی هنری می تواند منبعی قابل دسترس برای دانشجویان باشد و دانشجویانی که توان تهیه و خرید کتاب های هنری را به دلیل گران بودن و همین طور در دسترس نبودن ندارند، می توانند بسیاری از تصاویر مورد نیازشان را از طریق اینترنت ببینند؛ اما صفای معتقد است که نمی توان به منابع مکتوب اینترنتی به طور کامل اعتماد کرد. چرا که همه آنها منابع معتبری نیستند. باید برای جلوگیری از یادگیری های اشتباه، منابعی را در اختیار دانشجویان قرار دهیم که از صحت آنها مطمئن باشیم.

یعقوب عمامه بیچ سال هاست که در زمینه تدریس نقاشی و طراحی فعالیت می کند. او هم معتقد است: «برای درس هایی مانند تاریخ هنر منابعی در قالب کتاب وجود دارد؛ اما درباره درس هایی مانند تجزیه و تحلیل هنری، مدرس بر اساس تجربیات خود مواد درسی را در قالب جزوه در اختیار دانشجویان قرار می دهد چون کتاب های مشخصی در این رابطه وجود ندارد.»

نکته قابل توجهی که در سخنان عمامه بیچ وجود دارد این است که گویی پذیرفته ایم وقتی کتابی به عنوان منبع درسی وجود ندارد تنها راه موجود، تدوین جزوات توسط استادان است. ذهنیت ما به عنوان استاد و دانشجو همین یک راه را پذیرفته است و انگار نمی خواهیم دست به انجام اقدامات دیگری بزنیم؛ اقداماتی مانند چاپ کتاب یا ترجمه و تالیف. پس بهتر است به جای این که هزینه زیادی برای کپی کردن جزوات کنیم که تنها برای یک ترم دانشجویان کاربرد دارند و ماندگار هم نیستند و بعد از اتمام ترم به دور انداخته می شوند، کتاب هایی را چاپ کنیم که امکان استفاده طولانی مدت تری را برای آنها فراهم کند. او معتقد است که کتاب های موجود، کتاب های مخصوص تدریس نیستند و معمولاً به عنوان کتاب های کمکی استفاده می شوند و تنها اطلاعاتی پیرامون موضوع درسی در اختیار دانشجویان قرار می دهند.

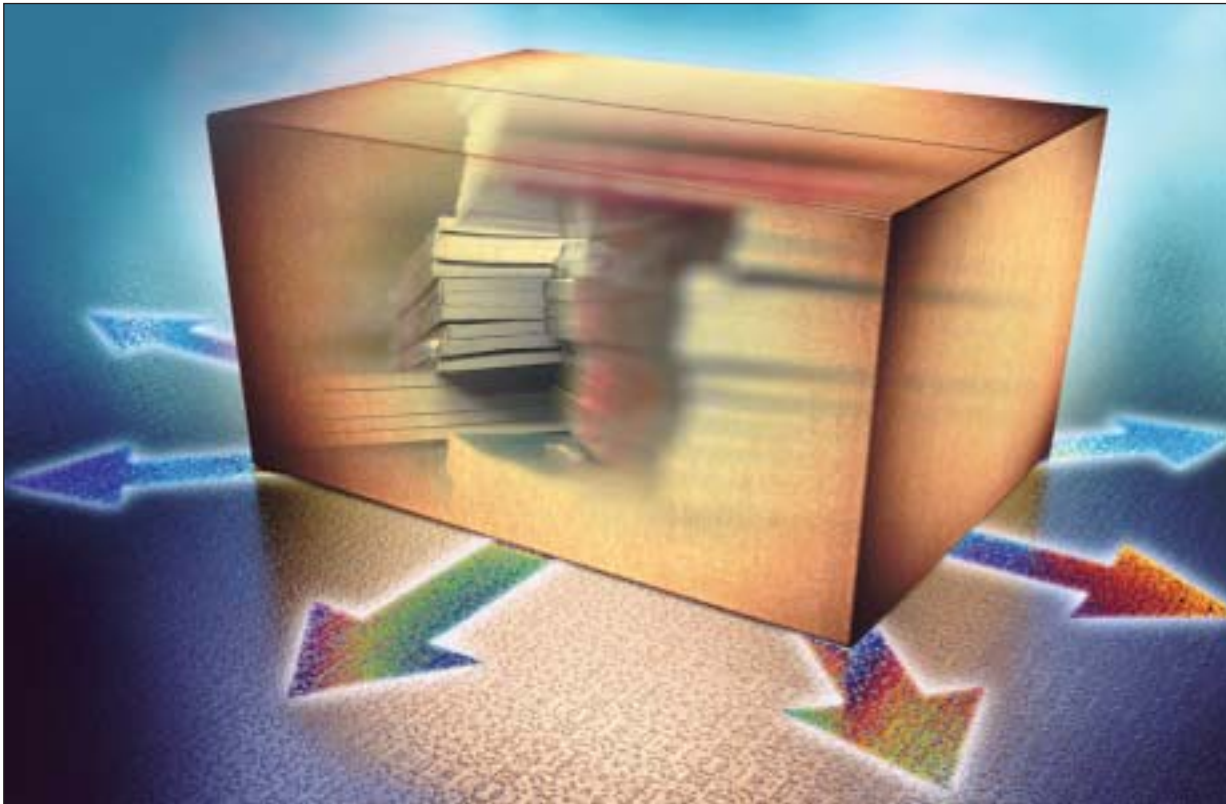
به گفته وی کتاب هایی هم که برای تدریس در دبیرستان ها و هنرستان ها تهیه شده اند بار آموزشی چندانی ندارند.

اگرچه عمامه بیچ معتقد است که نیاز چندانی به کتاب های آموزشی نیست و نیازها با آنچه موجود است تا حد زیادی برطرف می شود اما به اعتقاد بسیاری دیگر، دانشجویان رشته های هنری باید همپای آموزش ها و تمرینات عملی از آموزش های نظری هم بهره ببرند. این مدرس نقاشی می گوید: «همه اینها به استاد مربوط می شود، به این معنا که او با توجه به جو حاکم بر کلاس و فضایی که مجموعه دانشجویان دارند، برنامه ریزی می کند. اگر چه این پیشنهاد، در برنامه ریزی کلی برای یک نظام آموزشی بسیار مفید و حتی ضروری است؛ اما سپردن تمام این مسئولیت به استاد کار صحیحی نیست؛ چرا که آشفتنگی را بر آموزش هنر در دانشگاه ها حاکم می کند.»

عمامه بیچ بر نقش بازدید از موزه ها و دیدن هر چه بیشتر تصاویر مربوط به رشته های هنری تاکید کرد و گفت: «آرانه نقد، نظر و تحلیل تصاویر بسیار

نظری به وضعیت توزیع کتاب های دفاع مقدس

دست نوشته های سنگر در دسترس نیست



والدینی کودک خود را با هزار مشقت و خون دل بزرگ می کنند و شرایط را برای تحصیل او فراهم می کنند اما آیا ثبت نام آن کودک در مدرسه برای قبولی و کسب نمرات ممتاز کافی است؟ آیا رها کردن او در این مرحله، ظلم به کل خانواده نیست؟ در واقع خروج فرزند از منزل هیچ گاه به منزله حضور او در مدرسه و کسب علم و دانش نیست و حتی ممکن است در پایان مردودی وی را سبب شود. شاید بتوان این مثال را در مورد کتاب نیز صادق دانست. کتابی که با تلاش فراوان چندین نهاد، سازمان و شخص از هنگام نگارش تا چاپ و نشر مراحل گوناگونی را طی می کند، وضعیتی مشابه با یک کودک را دارد که برای رفتن به مدرسه آماده می شود، یعنی عدم فعالیت صحیح در عرصه توزیع و بی توجهی در مسیر رسیدن کتاب به مخاطب، تمامی تلاش هایی که در طول روند تولید کتاب صورت می گیرد را بر باد می دهد. اما به عکس، شناخت صحیح بازار و توزیع مناسب کتاب را می توان تنها راه موفقیت و بهره وری بهینه از این کالای فرهنگی دانست. اهمیت مقوله توزیع که از آن به عنوان حلقه مفقوده زنجیره تولید کتاب نیز یاد می کنند، زمانی بیشتر می شود که آن را در عرصه دفاع مقدس و در کنار دغدغه و تلاش دست اندرکاران این عرصه برای حفظ ارزش های دفاع مقدس و انتقال آنها به نسل های جدید ببینیم.

دانشگاه، خالی از کتاب های دفاع مقدس

دکتر مهین پناهی، نویسنده معتقد است که کتاب های فعلی دفاع مقدس در دانشگاه ها موجود نیست.

او وضع توزیع کتاب های دفاع مقدس را نامناسب ارزیابی می کند و می گوید: «ناشری که کتاب را چاپ می کند وظیفه دارد که توزیع آن را نیز برعهده بگیرد، یعنی سلیقه مخاطبان کتاب را از قبل پیش بینی کند. البته مؤلف نیز باید مخاطب خود را بشناسد و به زبان او بنویسد تا مورد پذیرش قرار گیرد.»

نویسنده کتاب «اخلاق عارفان» یکی از راه های توزیع را عرضه کتاب با قیمت پایین تر و تخفیف ویژه و حتی رایگان به قشر های خاص از جمله دانشجویان می داند. «به نظر من می توان مثلاً در ورودی دانشکده های مختلف، تولیدات عرصه دفاع مقدس را به دانشجویان و استادان عرضه کرد. البته در صورت اجرای چنین طرح هایی، ناشران باید مورد حمایت ویژه قرار گیرند.»

ناشران خصوصی، در انتظار کمک

در عرصه کتابخوانی، بسیاری از افراد واقعاً نمی دانند باید چه بخوانند، چگونه بخوانند، از کجا کتاب مورد نیاز خود را تهیه کنند و... که اگر این کلاف سردرگم باز شود قطعاً توزیع مناسب، بالا رفتن آمار مطالعه و... را به دنبال خواهد داشت. در عرصه توزیع کتاب های دفاع مقدس نیز علاوه بر ناشران دولتی، ناشران خصوصی نیز فعال هستند و برخی نقص ها در این عرصه را مانع پویایی خود می دانند.

محسن مهرآبادی مدیر نشر فرهنگ گستر وظیفه دولت را فراهم کردن زمینه ای می داند که در آن کتابفروشی های زنجیره ای و ناشران کوچک بتوانند کتاب های خود را به راحتی توزیع کنند. وی در این باره می گوید: «ما در نمایشگاه های خود مجبوریم محصولات متعدد و متنوعی بیاوریم که موضوع دفاع مقدس نیز یکی از آنهاست. زیرا صرف فروش کتاب های دفاع مقدس برای ما راضی کننده نیست.»

حدود ۱۰ نمایندگی فروش در چند استان راه اندازی کرده ایم که همانند فروشگاه صریر در تهران، کتاب هایی را که بنیاد منتشر یا حمایت می کند به مخاطبان عرضه می کنند. البته ما درصدد افزایش نمایندگی های خود در شهرستان ها هستیم.» وی در پاسخ به این که چرا بعضی ناشران فکر می کنند که با چاپ کتاب کارشان پایان یافته است، می گوید که در گذشته برای رسیدن کتاب به دست مخاطب تلاشی صورت نمی گرفت اما بنیاد در طول این سه سال با انجام اقداماتی سعی در حل این مشکل کرده است که یکی از این اقدامات، ایجاد فروشگاه صریر در تهران است که محل رفت و آمد روزانه حداقل ۵۰ نفر و نیز محل عرضه آخرین اطلاعات در مورد کتاب های منتشر شده در عرصه دفاع مقدس است.»

امیرخانی تجهیز کتابخانه ها را دیگر اقدام و ماموریت اصلی بنیاد حفظ آثار به شمار می آورد و روند اجرایی آن را بسیار مطلوب ارزیابی می کند به طوری که از ارسال ۱۱۷ هزار جلد کتاب در سال گذشته برای کتابخانه های استان های مختلف کشور یاد می کند: «بنیاد حدود یک سوم کتاب های منتشر شده خود را مورد حمایت خود را در اختیار کتابخانه های عمومی، دانشگاه ها و حوزه های علمیه آن استان که تعداد مراجعات به آنها زیاد است قرار می دهد. و بقیه نسخ در نمایندگی ها به فروش می رسد مثلاً کتاب «با جام های شوکران» در حال تجدید چاپ است و نیز کتاب «لوطی و آتش» آقای رحیم مخدومی چاپ سوم خود را پشت سر می گذارد.»

مدیر انتشارات بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس برای ارائه آمار در زمینه تولید و توزیع کتاب ها نیز چنین می گوید: «چنین آماری نداریم. من الان نمی توانم بگویم که مثلاً ۲۰ میلیون جلد کتاب فروخته ایم و یا... زیرا سیاست بنیاد حمایتی و نظارتی است و موضوع سودآوری در آن مطرح نیست.»

حاضر نظارتی وجود ندارد که آیا کتاب های چاپ شده به دست مخاطبان می رسند یا نه.» زاهدی مطلق معتقد است که ناشر خصوصی تمام تلاش خود را برای توزیع کتاب هایش خواهد کرد، زیرا در غیر این صورت سرمایه اش زمین می ماند. اگر ناشر خصوصی در مرحله توزیع مشکل داشته باشد یا به علت کم تجربگی و یا عدم توانایی در برقراری ارتباط با کارتل های توزیع کننده است. یعنی مشکل سهل انگاری وجود ندارد. اما علت مشکل توزیع در بخش دولتی این نیست. در واقع ناشر دولتی کمتر به توزیع فکر می کند.»

نیاز به گسترش و پیرینی

مسعود امیرخانی، مدیر انتشارات بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس نیز در مورد مقوله توزیع، سیاست های بنیاد را شامل دو بخش حمایت از ناشران خصوصی در چاپ کتاب و توزیع کتاب ها از طریق فروش در بازار عنوان می کند: «بنیاد یک سوم کتاب های منتشر شده خود را براساس شیوه نامه توزیع این سازمان و به وسیله نمایندگی های خود در استان ها در اختیار کتابخانه های مهم و بزرگ هر استان قرار می دهد. در بخش حمایت از ناشران خصوصی نیز اگر یک ناشر خصوصی کتابی را با موضوع دفاع مقدس منتشر کند به شرطی که آن اثر به تایید شورای کارشناسی بنیاد برسد، ما یک سوم از شمارگان آن ناشر را پیش خرید می کنیم و یک هدیه نیز به مؤلف کتاب می دهیم. بخشی از کتاب های پیش خرید شده را نیز به کتابخانه های سراسر کشور و بخش دیگر را در نمایندگی های خود به فروش می رسانیم.»

امیرخانی که فروش کتاب توسط بنیاد در بازار را به وسیله فروشگاه صریر در خیابان انقلاب تهران ممکن می داند به تلاش های بنیاد برای گرفتن نمایندگی فروش کتاب های دفاع مقدس در سایر استان ها کشور اشاره می کند: «ما از دو سه ماه قبل فعالیت خود را در این زمینه آغاز کرده ایم و تاکنون

او توزیع رایگی از وظایف ناشران می داند و فعالیت ناشران دولتی را چنین تعبیر می کند: «وقتی آنها کتاب های تولیدی خود را به نصف قیمت وارد بازار و حتی بسیاری از شمارگان یک کتاب را به مراکز مجموعه خود اهدا می کنند، جایی برای فعالیت ناشران خصوصی در این حوزه نمی ماند. بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس باید نقش سیاستگذار را ایفا کند و مانند یک پدر دلسوز ناشران کوچک این حوزه را حمایت و انجمن ناشران دفاع مقدس را پایه گذاری کند و نیز ضمن حمایت پیش خریدارانه از این ناشران حمایت کند.»

ناشران و دغدغه توزیع

توزیع به عنوان حلقه واسط بین تولیدکننده و مصرف کننده باید بتواند کتاب را به خوبی در اختیار خواننده قرار دهد. اگر معضل توزیع به عنوان یکی از گلوگاه های مهم حل شود، زمینه کتابخوانی و انتقال فرهنگ میسر می شود.

ابراهیم زاهدی مطلق، نویسنده و روزنامه نگار بر این عقیده است که بسیاری از ناشران دولتی کار خود را پس از چاپ و بسته بندی کتاب، تمام شده می دانند، در صورتی که بخش مهمی از وظیفه ناشران مربوط به پس از مرحله چاپ یعنی توزیع است. او حتی بسیاری از کتاب های سال دفاع مقدس را در کتابفروشی ها نایاب می داند و می گوید: «مثلاً اگر کتابی متعلق به حوزه هنری است فقط در فروشگاه حوزه هنری و یا اگر چاپ بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس است تنها در فروشگاه بنیاد پیدا می شود و... این جریان در مورد سایر ناشران دولتی نیز صادق است.»

مؤلف «نویسنده گان نسل باروت» می گوید: «هدف از نوشتن چیزی جز خواننده شدن نیست. اما برخی کتاب ها حتی وارد چرخه توزیع نیز نمی شوند. هر نهادی که وظیفه حمایت از چاپ کتاب های دفاع مقدس را عهده دار است، باید بخشی از این حمایت ها را معطوف به مرحله توزیع کند. در واقع در حال

نقد داستان ایرانی، از آغاز تا پیروزی انقلاب اسلامی

پیشگفتار

«از ادب ایران قبل از اسلام، اثر مستقلی که راجع به نقد ادبی باشد، باقی نمانده است.» «اما در دوره بعد از اسلام، قدیم ترین آثاری که در باب نقد ادبی در دست هست، از عهد سامانی فراتر نمی رود. [...] در دوره سامانی و غزنوی، نقد ذوقی، به کثرت در آثار و احوال شاعران دیده می شود. از قدیم ترین نمونه های نقد ادبی در این دوره، مقدمه شاهنامه ابو منصور است؛ که آن را بنا بر مشهور، کهنه ترین نمونه موجود نثر فارسی می شمارند. در این مقدمه که در روزگار سامانیان بر شاهنامه ابو منصور نوشته اند، بحث و انتقاد جالبی در باب شاهنامه و روایات و قصص آن و همچنین بیان فواید و تأویل غرایب آن آمده است، که بسیار خواندنی است. [...] باری. در این مقدمه، نکات انتقادی جالب، در باب حکایات شاهنامه هست. و پیداست که نویسنده، قریحه نقادی و نکته سنجی داشته، و با ذوق تأویل و موازین اخلاقی، آشنا بوده است.»

نقد ذوقی - که آن هم عمدتاً در حیطه شعر - در زمان سلطان محمود غزنوی نیز رایج بوده، به تدریج با نقد لغوی و بلاغی، کامل تر و دقیق تر شده است. پس از سقوط مسعود غزنوی و طی دورانی فتور، در زمان ملکشاه و سنجر سلجوقی، باز شعر و ادب رونقی یافته است. «شاعران و نویسندگان این عهد، نه تنها درباره آثار خویش و اسلوب آن، اشاراتی در سخنان خود می آورند، بلکه در باب نویسندگان [منظور، «داستان نویسان» نیست] و شاعران دیگر نیز - از متقدمان و معاصران - سخنها می گفتند و رأیها اظهار می کردند، که فواید انتقادی جالبی از آنها می توان به دست آورد.»

از این گونه موارد، در عصرهای بعد، تا حوالی دوران مشروطه، باز هم می توان نمونه هایی ذکر کرد اما - صرف نظر از آنکه این اظهارنظرها تا چه حد شخصی و ذوقی و براساس اغراض خاص غیرادبی و تا چه پایه مبتنی بر اصول و نظام ادبی قابل دفاع بوده است - اکثریت نزدیک به تمام موارد مذکور نیز، به شعر و شاعری و جنبه های بلاغی اثر، مربوط است. اگر هم در مواردی کاملاً خاص، به نثر اشاراتی دارد، یا غالباً مربوط به نثرهای غیرداستانی (اغلب منشیانه) است، یا اگر در مواردی - نادر کالمعدوم - به داستان اشاراتی دارد، عمدتاً به جنبه های محتوایی (عقیدتی، اخلاقی) معطوف است. به گونه ای که شخص جستجوگر، در آنها، مطلقاً اشاره ای به عناصر داستانی نمی یابد.

برای مثال، «در بخش هایی از چهارمقاله نظامی عروضی و تاریخ و صاف، به نقد اثر اشاره شده است. مقالات اول چهارمقاله، در کیفیت کار دبیر، و مقالات دوم، وقتی که درباره صلاحیت شاعر بحث می کند، می تواند به گونه ای، نقد مولف باشد.

تاریخ و صاف، با آن نثر سنگین و ثقیلش، گاه به نقد آثار منشور می پردازد؛ و قسمت هایی از کلیله و دمنه، به تفصیل مورد نقد و بررسی قرار می گیرد.»

«صاحب مرزبان نامه نیز، در مقدمه، آن گاه که از مطالعه خود در آثار قدما و معاصرین دم می زند، به تفصیل - البته به صورت کلی - به نقد آثاری چون سندبادنامه، مقامات حمیدی، کلیله و دمنه و آثار رشید و طواط، کمال جنبیدی و... می پردازد.»

از نیمه اول قرن سیزده ه. ق، پس از نخستین تماسهای از نزدیک با فرهنگ و ادبیات مغرب زمین، شاهد رواج نقد های «اخلاقی» و «سیاسی» درباره آثار ادبی، و قائل شدن وظایفی در این چارچوب برای ادبیات، هستیم. هرچند در میان نوشته های



کسی چون میرزا فتحعلی آخوندزاده، اشاراتی کلی به لزوم هماهنگی میان قالب و محتوا نیز شده است. عمده ترین مشغله ذهنی اندیشمندان و شبه روشنفکران غریزه در این دوران، جنگ بین سنت و تجدد - کاملاً معطوف به غرب - است. در میان کسانی که در این عرصه، در ادبیات - اعم از شعر و نثر - بیش از سایرین قلم زده اند، می توان - با تفاوتها و تقدم و تأخرهایی - از محمد قزوینی، سیدحسن تقی زاده، علی اکبر دهخدا، محمدتقی بهار، احمد کسروی، سعید نفیسی، علی دشتی، نیمایوشیچ، فاطمه سیاح، بدیع الزمان فروزانفر و ... نام برد. هرچند، از میان این افراد، تنها دکتر فاطمه سیاح (۱۲۸۱-۱۳۲۶ ش.) را می توان به معنی خاص کلمه، منتقد ادبی قلمداد کرد. دیگران یا محقق ادبی بوده اند، یا شاعر و داستان نویس؛ و البته به اقتضای کارشان، جستجو و گریخته، آرائی هم در زمینه نقد ادبی ابراز کرده اند.»

او که فارغ التحصیل دانشگاه مسکو در رشته زبان و ادبیات روسی و دارای افکار و تربیت سوسیالیستی بود، از ادبیات کهن ایران اطلاعاتی بسیار اندک و سطحی داشت؛ اما ادبیات روز جهان را به شکل مدرسی و دانشگاهی، خوب می شناخت؛ و خاصه از اهمیت و نقش داستان و رمان در جهان معاصر و پیشی گرفتن کامل آن از شعر، کاملاً مطلع، و بر آن مصر بود. وی همچنین می دانست که نقد ادبی، چه تأثیر شگرفی در رشد و تعالی ادبیات دارد. اما براساس همان آموزه های سوسیالیستی خود در دانشگاه مسکو، اولین وظیفه اساسی نقد ادبی را، ایجاد وسیله بسط و توسعه رئالیسم واقعی، یعنی رئالیسم سوسیالیستی، در ادبیات ایران می دانست.

با این همه، او نیز، با آنکه بیش از همه مدعیان همدوره خود صلاحیت ورود به نقد آثار داستانی منتشره در داخل را داشت، تا پایان عمر و اقامت کوتاه خود در ایران (۱۳۱۲ - ۱۳۲۶ ش.)، جز بیان کلیاتی در این باره، اقدامی نکرد؛ و مستقلاً به نقد فنی هیچ اثر داستانی داخلی یا حتی خارجی، نپرداخت. از فاطمه سیاح که بگذریم، در کل، تا سال ۱۳۳۲ ش.، شاهد هیچ نقد مستقل داستانی توسط پژوهشگران و صاحب نظران داخلی نیستیم. از سال ۱۳۳۳، تا پایان این دهه، جمعاً شاهد انتشار

حدود ۲۱ نوشته درباره آثار داستانی داخلی معاصر هستیم؛ که هنوز نمی توان - حتی با تساهل و تسامح در لفظ - بر آنها نام «نقد» نهاد. بلکه عمدتاً نوشته هایی در حد «معرفی» و حداکثر تأویل شخصی و فاقد مبنای معین ادبی این آثار، توسط نویسندگان آنها، هستند. با این همه، برای آنکه شمایی نسبتاً کامل از وضعیت نقد ادبی کشور - از ابتدا تا کنون - پیش رو داشته باشیم، در جدولی که در پایان مطلب می آید، کلیه این نوشته ها نیز، تحت عنوان نقدهای ادبی منتشره در مطبوعات آن دوران، آمده است. همچنان که از دو جدول ضمیمه استفاده می شود، عمده مجلاتی که از ابتدای اهتمام به نقد داستان در کشورمان - تا پیش از پیروزی انقلاب - با سطحی اندکی فراتر از ژورنالیسم رایج سطحی، به این امر پرداخته اند، عبارت اند از:

دهه ۱۳۲۰: سخن (س.)، جهان نو (ج.ن.).

دهه ۱۳۳۰: انتقاد کتاب (ا.ک.)، سخن، علم و زندگی (ع.) و زو، کتابهای ماه (ک.م.)، جهان نو، صدف (ص.)، اندیشه و هنر (ا.و.)، یغما (ی.)، بررسی کتاب (ب.ک.)، راهنمای کتاب (ر.ک.).

دهه ۱۳۴۰: راهنمای کتاب، پیام نوین (پ.ن.)، نگین (ن.)، سخن، بررسی کتاب (ب.ک.)، بازار رشت (ب.ر.)، یغما، جنگ اصفهان (ج.ا.).

دهه ۱۳۵۰: سخن، رودکی (ر.)، پیام نوین، نگین، راهنمای کتاب، اندیشه و هنر.

در میان این مجله ها، برخی مانند سخن، از ابتدا تا پایان^۱ به چاپ نقد کتاب، اشتغال داشته اند. برخی مانند راهنمای کتاب، از دهه ۱۳۳۰ (دهه دوم) تا پایان، به این کار مشغول بوده اند. مجله های نگین، جهان نو، اندیشه و هنر، یغما، بررسی کتاب، در سالیانی از دو دهه پی در پی، در این عرصه حضور داشته اند. کتابهای ماه، صدف، رودکی، بازار رشت، انتقاد کتاب، تنها در یک دهه یا سالیانی از یک دهه، نقد کتاب داشته اند. (نشریاتی که در این مدت حداکثر یک نقد در آنها چاپ شده، ذیل سر ستون م. (متفرقه) آمده اند.)

به عبارت دیگر، تنها سخن و راهنمای کتاب، در این عرصه دوام آورده اند.

اما به لحاظ تعداد کل نقدهای چاپی در طول مدت فعالیت:

تعداد کل نقدهای چاپ شده در این نشریه ها، در طول ۳۵ سال مورد بررسی، حدوداً ۱۸۷ عنوان است. یعنی از بدو چاپ و نشر نقد در مطبوعات دارای صبغه ادبی، به طور متوسط سالانه تقریباً ۵/۳ نقد داستان، در کشور چاپ شده است.

در این میان، رتبه هر مجله از نظر تعداد نقد چاپ کرده، به قرار ذیل است:

۱. سخن (۳۲ نقد)
۲. راهنمای کتاب (۳۰ نقد)
۳. پیام نوین (۲۲ نقد)
۳. جهان نو (۱۶ نقد)
۴. نگین (۱۳ نقد)
۵. اندیشه و هنر (۱۰ نقد)
۶. بازار رشت (۹ نقد)
۷. رودکی (۷ نقد)
۸. علم و زندگی، کتابهای ماه (۶ نقد)
۹. بررسی کتاب (۵ نقد)
۱۰. یغما و دفترهای روزن (۴ نقد)
۱۱. جنگ اصفهان (۳ نقد)
۱۲. صدف و فردوسی (هر یک ۲ نقد).

مجموعه نقدهایی که محل چاپ آنها مشخص نبوده یا در نشریه مربوط به آنها کلاً فقط یک نقد چاپ شده است نیز، ۸ مورد بوده است.

در این میان، نقد تعدادی از کتابهای داستان یا کلیه آثار داستانی برخی نویسندگان، در کتابهای مستقل به چاپ رسیده است.

این کتابها، به ترتیب تاریخ نشر عبارت اند از:

۱. نقد آثار صادق هدایت؛ مهرداد مهرین؛ ۱۳۴۳
۲. صادق هدایت و روانکاوی آثارش؛ دکتر شریعتمداری؛ ۱۳۴۳
۳. بررسی شعر و نثر معاصر فارسی؛ محمود کیانوش؛ اول؛ ۱۳۴۶.
- (شامل نقد کتابهای داستان «توب» (غلامحسین ساعدی)، هفتخوان (درویش)، سنگ صبور (صادق چوبک) و نقد «آل احمد در داستانهای کوتاهش» و ...)

۴. قصه نویسی؛ رضا براهنی؛ اول؛ ۱۳۴۸.

(شامل بررسی داستانهای «خیمه شب بازی»، «انتری که لوطیپش مرده بود»، «تنگسیر»، «روز اول قبر» و «چراغ آخر»، از صادق چوبک و ...)

۵. در عین حال؛ نجف دریابندری؛ اول؛ ۱۳۴۹ (شامل نقد کتابهای داستان «شوهر آهو خانم» (علی محمد افغانی)، سنگ صبور (صادق چوبک) و ...)

۶. نقد آثار غلامحسین ساعدی؛ عبدالعلی دستغیب؛ اول؛ ۱۳۵۲.

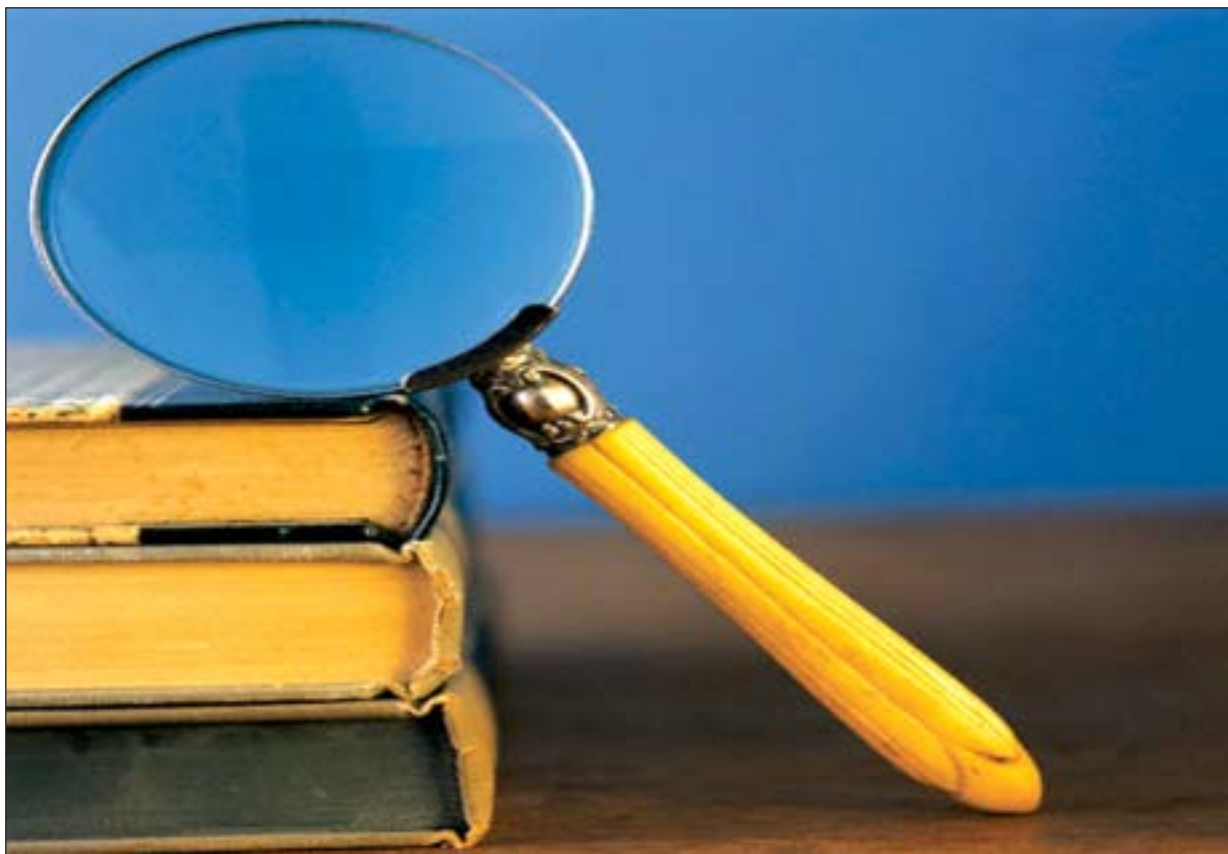
۷. نقد آثار صادق چوبک؛ عبدالعلی دستغیب؛ ۱۳۵۳.

۸. نقد آثار جمالزاده؛ عبدالعلی دستغیب؛ ۱۳۵۶.

۹. نقد آثار صادق هدایت؛ عبدالعلی دستغیب؛ ۱۳۵۷.

۱۰. نقد آثار به آذین؛ عبدالعلی دستغیب؛ ۱۳۵۷.^۲ به عبارت دیگر، کل کتابهای منتشره مستقل مربوط به نقد داستان در پیش از انقلاب، ۷ عنوان است؛ که همگی نیز در دو دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ منتشر شده اند؛ و ۵ عنوان آن هم، نوشته عبدالعلی دستغیب اند.

یعنی به طور متوسط، در هر دهه، فقط ۱۷۵ کتاب نقد داستان مستقل چاپ شده؛ و تنها منتقد پیگیر و حرفه ای داستان آن دوران، عبدالعلی دستغیب است. بقیه، به صورت تفتنی و در حاشیه کارهای دیگر (نویسنده، مترجمی...) به نقد پرداخته اند؛ و تعداد نقدهایشان نیز اندک، و پراکنده است. منتقدان حدوداً ۴ دهه مذکور، به ترتیب تعداد



نقدهای منتشره از آنان در مطبوعات در دوران مذکور،

عبارت اند از:

۱. عبدالعلی دستغیب (۱۱ نقد)
۲. ه. پارسا (۹ نقد)
۳. نادر ابراهیمی (۸ نقد)
۴. کرامت تفنگدار، سیروس پرهام (دکتر میترا) هر یک ۶ نقد
۵. مهین بهرامی، محمدعلی جمالزاده، شمیم بهار (هر یک ۵ نقد)
۶. محمود کیانوش، نجف دریابندری (هر یک ۴ نقد).

بقیه، بین ۳ تا ۱ نقد نوشته اند.

با یک نگاه سطحی حتی، آشکار می شود که پرکارترین منتقد مطبوعاتی ۴ دهه مذکور، به طور متوسط در هر ۳/۲ سال، فقط ۱ نقد در مطبوعات به چاپ رسانده است. نقرات دوم و سوم نیز، به طور متوسط، هر ۴ و ۴/۳ سال، ۱ نقد در مطبوعات داشته اند. نکته قابل توجه، و فور استفاده از نام های مستعار، خاصه با حروف اختصاری است؛ که این خود بیانگر ناسالم بودن فضای نقد ادبی در آن دوران، ناشی از احساس ناامنی و نگرانی منتقدان از بروز واکنش منفی در برابر نقدهایشان، عدم اطمینان به صحت و استحکام نقدهای خود، حب یا بغض ورزی منتقدان نسبت به نویسندگان آثار مورد نقدشان و مسائلی از این قبیل است.

نکته دیگر اینکه، استفاده از اسامی با حروف اختصاری یا مستعاره توسط منتقدان، عمدتاً مربوط به دو دهه ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ (قبل از دهه ۱۳۴۰) است.

در دهه های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰، تعداد این موارد، انگشت شمار و غیر قابل ملاحظه است.

این نامهها، عبارت اند از:

ا.ب.، س.، ع.، ن.، م.ص.، م.، پ.

۱. بامداد، ه. - پارسا، ک. تینا، ع. صادقیان، ع. امیدوار، پناه، ا.ع.، دریا، ع. احمدی، شعله، م. آزاد، ل. شخویان.

نویسندگانی که بیشترین نقدها راجع به آثارشان در مطبوعات چاپ شده است، عبارت اند از:

۱. صادق چوبک (۱۲ نقد)
۲. علی محمد افغانی (۱۰ نقد)
۳. جلال آل احمد (۹ نقد)
۴. صادق هدایت (۸ نقد)
۵. محمود اعتمادزاده (م. ا. به آذین) (۷ نقد)
۶. محمدعلی اسلامی ندوشن (۶ نقد)
۷. سیمین دانشور، جمال میرصادقی (هر یک ۵ نقد)

۸. محمدعلی جمالزاده، ابراهیم گلستان، فریدون هویدا (هر یک ۴ نقد)

۹. تقی مدرسی، ناصر نیرمحمدی، احمد محمود، غلامحسین سعادی (هر یک ۳ نقد)

۱۰. درویش، هوشنگ گلشیری، اسلام کاظمیه، هرمز شهدادی، مهشید امیرشاهی، محمد حجازی، نادر ابراهیمی (هر یک ۲ نقد)

۱۱. فریدون تنکابنی، محمود دولت آبادی، امین فقیری، محمود کیانوش، اسماعیل فصیح،... (هر یک ۱ نقد).

نکته قابل ذکر در مورد صادق هدایت اینکه، حجم مطالب منتشره درباره او، چندین برابر تعداد نقدهای شمارش شده درباره وی است. آن مطالب، که در اکثر سالها، در سالمرگ او درباره اش منتشر شده است، عمدتاً خاطرات، تجلیها از او در قالب یادداشت، یا معرفی آثار و کارهایش است. ضمن آنکه تعداد قابل توجهی کتاب یا یادداشت های ترجمه ای درباره هدایت و آثارش در آن دوران منتشر شده است؛ که موضوع کار ما در این پژوهش نیست.

نکته دوم این که، گاه راجع به یک اثر، چندین نقد در چندین مجله، به چاپ رسیده است. از آن جمله، افغانی تنها با دو اثر «شوهر آهو خانم» و «شادکامان دره قره سو» و فریدون هویدا تنها با یک کتاب (قرنطینه)، توانسته اند به ترتیب ۵ و ۸ نقد را، به خود اختصاص دهند. همچنان که تقی مدرسی تنها با ۲ اثر، ۶ نقد را به خود اختصاص داده است. سال هایی که بیشترین نقد مطبوعاتی در آنها منتشر

شده است، به ترتیب ذیل اند:

۱. ۱۳۴۶ (۱۸ نقد)
۲. ۱۳۴۰ (۱۵ نقد)
۳. ۱۳۴۷ (۱۳ نقد)
۴. ۱۳۳۹ (۱۱ نقد)
۵. ۱۳۳۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۸ (۱۰ نقد)
۶. ۱۳۴۱ (۹ نقد)
۷. ۱۳۴۲ (۸ نقد)
۸. ۱۳۳۷ (۷ نقد)
۹. ۱۳۲۸، ۱۳۴۴، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵ (۶ نقد)
۱۰. ۱۳۳۵ (۵ نقد)
۱۱. ۱۳۲۳، ۱۳۳۵، ۱۳۲۶، ۱۳۳۰، ۱۳۵۳ (۴ نقد)
۱۲. ۱۳۳۱، ۱۳۳۶، ۱۳۵۱، ۱۳۵۷ (۳ نقد)
۱۳. ۱۳۲۷، ۱۳۳۴، ۱۳۴۹، ۱۳۵۲، ۱۳۵۶ (۲ نقد)
۱۴. ۱۳۲۴، ۱۳۲۸، ۱۳۳۸، ۱۳۵۰ (۱ نقد)
۱۵. ۱۳۲۹، ۱۳۳۳ (نقد)

دهه های مورد بررسی براساس دربرگیری بیشترین نقد چاپ شده در مطبوعات به این قرارند:

۱. دهه ۱۳۴۰ (۹۳ نقد) (حدود ۵۰ درصد کل نقدهای ۴ دهه مورد بحث)

۲. دهه ۱۳۳۰ (۴۵ نقد) (حدود ۲۴ درصد کل نقدهای ۴ دهه مورد بحث)

۳. دهه ۱۳۵۰ (۲۷ نقد) (حدود ۱۴/۵ درصد کل نقدهای ۴ دهه مورد بحث)

۴. دهه ۱۳۲۰ (۲۱ نقد) (حدود ۱۱/۲ درصد کل نقدهای ۴ دهه مورد بحث)

با این ترتیب، دهه های ۱۳۲۰ و ۱۳۵۰، از جمله، شاید به سبب آنکه هر یک حدود دو سال کم تر از دو دهه دیگر بوده اند، کمترین تعداد نقد چاپ شده مطبوعاتی را دربرمی گیرند. دهه ۱۳۳۰ نسبت به دهه قبلش، ۱۱۴ درصد و دهه ۱۳۴۰ نیز نسبت به دهه ۱۳۳۰، ۱۰۶ درصد و نسبت به دهه ۱۳۲۰، ۲۲۰ درصد افزایش را نشان می دهد. همچنان که بالعکس، دهه ۱۳۵۰ نسبت به دهه قبلش، حدود ۷۰٪ افت و کاهش دارد. به عبارت دیگر، نقد مطبوعاتی، پس از یک رشد و رونق نسبی تدریجی در دو دهه میانی این دوره، در انتها، تقریباً به وضعیت ابتدایی آن میل کرده است. چیزی شبیه حرکت بر مدار صفر!

کیفیت نقدها

از نوشته های منتشره تحت عنوان «نقد» در دهه ۱۳۲۰ که - اشاره شد، بیشتر «معرفی» و حداکثر اظهار نظرهای شخصی نویسندگان آنها راجع به آثار است - بگذریم، حتی با مطالعه تک تک نقدهای منتشره در دهه های بعد، و تنها با یک نگاه اجمالی به اسامی، نیز می توان به نتایجی در این باره، رسید:

نقدهای منتشره با حروف اختصاری یا بی نام منتقد، که جمعاً حدود ۳۷ نقد را شامل می شود، در کل، اعتمادی را - چه به لحاظ سلامت، و چه دقت و علمی بودن - بر نمی انگیزند.

همچنان که، نقدهای با اسامی مستعار - که بعدها نیز اسامی واقعی نهفته در پشت آنها آشکار نشده است - در مرحله ای هر چند شاید بالاتر، چنین حالتی را دارند.

اسامی گمنام و کسانی که نه پیش از آغاز به چاپ نقد در مطبوعات و نه پس از آن، شاهد انتشار حتی یک اثر در قلمرو ادبیات داستانی یا نقد داستان از آنان نیستیم نیز، پیشاپیش نشان می دهند که نقدهایشان را نباید زیاد جدی گرفت. خاصه آنکه از ابتدا تا امروز، عرصه ادبیات منثور، از جمله عرصه هایی بوده است که در آن، بسیار کسان بوده اند و هستند که صرف مطالعه چند کتاب یا چند نقد، و احیاناً بهره مندی از قدرت نکته سنجی - عمومی - و خرده گیری، آنان را به این تصور نادرست دچار می سازد که صلاحیت و توانایی نقد در این عرصه را دارند. حال آنکه می دانیم اصلاً این گونه نیست. به علاوه اکتفای این اسامی به انتشار بین ۱ تا حداکثر ۳ - به اصطلاح - نقد، در این چهار دهه، و تداوم نیافتن کار آنان حتی در همان عرصه مطبوعات، خود به تنهایی برای اثبات این مدعا، کافی است.

با این ترتیب و پس از یک غربال اولیه، تنها اسامی ذیل در این قلمرو، قابل تأمل به نظر می رسند:

عبدالعلی دستغیب، محمدعلی جمالزاده، محمود کیانوش، جلال آل احمد، نادر ابراهیمی و هوشنگ گلشیری. که باز، از میان این عده، تنها کسی که نقد را به عنوان حرفه اصلی ادبی خود برگزید و تا پایان ادامه داد و پیوسته جریانهای ادبی داخلی زمان خود را پیگیری کرد همانا عبدالعلی دستغیب بود. هر چند، آراء و نقدهای او و شیوه کارش را می توان نقد کرد و بر آن، ایرادها وارد ساخت. با این همه، فضل پیشکسوتی او در این عرصه، محفوظ خواهد ماند؛ و از نقش نقدهای او در افزایش علاقه عده بسیاری به مطالعه آثاری خاص، یا ترغیب گروهی به قلم به دست گرفتن و نقد نوشتن، نمی توان و نباید غفلت کرد. همچنان که، سادگی زبان و بیان او در نقدهایش، و ادب، تواضع و مردمی بودن وی، برای نسلهای بعدی منتقدان، می تواند الگو باشد.

از میان بقیه افراد نامبرده، نقد جلال آل احمد بر «بوف کور» هدایت را، باید بهترین نقد داستان دهه ۱۳۳۰، و یکی از بهترین نقدهایی که در چهاردهه مذکور منتشر شده است، دانست. به علاوه آنکه، این

نقد را می توان یکی از بهترین نقدهایی که تاکنون بر «بوف کور» نوشته شده است نیز، قلمداد کرد.

محمود کیانوش، هر چند جز چهار نقد مورد اشاره، شاهد انتشار نقدی از او بر داستانهای پیش از پیروزی انقلاب نیستیم، اما در همان چهار نقد، نشان می دهد که منتقدی با پشتوانه ادبی لازم، دقیق و دارای ذهنی منظم و مناسب این کار است. به گونه ای که، اگر نقد داستان را جدی می گرفت و ادامه می داد، بی تردید، در صدر منتقدان پیش از انقلاب قرار می گرفت.

اما نکته جالب اینجاست، که در همان دوران بی رونقی کتاب و کتابخوانی، کتابهای نقد منتشره از سوی امثال این افراد، به طور نسبی - حتی نسبت به آثار مشابه در این زمان - از اقبالی قابل قبول، از سوی جامعه کتابخوان برخوردار بوده است. به گونه ای که - برای مثال - بررسی شعر و نثر فارسی معاصر محمود کیانوش، در یک فاصله زمانی ده ساله، به چاپ چهارم - بدون ذکر شمارگان - رسیده است.

اما نقد آثار خارجی و ترجمه ای، در کل دوران پیش از انقلاب، هرگز در میان منتقدان ایرانی، مرسوم نبوده است. آن دسته یادداشت هایی هم، که درباره این آثار، در مطبوعات داخلی منتشر می شده، یا کاملاً ترجمه، یا ترجمه به اسم تالیف و یا «معرفی» کتاب اند. این یادداشتها را، در پیشرفته ترین شکلشان، می توان «گزارش» آن کتابها، یا حداکثر توصیف و تفسیر آنها - از آن دیدگاه خاص - به شمار آورد. احساس خودباوری و جرئت و جسارت یافتن برای نقد آثار غربی، از دستاوردهای بی سابقه انقلاب اسلامی برای اهالی ادبیات ماست. همچنان که پیشگامان این عرصه در دوران پس از انقلاب نیز، منتقدان وابسته به طیف وفادار به انقلاب بودند.

در مورد سایر نقدهای چاپ شده در آن دوران نیز، یکی از چشمگیرترین کمبودها، فقدان جرئت و جسارت و قدرت اجتهاد ادبی لازم، برای ایستادن در برابر مشهورات نادرست و مشکوک زمانه در این عرصه است که از کثرت تکرار به صورت غلطهای مصطلح ادبی در آمده بودند. خاصه اگر این مشهورات نادرست را، غریبان، بر سر زبانها انداخته و رایج کرده بودند.

از جمله بارزترین نمونه ها در این عرصه، شأن و جایگاه کاذب ادبی صادق هدایت بود. که چون او نخستین بار، از رادیوی بی بی سی مورد معرفی و تایید قرار گرفته بود، و پیرو آن نیز یک فرانسوی - هر چند در آن زمان، گمنام - و سپس، با معرفی و از طریق او، چند فرانسوی دیگر، وی را - پس از مرگش - تایید کرده بودند، نویسندگان و روزنامه نگاران

نقد آثار هدایت [نوشته دستغیب] بیشتر به چشم می خورد. گویی نقد مرادف با آوردن خلاصه داستان است. و از جنبه های ساختاری دیگر، کمتر سخن رفته است. در نقد محتوایی، ذکر «درونمایه آثار» بسیار به چشم می خورد. طوری که نقد آثار جمالزاده [نوشته دستغیب] در جنبه محتوا، مرادف با ذکر درونمایه آثار است. از نقد ضعف منتقد این است که در جای جای نقد، به جای نقد اثر، به «نقد مولف» می پردازد. آوردن مقالاتی مجمل در موضوعات مختلف، در نقد به چشم می خورد. عشق در نثر معاصر (نقد آثار به آذین، صص ۱۶۵-۱۷۰)، زن در آثار نویسندگان معاصر (صص ۱۳۶) نقد آثار جمالزاده، درونمایه داستانهای معاصر (نقد آثار هدایت، صص ۳۲۸) و موضوعات فراوان دیگر، نشان می دهد که منتقد آنچه به ذهنش می رسد، در لابه لای نقد می گنجانند. لذا، نقد دستغیب از اصول درستی پیروی نمی کند.» (صص ۲۲۲)

۱۱. غافل از آن که آن معرفی و تایید هم توسط سوی مجتبی مینوی و مسعود فرزاد، رفقای قدیمی خود هدایت نوشته شده بودند؛ که آن زمان، به تازگی به خدمت این صدای ارگان نظام استعماری انگلیس در آمده بودند.

آوردن خلاصه داستان و آن گاه معرفی و نقد شخصیت است. [...] یکی دیگر از مشخصات تقریباً مشترک نقدهای دستغیب در نقد ساختاری، توجه به نثر یا یکی از محورهای نثر اثر، چون واژگان و شیوه نگارش است. بارزترین نقطه ضعف در نقد ایشان، که در تمام نقدها مشاهده می شود، کلی گویی و پراکنده گویی است؛ که خواننده را به جایی نمی رساند.» (صص ۲۱۱)

«نکته کلی و ثابت در نقد آراء انتقادی او این است که هرگز از اصول خاص و منظمی پیروی نمی کند. نظر به اینکه منتقد اثر خاصی را بر نمی گزیند تا اصول نقد ساختاری و محتوایی آن را بررسی کند، لذا پراکنده گویی در نقد، یکی از ویژگیهای نقد اوست؛ که در هر چهار اثر مکتوب ایشان [به صورت کتاب] مشاهده می شود. البته بعد از دسته بندی و تنظیم موضوعی محورهای نقد از میان مطالب پراکنده منتقد، می توان گفت معرفی شخصیتها و نقد شخصیت پردازی، در جای جای آثار انتقادی ایشان به چشم می خورد. به ندرت عناصری چون «قالب»، «ایرنگ»، زاویه دید، «افضا»، زبان نثر» و بعضی از انواع ادبی چون طنز، در نقد ایشان به چشم می خورد. «طرح و خلاصه آثار» در

۳. پیشین؛ صص ۱۹۶.

۴. خطیبی؛ حسین؛ فن نثر؛ زوار؛ اول؛ ۱۳۶۶؛ صص ۶۲. (نقل از «تحلیل سیر نقد در ایران»؛ محسن ذوالفقاری؛ صص ۲۷.

۵. تحلیل سیر نقد در ایران؛ صص ۲۷.

۶. ن.ک. به: پیشگامان نقد ادبی در ایران؛ محمد دهقانی؛ نشر سخن؛ اول؛ ۱۳۸۰؛ صص ۶۳.

۷. همان؛ صص ۲۹۲.

۸. «سخن» در خرداد ۱۳۲۲ آغاز به کار کرد و در سال ۱۳۲۵ تعطیل شد. سپس در ۳ آذر ۱۳۳۱ مجدداً آغاز به کار کرد.

۹. در همین مدت، چیزی در حدود ۳۰ عنوان کتاب، فقط راجع به صادق هدایت و زندگی و افکارش منتشر شده است. این آثار عمدتاً حالت یادنامه و تجلیل از وی را دارد، و جز کتاب دستغیب، نمی توان به معنی فنی کلمه، آنها را نقد ادبی دانست.

۱۰. مولف کتاب «تحلیل سیر نقد در ایران» درباره چارچوب و شیوه نقد دستغیب نوشته است: «منتقد [دستغیب] در بیشتر نقدها به جنبه محتوا و ساختار، هر دو، توجه دارد. جز در نقد «دختر رعیت» که نقد متکی به ساختار داستان است. از محورهایی که منتقد بیشتر به آن توجه دارند،

داخلی، آن تایید و تجلیل ها را چون وحی منزل پذیرفته بودند؛ و پیوسته - تا همین امروز حتی - همان مطالب را، هر چند با زبانها و بیانهای دیگر، طوطی وار تکرار می کردند.

اشکال سوم نقدهای آن دوران، فقدان ساختار فنی - و اغلب حتی یک ساختار ابتدایی و دم دستی - در آنها بود. تعیین اولویتهای محتوایی و ساختاری در هر اثر - بسته به نوع و خصایص آن اثر خاص - و سپس ترتیب بندی بخشهای مختلف نقد و تنظیم ساختار آن براساس آنها، در اکثریت قریب به اتفاق نقدهای - حتی مشهورترین منتقدان - آن دوران، کمترین محلی از اعراب نداشت (من فقط در چند نقد مورد اشاره محمود کیانوش به گونه ای از این ساختار اندیشیده برخوردیم). به طوری که عمده این نقدها، از یک بخش بندی ساده - حتی بدون داشتن منطقی خاص در ترتیب بندی بخشها - نیز بی بهره بودند؛ و برای مثال، تا پایان، حتی یک میان تیر و عنوان فرعی نیز نمی خوردند. به بیان دیگر، منطبق حاکم بر ساختار آنها، الکلام یجر الکلام (حرف حرف می آورد) بود.

نداشتن آشنایی دقیق و علمی با گونه ها، تعاریف انواع داستان و عناصر داستانی یا مکاتب ادبی، از دیگر خصایص اکثریت منتقدان آن زمان بود. تا آنجا که، در - به اصطلاح - نقدهای این افراد، خواننده، به ندرت به اسامی این عناصر یا به طریق اولی، تعریف آنها، و نقد عناصر مذکور در داستان مورد نقد، بر این اساس، بر می خورد. اطلاعات بهترین منتقدان از این عناصر و تعریفها و گونه ها و مکتبها، در بهترین شکل خود، بسیار کلی و در حد اطلاعات عمومی افرادی است که از دور، دستی بر آتش ادبیات داستانی دارند. به همین سبب نیز، نقدهای آنان، بسیار کلی گویانه، و در اغلب موارد، به راحتی رد و نقض است.

این، همان اشکال بارز دیگر غالب نقدهای دوره مورد بحث است. در آن نقدها، استفاده از شیوه استقرار - که غالباً موثرترین و قانع کننده ترین روش در ارتباط با مخاطب، و مستلزم ارجاع دادن مکرر او به متن مورد نقد، و طبعاً نیازمند مجاهدت و تلاش ذهنی بسیار از سوی منتقد است - تقریباً رواجی نداشت. منتقدان، به جای این کار، ترجیح می دادند برداشتهای شخصی خود را اصالت ببخشند، و به جای استدلال و ارائه سند از متن و خارج آن، احکام فتواگونه صادر کنند. به همین سبب، نقدهای آنان، فاقد قدرت اقناعی کافی برای مخاطبان دقیق بود.

هتاک و اهانت آشکار به نویسندگان یا معارضان منتقد، از دیگر شاخصه های بعضی نقدها - همچون نقدهای نادر ابراهیمی و رضا براهنی - خاصه در دهه ۱۳۴۰ بود. بی عفتی در کلام و آلودن ساحت قلم به کلمات و تعبیر رکیک، که در نوع خود، جلوه ای دیگر از غریب دگی طیفی قابل توجه از نویسندگان آن دوران کشور بود، در اصل تحفه شوم برخی نویسندگان اگرستانسیالیست فرانسوی بود، که از طریق مطالعه آثار آنان، نخستین بار توسط صادق هدایت و همپالگهایش وارد فضاهای فرهنگی و ادبی کشور شد. این فرهنگ، هر چند اندکی تعدیل یافته تر، توسط جلال آل احمد دنبال شد؛ و در قلم افرادی همچون اکبر رادی، نادر ابراهیمی و ... تداوم یافت؛ تا آنکه توسط کسی چون رضا براهنی، در دهه ۱۳۴۰، به اوج خود رسید.

۸۶/۹۲

پانویسها:

۱. زرین کوب، عبدالحسین؛ نقد ادبی؛ امیرکبیر؛ چاپ سوم؛ ۱۳۶۱؛ صص ۱۸۴
۲. همان؛ صص ۱۸۵-۱۸۶.

شماره ردیف	سال	تعداد کل نقد چاپ شده	تعداد نقد چاپ شده در هر نشریه، به تفکیک																	
			ر.ک.	س.	ک.م.	ج.ن.	ی.	ص.	ا.ک.	ع.ز.	پ.ن.	ا.ا.	ن.	د.ر.	ب.ر.	ب.ک.	و.	ف.	م.	
۱	۱۳۲۳	۴		۴																
۲	۱۳۲۴	۱		۱																
۳	۱۳۲۵	۴		۲																
۴	۱۳۲۶	۴		۱																
۵	۱۳۲۷	۲																		
۶	۱۳۲۸	۶																		
۷	۱۳۲۹	-																		
۸	۱۳۳۰	۴																		
۹	۱۳۳۱	۳																		
۱۰	۱۳۳۲	۱																		
۱۱	۱۳۳۳	-																		
۱۲	۱۳۳۴	۱۰		۱	۱															
۱۳	۱۳۳۵	۵		۱																
۱۴	۱۳۳۶	۳		۲																
۱۵	۱۳۳۷	۷		۳	۲															
۱۶	۱۳۳۸	۱																		
۱۷	۱۳۳۹	۱۱		۶	۵															
۱۸	۱۳۴۰	۱۵		۵	۱															
۱۹	۱۳۴۱	۹		۴	۱															
۲۰	۱۳۴۲	۸		۲																
۲۱	۱۳۴۳	۲		۱																
۲۲	۱۳۴۴	۶																		
۲۳	۱۳۴۵	۱۰		۱	۱															
۲۴	۱۳۴۶	۱۸		۲	۱															
۲۵	۱۳۴۷	۱۳		۳	۱															
۲۶	۱۳۴۸	۱۰		۳	۲															
۲۷	۱۳۴۹	۲		۱																
۲۸	۱۳۵۰	۱																		
۲۹	۱۳۵۱	۳		۱																
۳۰	۱۳۵۲	۲																		
۳۱	۱۳۵۳	۴		۱																
۳۲	۱۳۵۴	۶																		
۳۳	۱۳۵۵	۶																		
۳۴	۱۳۵۶	۲		۱																
۳۵	۱۳۵۷	۳																		
جمع کل		۱۸۷		۳۰	۳۲	۶	۱۶	۴	۲	۱۳	۶	۲۲	۱۰	۱۳	۴	۹	۵	۷	۲	۸

www.bustaneketab.com

انتشار هر هفته کتاب

تازه های نشر از طریق پیام کوتاه بار سال (SMS)

شماره همراه خود به شماره ۰۲۱۵۵۰۲۱۰۰۱ مشترک

این شبکه گرد بدواز تازه های نشر مؤسسه مطلع شوید

در حوزه اندیشه اسلامی

Table with 8 columns: سال انتشار، شماره، نام اثر نقد شده، نام نویسنده اثر، نام مترجم اثر، نام منتقد، نشریه‌ای که نقد در آن چاپ شده، ملاحظات. Contains a list of literary criticisms and reviews from 1323 to 1348.

Table with 8 columns: سال انتشار، شماره، نام اثر نقد شده، نام نویسنده اثر، نام مترجم اثر، نام منتقد، نشریه‌ای که نقد در آن چاپ شده، ملاحظات. Contains a list of literary criticisms and reviews from 1323 to 1348.



نشست نقد داستان «پاییز در قطار» نوشته محمدکاظم مزینانی

بهار در قطار پاییز

داستان «پاییز در قطار»، نوشته محمدکاظم مزینانی که سال گذشته عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی را در بخش تالیف، از آن خود کرده بود، دهم آذرماه با حضور حسین فتاحی و سیدعلی کاشفی خوانساری، در سرای اهل قلم بررسی شد.

حسین فتاحی، در ابتدای مراسم به قسمت هایی از داستان اشاره کرد و گفت: «پاییز در قطار، داستان بازگشت پسر نوجوانی از میدان جنگ، به همراه قطاری است که تابوت شهدا را با خود حمل می کند، پسر در آخرین ایستگاه متوجه می شود، آخرین واکن قطار، روی ریل های راه آهن شناور است و نوری درخشان از آن به بیرون می تابد، که این تصاویر، تصاویری شاعرانه است، چرا که کتاب، در وهله نخست، زاینده ذهن یک شاعر است تا یک داستان نویس.»

وی، موضوع کتاب را ویژه بزرگسالان و نه نوجوانان برشمرد و افزود: «مزینانی در این کتاب از انسان هایی سخن گفته که از هرچه دارند می گذرند تا به رضایت معشوق برسند و این طرز تفکر، به نوجوانان تعلق ندارد، زیرا آنان چیزی ندارند که نگران از دست رفتنش باشند، اما هوشمندی و تفاوت نویسنده با دیگران، زمانی مشخص می شود که ابزار و عناصر دنیای نوجوانان، چون اسب، ننه ربابه که همیشه برای بچه ها قصه می گفته و... را شناخته و وارد داستان می کند.» فتاحی، کار نویسنده «پاییز در قطار» را از جهاتی مانند نویسنده گان بزرگی چون چخوف و همینگوی دانست و گفت: «داستان هایی که در قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی نوشته می شد، از طرح و شخصیت پردازی بسیار خوبی برخوردار بود، اما نویسندگان بزرگی چون چخوف نمی توانستند، مطابق الگوهای قدیمی رفتار کنند، به همین خاطر، شیوه های مرسوم را شکستند و قالبی نو آفریدند، مزینانی هم در این داستان، به جای استفاده از پیرنگ قوی از عناصر خوبی استفاده کرده تا داستان برای خواننده جذاب باشد.»

این نویسنده کودک و نوجوان همچنین گفت: «نویسنده به جای آن که به تعریف از پسرک بپردازد، آن را خوب توصیف کرده، به گونه ای که با رفتن او همه چیز تغییر می کند، همچنین مزینانی، توانسته فضای متفاوتی را تصویر کند، به گونه ای که انگار تنها پسرک است که قطار حامل شهدا را می بیند، زیرا اوست که باید یک سیر تکاملی را طی کند.» فتاحی اشاره غیرمستقیم به شهادت را یکی دیگر از نکات مثبت داستان برشمرد و افزود: «تصویری که نویسنده از شهید و شهادت ارائه کرده، غیرمستقیم و بسیار زیبا و تاثیرگذار است، حتی در پایان داستان وقتی پسرک شهید می شود، آغازی خوش برای زندگی دوباره است.»

وی پاییز در قطار را کتابی برای همه زمان ها و مکان ها دانست و گفت: «حتی نویسنده در هیچ جای داستان به نام پسرک اشاره نکرد است.» فتاحی داستان مزینانی را شاعر منثور نامید که از دریچه ذهن یک شاعر به همه چیز می نگرد.

نگاهی دیگرگون به جنگ

سید علی کاشفی خوانساری، منتقد ادبیات کودک و نوجوان، یکی دیگر از سخنرانان این



نشست بود که «پاییز در قطار» را کتابی متفاوت برشمرد و گفت: «در این سال ها کتاب های بسیاری درباره جنگ نوشته شده که یا با نگاهی تلخ و بدبینانه، اصل دفاع مقدس را زیر سوال برده اند یا با یک نگاه سفارشی نوشته شده و نتوانسته اند، وظیفه خود را آن گونه که باید و شاید به انجام رسانند.»

وی با تقسیم بندی کتاب هایی که در زمینه دفاع مقدس نوشته شده، بیان کرد: «بعضی نویسندگان برای این که بتوانند برای نوجوانان از جنگ بگویند، قالب حماسه را برگزیدند و نمونه های موفقی چون «آتش در خرمن» را خلق کردند و جنگ را محلی برای رشد نوجوانان و رسیدن آنان به خودشناسی دانستند و بعضی دیگر به طنز گرایش پیدا کردند و چون داوود امیریان در «رفاقت به سبک تانک» از جنگ و شهادت سخن گفتند.»

کاشفی یکی از نکات فراموش شده ادبیات دفاع مقدس را نوجوانان بودن آن دانست و افزود: «نمی دانم نویسندگان آگاهانه چنین می کنند یا ناآگاهانه، اما حقیقت این است که از نوجوانان بودن فضای جنگ غفلت می کنند در حالی که، میانگین سنی رزمندگان، ۱۸ تا ۱۹ سال بوده است.» کاشفی خوانساری، با اشاره به تفاوت های میان جنگ ایران و عراق با سایر کشورها گفت: «در این جنگ ما با صف آرای جهانی علیه کشورمان، بمباران شیمیایی، حضور ۲۰ کشور دیگر به جز عراق و همچنین وجود ناوگان های آمریکایی در

ایران روبه رو بودیم.» کاشفی همچنین بیان کرد: «در تمام دنیا کسی که به خاطر اعتقادات خود جنگیده، آدم محترم و قابل اعتنایی است و این همان چیزی است که ما نتوانسته ایم به کودکان و نوجوانان خود منتقل کنیم، ما هنوز نتوانسته ایم به آنان بقبولانیم که کسانی که از جان و مال خود گذشتند مردمان قابل احترامی هستند.» وی کتاب «پاییز در قطار» را کتابی به دور از اغراق و حواشی شعارگونه دانست و گفت: «مزینانی در این کتاب به شرح و بسط صحنه های درگیری نپرداخته و حضور دشمن در داستان او چندان ملموس نیست اما نگاه انسانی او به جنگ و همچنین، توصیف های فراواقعی او موجب شده تا خواننده، داستانش را با رغبت دنبال کند.» کاشفی، کتاب را فارغ از زمان و مکان برشمرد و افزود: «در این کتاب به شهر و زمان خاصی اشاره نشده، حتی نامی از قهرمان اصلی داستان به میان نیامده و همه این موارد موجب می شود تا داستان قابل تعمیم به همه زمان ها و مکان ها باشد.» وی استفاده از اسطوره و عناصر فراواقعی را یکی دیگر از نکات مثبت داستان دانست و گفت: «ننه ربابه ای که همیشه پیر بوده، اسبی که به آن شخصیت انسانی داده شده و عناصر دیگر نه تنها از جذابیت اثر کم نکرده بلکه آن را خواندنی تر کرده است، از طرفی حضور خود پسرک، بسیار ملموس و پذیرفتنی است، پسری که نه سبک سری می کند و نه ماجراجویی و تنها وظیفه خود را انجام می دهد.»

کاشفی همچنین بیان کرد: «هیچ جای کتاب به نوجوانان بودن آن اشاره نشده و اگر ما آن را در این رده سنی قرار می دهیم نه به خاطر خود داستان که به خاطر خود نویسنده و نوع فعالیت های اوست و گر نه همه می توانند این کتاب را بخوانند و از خواندنش لذت ببرند.» کتاب «پاییز در قطار» را انتشارات سوره مهر منتشر کرده است.



نردبان آینه

شاید بتوان گفت حقیقت همان گمشده ای است که بسیاری در جستجوی آن هستند؛ اما هر کس به تعبیر شخصی اش بخشی از آن را درک می کند، آن هم بسته به درایت و درک فردی اش. کتاب «لاک پشت پیر و حقیقت شکسته» در همین بستر شکل می گیرد؛ جستجو برای یافتن این گمشده. یافتن حقیقت، آن هم حقیقتی شکسته که کنایه ای است از باور و درک انسان از هستی و تلاش او برای رسیدن به تکامل و دستیابی به ماهیت هستی.

داستان از توصیف سرزمینی زیبا آغاز می شود: «روزگاری در سرزمینی زیبا و دور... گرچه نه آنقدرها هم دور... در سرزمینی که هر سنگ، آموزگاری و هر نسیم، زبانی بود، در سرزمینی که هر دریا، آینه ای و هر درخت، نردبانی به ستارگان، در چنین سرزمینی دور و دوست داشتنی، حقیقت فرو افتاد. حقیقت ردی به بلندای آسمان، از ستارگان به پایین کشید، اما همین که به زمین آمد، شکست.»

از همین جاست که داستان سرگشتگی انسان برای یافتن حقیقت شکل می گیرد؛ حقیقتی که از آسمان به زمین فرو افتاد. حقیقت دوباره شده ای که تکه ای از آن در آسمان شعله می کشد و تکه دیگر در خاک فرو می افتد.

در این بخش از داستان و پس از فرو افتادن حقیقت، هر کس به گونه ای با تکه یافته شده رفتار می کند و آن را برای خود می خواهد. هر کدام از حیوانات برای مدتی آن را نگه می دارند و وقتی متوجه می شوند که حقیقت کامل نیست آن را رها می کنند حتی اگر درخشان و زیبا باشد.

اما آنگاه که پای انسان در راه یافتن این حقیقت شکسته به میان می آید همه چیز رنگ دیگری به خود می گیرد. او حقیقت را برای خود و مردمی که مثل خودش هستند می خواهد. آنها تکه حقیقت شکسته را مهم ترین دارایی خود می دانند و به این حقیقت شکسته و ناقص می گویند: «حقیقت» در این بخش «داگلاس وود» نویسنده اثر با بهره گیری از مفاهیم فلسفی و اسطوره ای دست به خلق داستانی لطیف و زیبا می زند. او تصویری از جهان امروز ارائه کرده است با باورهای آدم ها و خودخواهی هایشان.

او به زیبایی به جنگ بر سر هیچ اشاره دارد؛ جنگ هایی که در پی یافتن این حقیقت شکسته رخ می دهد.

آدم های داستان «وود» با یافتن آنچه حقیقتش می نامند نسبت به کسانی که مانند آنها نیستند و سهمی در حقیقت آنها ندارند، احساس خشم و ترس می کنند و در نهایت آنچه در پی این به اصطلاح حقیقت رخ می دهد، چیزی نیست جز رنج؛ رنجی که همچنان ادامه پیدا می کند و به عذاب تبدیل می شود.

در این میان لاک پشت پیر که از ابتدای داستان ناظر رخدادهاست - در تصاویر کتاب هم ابتدا این لاک پشت پیر است که ناظر فرود آمدن حقیقت است و به نوعی دانای مطلق به حساب می آید - در جواب گلایه های دیگران نسبت به رفتار مردم می گوید: متأسفم. مردم گوش نمی کنند. آنها هنوز آماده شنیدن نیستند.

نویسنده اثر با دقت در انتخاب شخصیت ها توانسته داستانی خلق کند که مخاطب به راحتی با آن ارتباط بگیرد و به مرور با خواندن داستان او هم مفهومی از حقیقت دریابد.

این اثر با ترجمه زیبا و روان زنده یاد حسین ابراهیمی (الوند) توسط انتشارات طرح و اجرای کتاب منتشر شده است.



حامد هاتف

انتشارات علمی و فرهنگی، حالا کمی بیشتر از نیم قرن عمر کرده است. اما نکته ای که باعث توجه کارشناسان به این موسسه انتشاراتی می شود حرکت مستمر این موسسه در مسیر چاپ کتاب های حوزه علوم انسانی بوده است. این رویکرد تخصصی که از سال های پیش طراحی شده است باعث چاپ کتاب های ارزشمندی شده که هنوز پس از گذشت سال ها مورد توجه دانشجویان و اهالی علم قرار می گیرد. دکتر مجتبی زارعی، مدیر عامل این موسسه، خود سالها مخاطب کتاب های نشر علمی و فرهنگی بوده است. نشری که به گفته او در ادامه فعالیت سال های قبل در پی «ورود به حوزه اندیشه و فکر است.» «زارعی البته این نکته را مهمترین مزیت «علمی و فرهنگی» هم ارزیابی می کند.

دکتر مجتبی زارعی، مدیرعامل موسسه انتشاراتی علمی و فرهنگی

نوآوری می خواهیم، نه نامداری



لطفا توضیح دهید آیا انتشارات علمی و فرهنگی ناشر تخصصی محسوب می شود؟ و بیشتر بر کدام یک از حوزه ها تمرکز دارد؟
در آغاز، برای مجموعه کتاب هفته آرزوی توفیق دارم که توانسته خلأ موجود در حوزه چاپ و نشر را پر کند.

این انتشارات، همان طور که گفته شد، انتشارات تخصصی به حساب می آید. تخصص در حوزه علوم انسانی؛ علوم انسانی به معنای اعم کلمه که غالب زیرشاخه های آن را در بر می گیرد. پرداختن به این حوزه که از ابتدای شکل گیری این موسسه در سال ۱۳۳۲ مطرح بود، پس از پیروزی انقلاب اسلامی وجه مشخص تری گرفت. اگرچه این موسسه در بعضی حوزه های دیگر چون حوزه علوم پایه نیز ورود دارد.

این تمرکز بر حوزه علوم انسانی، چه هدفی را دنبال می کند؟

تمرکز بر حوزه علوم انسانی به فلسفه وجودی این مجموعه علمی و فرهنگی برمی گردد. علوم انسانی تولید فکر کرده که منجر به نظریه پردازی و تولید علم می شود. علوم انسانی آگاهی بخش و اندیشه ساز است و به انسان نگرشی می دهد که بر اساس آن، انسان توان اندیشه سنجی و نگاه نقادانه می یابد. لذا، علوم انسانی اندیشه ساز و اندیشه سنج است و فلسفه وجودی این انتشارات هم ورود به حوزه اندیشه و فکر است و مهم ترین مزایای این انتشارات نیز ورود به این حوزه است.

آیا شما قصد ندارید این رویکرد را تغییر دهید؟
به لحاظ حوزه ای، خیر. البته هم اکنون در حال گسترش فعالیت در حوزه علوم پایه هستیم که به گونه ای با حوزه علوم انسانی مرتبط است. در واقع این مرکز بیشتر به تولید فکر و تولید علم می اندیشد، تا مباحث خدماتی و علوم دیگر. چون اصولاً علوم را به دو دسته عمده می توان تقسیم کرد: یک دسته علوم تولیدی و دسته دیگر، علوم خدماتی. علوم تولیدی، چون علوم انسانی و علوم پایه تولید فکر می کنند، ولی علوم تجربی، فنی مهندسی و علوم دیگر، به نوعی علوم خدماتی محسوب می شوند.

یکی از مهم ترین موسسات انتشاراتی که منابع دانشگاهی را طی چند دهه گذشته تامین کرده است، انتشارات علمی و فرهنگی است. چگونه بین نیاز جامعه دانشگاهی و نیازهای جامعه فرهیختگان کشور، که لزوماً دانشگاهی نیستند، اما جزو مخاطبان شما محسوب می شوند پل می زنید؟

اصولاً مخاطب ما، مخاطب دانشگاهی نیست؛ یعنی ما صرفاً برای دانشگاهیان کار نمی کنیم. ولی نوع حرکت این موسسه به گونه ای بوده و هست که پلی که می گویید، ایجاد شده. در واقع ما تفاهم نامه هایی با چند دانشگاه بزرگ و مادر کشور داریم؛ به این معنا که آثار برگزیده استادان بزرگ

می شوند. نخست از طریق مشاوران علمی ما، شامل مولفان و مترجمان و فرهیختگانی که خالق آثار فاخر این انتشارات بوده و هستند و ده ها سال است که با این موسسه همکاری می کنند، دیگر از طریق مجموعه های علمی. ما در این موسسه ۱۲ مجموعه علمی و تخصصی تعریف کرده ایم، البته تا سال گذشته تعداد آنها چهار مجموعه بود که با همت فرهیختگان و استقبال مولفان و مترجمان محترم به دوازده مجموعه افزایش یافت.

این مجموعه های علمی - تخصصی شامل مجموعه جامعه شناسی، روان شناسی، عرفان و ادیان، قرآن و حدیث، فقه و حقوق، علوم تربیتی، علوم سیاسی و روابط بین الملل، مدیریت، اقتصاد، ادبیات و هنر، تاریخ، فرهنگ و تمدن و تاریخ علم هستند که هر یک از این مجموعه ها، متشکل از گروهی از صاحب نظران این رشته و یک دبیر علمی است که خود در آن رشته صاحب نظر است. حال، یکی از راه های پذیرش کتاب این است که مجموعه های علمی ما بر اساس نیازهای علمی و فرهنگی جامعه، کتاب های مناسب را، چه از تالیفات داخل کشور و چه نقاط دیگر جهان، برای انتشار انتخاب می کنند. سومین شیوه ارائه اثر به این موسسه نیز، خود مولفان و مترجمان هستند که در این بخش، مراجعان بسیاری داریم و بر اساس امکانات و محدودیت هایی که به لحاظ

شوند، ولی این فرایندها به خوبی اجرا نشوند، یقیناً به نتیجه نمی رسیم. این فرایندها، هم در چاپ و نشر کتاب های چاپ اول و هم در تجدید چاپ ها، مطرح هستند. متأسفانه در مواردی در حوزه فرهنگ و چاپ و نشر، این فرایندها نه تنها در تجدید چاپ، بلکه در چاپ های اول هم مورد عنایت نیستند. از این رو در گزینش اثر، هرگز به نام نویسنده یا مبادی اثر توجه نمی کنیم. آنچه برای ما مهم است و موضوعیت دارد، ارزش علمی و محتوای اثر است. آنچه اهمیت دارد سخن نو و تولید فکر در آن اثر است، نه سابقه و شهرت نویسنده آن اثر. اگرچه با وجود ارزش علمی و محتوای بالای علمی اثر، چنانچه نویسنده نیز از سابقه و معروفیت در جامعه علمی برخوردار باشد، به اهمیت اثر می افزاید که ما از این امر نیز استقبال می کنیم.

به منظور استانداردسازی، ما دو فرایند را برای خود تعریف کرده ایم. نخست، فرایند بررسی علمی که توسط بخش فرهنگی انجام می شود و به این منظور جایگاه هایی تعریف شده و چارتی نیز ترسیم شده است. حتی زمانبندی خاصی در نظر گرفته شده که باید بر اساس آن عمل شود. ناظرانی هم تعیین شده اند که بر کیفیت اجرای این فرایند نظارت کنند.

آثار به چند طریق برای چاپ به ما پیشنهاد

آن دانشگاه ها، در صورت تمایل، برای انتشار به این موسسه انتشاراتی سپرده می شود. البته در موسسه هم فرایند مستقل بررسی و گزینش آثار در جریان است که بحث دیگری است.

از سوی دیگر رساله ها و پایان نامه های برگزیده و ممتاز دوره دکترای این دانشگاه ها، به انتشارات علمی و فرهنگی ارسال می شوند. همچنین غالب مولفان و مترجمان ما، از فرهیختگان و نخبگان بنام دانشگاهی هستند. این عوامل، در کنار عوامل دیگری چون دانشگاهی بودن اغلب ویراستاران، مصححان و حتی نسخه پردازان این موسسه، خود به خود برآیند کار را در جهتی سمت و سو می دهد که جامعه دانشگاهی مخاطب ما قرار می گیرد؛ هر چند ما فرهیختگان و نخبگان جامعه را مد نظر داریم و نه لزوماً جامعه دانشگاهی را.

چه تعریفی از استانداردهای نشر از کمیته انتخاب اثر و ویرایش تا سایر مقولات سخت افزاری عرصه نشر دارید و تا چه حد در عمل به این تعریف ها دست یافته اید؟

اصولاً در صنعت چاپ و نشر، دو فرایند باید طی شود؛ نخست فرایند بررسی های علمی و پس از آن، فرایند تولید. اگر این دو فرایند به نحو مناسبی طی شوند، استانداردهای مورد نظر تامین می شود. اما در صورتی که استانداردها و قوانینی تعریف

علمی برای خود تعریف کرده ایم، اقدام به انتخاب اثر می کنیم.

در مرحله پس از انتخاب اثر چه روندی راطراحی کرده اید؟

پس از انتخاب، اصل کتاب به تصویب هیئت مدیره و مدیر عامل می رسد. البته ابتدا دبیر مجموعه نظر اجمالی خود را درباره اثر ارائه می کند و پس از آن مدیر فرهنگی آن اثر را بررسی می کند و در نهایت در هیئت مدیره مورد تصویب قرار می گیرد. پس از این مرحله است که انتشار اثر در دستور کار انتشارات قرار می گیرد. در ابتدا، اثر به بخش فرهنگی ارجاع می شود و در آنجا فرایند بررسی علمی آغاز می شود. سپس، اثر به دو تا چهار تن از کارشناسان و صاحب نظران آن حوزه، به عنوان ارزیاب علمی، ارائه می شود. این مرحله، البته هزینه هایی را به موسسه تحمیل می کند، اما از سوی دیگر وثاقت علمی کتاب را بالا می برد. پس از اعلام نظر ارزیاب ها، کتاب به شورای علمی ارجاع می شود.

شورای علمی متشکل از دبیران مجموعه های دوازده گانه علمی است. در صورتی که در شورای علمی با انتشار اثر موافقت شد، به هیئت مدیره ارائه می شود و در صورت تصویب نهایی هیئت مدیره، با دستور مدیر عامل کتاب در فرایند تولید قرار می گیرد. ضمناً در صورتی که با چاپ اثر در شورای علمی موافقت نشود، کتاب به بخش ارزیابی عودت داده می شود تا در آنجا مورد بررسی مجدد قرار گیرد. ما با اجرای دقیق این فرایند، نه تنها به استناد دارد معمول، بلکه به چیزی فراتر از آن می اندیشیم.

با توجه به این که مشکل مهم اغلب ناشران (حتی ناشران دولتی) توزیع است، چه تدبیری برای ورود به این حوزه اندیشیده اید؟

سیستم توزیع در حوزه چاپ و نشر از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. موسسات انتشاراتی موفق، انتشارات هایی هستند که حتی پیش از آن که در فکر انتشار اثر باشند، راهکارهای توزیع آن می اندیشند. اهمیت توزیع اگر بیشتر از تهیه اثر نباشد، کمتر از آن نیست. ما در این موسسه سیستم توزیع خاصی را تعریف کرده ایم. پیش از این، مدیریت توزیع به صورت واحد مجزایی بود که سپس با تاسیس و ایجاد شرکتی مستقل به نام شرکت بازرگانی کتاب گستر وابسته به این موسسه، به روند توزیع کتاب های خود سمت و سوی بهتری داد. فلسفه وجودی این شرکت بازرگانی، ایجاد سیستم توزیع برای این انتشارات است. البته سیستم توزیع، سیستمی بسیار پیچیده است. نه این که فی الذات پیچیده باشد، بلکه کسانی آن را پیچیده کردند تا افراد خاصی بتوانند از بازار چاپ و نشر بهره مند شوند. به همین دلیل وارد شدن به این سیستم بسیار دشوار است. خوشبختانه شرکت بازرگانی کتاب گستر توانست با اندیشیدن تدابیر مناسب، هم سیستم توزیع این موسسه را به خوبی سازماندهی کند و هم پس از چند سال، توزیع آثار نزدیک به موسسه انتشاراتی بنام دیگر رانیز تحت پوشش قرار دهد. البته هنوز روند توزیع برای ما کاملاً راضی کننده نیست، ولی تا حدود زیادی به آنچه در این بخش در نظر داشتیم، دست یافته ایم.

احتمالاً مهم ترین امر برای دیده شدن و در معرض توجه قرار گرفتن کتاب ها، به بحث تبلیغ و اطلاع رسانی آنها باز می گردد. چگونه از پتانسیل های مراکز مختلف علمی، فرهنگی و دانشگاهی که با شما در ارتباطند، برای اطلاع رسانی استفاده می کنید؟

البته منظور ما از در معرض دید قرار گرفتن کتاب، تنها به دانشگاه ها محدود نمی شود. چرا که مخاطب ما صرفاً دانشگاهیان نیستند. مخاطب ما

در درجه نخست جامعه فرهیختگان کشور، سپس عموم مردم و جامعه دانشگاهی است. مشکلات بخش اطلاع رسانی، در کل کشور وجود دارد. بخشی از این ضعف، شاید به خود ما بازمی گردد که تا حد ممکن در این زمینه فعال نبوده ایم. ولی بخش عمده این ضعف، در تمامی حوزه نشر، به رسانه ها مربوط است. وقتی به فلسفه وجودی رسانه ها، اعم از نوشتاری و شنیداری و دیداری رجوع کنیم، می بینیم که اصولاً مهم ترین رسالت آنها ترویج فرهنگ است. اما وقتی برآیندی از کارکرد رسانه های شنیداری و دیداری را در حوزه چاپ و نشر در نظر بگیریم، درمی یابیم که نگاه آنها به حوزه چاپ و نشر، اصولاً نگاهی اقتصادی و کالایی است. برای نمونه وقتی یک موسسه انتشاراتی کتابی را برای اطلاع رسانی به صداوسیما یا یک روزنامه می سپارد، اگر چه رسالت رسانه ایجاب می کند که از این امر استقبال کند، اما با نگاهی کالایی، در پی رسیدن به پاسخ این پرسش است که تبلیغ این کتاب یا تبلیغ کالای دیگری چون کالاهای خوراکی، سود بیشتری را عاید او می کند. یعنی برای او تفاوتی بین کتاب و یک بسته چیبیس، وجود ندارد. اینجاست که ضعف رسانه آشکار می شود. من در گفت و گو با برخی مسئولان هم به این مسئله اشاره کرده ام که تا زمانی که نگاه رسانه ها به حوزه فرهنگ و چاپ و نشر تصحیح نشود، نباید انتظار داشته باشیم که چاپ و نشر بتواند رشد لازم خود را پیدا کند.

یکی از ویژگی های آثار منتشر شده توسط انتشارات علمی و فرهنگی، ویرایش آنهاست. چه سازوکاری را در کمیته های ویرایش به کار بسته اید؟

البته این موضوع صحیح است، ولی ما هنوز رضایت کامل نداریم و در پی دست یافتن به استانداردهای بالاتری در این حوزه هستیم. ویراستاری نیز علمی است که با گذر زمان دگرگون می شود. بنابراین در جازدن و متوقف شدن در این سطح، در واقع رو به افول رفتن است. خوشبختانه همواره بزرگ ترین و نامدارترین ویراستاران جامعه، در مجموعه ما حضور داشته و دارند و هر زمان که لازم بوده، از روی بزرگواری از همکاری با ما دریغ نکرده اند. هم اکنون نیز نزدیک به ۵۰ تن از ویراستاران بزرگ و متبحر در این مجموعه مشغول هستند. ما ویراستاری را در دو حوزه انجام می دهیم؛ نخست ویراستاری فنی و سپس ویراستاری ادبی. پس از ویراستاری اولیه، کتاب مجدداً به بخش فرهنگی سپرده می شود و در بخش ویرایش، توسط سرویستار مجموعه ملاحظه می شود، پس از آن به کارشناسان ویرایش ارجاع شده و دوباره به سرویستار ارائه می شود. در صورتی که از نظر ایشان، کتاب باز هم نیاز به ویرایش داشت، بدون در نظر گرفتن این که هزینه تولید افزایش می یابد، این سیکل تکرار می شود و این روند تا زمانی که اطمینان حاصل شود که کتاب از ویراستاری دوباره بی نیاز است، ادامه پیدا می کند. ولی می دانیم که ویراستاری از جمله فرایندهایی است که پایان ندارد.

سیستم توزیع، سیستمی بسیار پیچیده است. نه این که فی الذات پیچیده باشد، بلکه کسانی آن را پیچیده کردند تا افراد خاصی بتوانند از بازار چاپ و نشر بهره مند شوند

مهم ترین آثاری که در حال حاضر در دست چاپ و انتشار دارید، چه کتاب هایی هستند؟

برای سال ۸۶، حدود ۲۰۰ کتاب تعریف شده و در دستور کار انتشار قرار گرفته است که پیش بینی می شود عملاً بیش از این تعداد در دست تولید قرار گیرد. تاکنون، حدود ۱۱۵ کتاب منتشر شده و یا در حال توزیع است و تا انتهای سال، نزدیک به ۹۰ عنوان دیگر نیز به چاپ خواهد رسید. یکی از کارهای ویژه ما در حال حاضر، چاپ و انتشار مجموعه ۱۵ جلدی "سیری در هنر ایران" است که تالیف آن را، مرحوم پروفیسور پوپ بیش از ۷۰ سال پیش به انجام رساند. انتشارات علمی و فرهنگی از سال ۱۷۷ اقدام به برنامه ریزی ترجمه این کتاب کرده است که متأسفانه این روند چند سال متوقف ماند و از اوایل سال گذشته به صورت ویژه به آن پرداختیم. البته باید در نظر داشت که ویراستاری این کتاب بسیار دشوارتر بود، چرا که متنی بسیار تخصصی است و ویراستاری فنی آن، به همین دلیل، بسیار زمانبر است. در ویراستاری این کتاب از تخصص تعدادی از هنرمندان، هنرشناسان و پژوهشگران ایرانی در داخل و خارج کشور استفاده شده است. خوشبختانه ترجمه و ویراستاری این کتاب به پایان رسیده است. سرویستار این مجموعه جناب آقای دکتر سیروس پرهام از ویراستاران بزرگ کشور هستند. از این مجموعه ۱۵ جلدی، ۱۳ جلد که اصل متن کتاب را در برمی گیرد، در سال جاری به چاپ می رسد و دو جلد دیگر که دربرگیرنده تعلیقات و نقدهای دانشمندان درباره نظرات مرحوم پروفیسور پوپ است، تماماً یک تا دو سال پس از عرضه این کتاب به بازار، منتشر خواهد شد و نظرات کارشناسان را درباره این کتاب، دربر خواهد گرفت.

مجموعه دیگر، مجموعه ۱۲ جلدی "زندگی نامه علمی دانشوران" است. این کتاب نیز در نوع خود بی نظیر است و کار شش جلد آن به پایان رسیده و دیگر بخش های آن در حال آماده سازی است. یک مجموعه ۱۴ جلدی نیز درباره سیره ائمه معصومین (ع) در دست داریم که هم اکنون در حال تالیف است. کار دیگر، مجموعه چهارده جلدی "دانش روز برای همه" است که هفت جلد آن منتشر شده و هفت جلد دیگر در حال چاپ است. در کنار اینها، مجموعه ای ۲۶ جلدی برای کودکان و نوجوانان در دست آماده سازی است که به سیره پیامبران اختصاص دارد. البته این مجموعه ها، بخشی از آثاری است که به چاپ می رسند.

چشم انداز این موسسه چیست و قرار است به چه جایگاهی دست پیدا کند؟ آیا تغییری در اهداف خود خواهید داد یا خیر؟

تعیین استراتژی از مهم ترین و اصلی ترین مباحث و مسائل کاری یک مجموعه فرهنگی و علمی است. به نظر من، تعیین استراتژی، حساس ترین وظیفه یک مجموعه فرهنگی است. همچنین با وجود لزوم در نظر داشتن سرعت و شتاب در تعیین استراتژی، ضرورت دارد که متدولوژی علمی نیز در این بین حتماً در نظر گرفته شود و در عین حال، این فرایند باید واقع بینانه صورت گیرد. تعیین استراتژی مقدماتی دارد که یکی از مهم ترین آنها، تعیین رویکردهای مجموعه است.

ما در این موسسه، در مرحله نخست، رویکردهای این مجموعه را تعریف کردیم که در معرض قضاوت فرهیختگان نیز قرار گرفت و برآیند نظرات آنان نیز در نتیجه نهایی لحاظ و هفت رویکرد برای این مجموعه در نظر گرفته شد. نخستین رویکرد؛ تحکیم و گسترش ارتباط اندیشمندان با نخبگان و فرهیختگان خالق آثار فاخر این انتشارات است. در همین راستا، سال

گذشته برای نخستین بار در تاریخ چاپ و نشر کشور، مجلس انس با فرهیختگان را برگزار کردیم که در آن، بزرگان نحله های مختلف فکری خالق آثار این موسسه، گرد هم جمع شدند. امسال نیز دومین مجلس انس با فرهیختگان را ان شاء الله در بهمن ماه برگزار خواهیم کرد.

دومین رویکرد، رشد و اعتلای فرهنگ نظریه پردازی و تولید علم است. چرا که آنچه در کشور ما مغفول مانده، نظریه پردازی و تولید علم است.

به نظر من نظریه پردازی نه تنها در کشور ما مغفول مانده، بلکه احساس می شود تعمدی در بین بود که ما در این زمینه ورودی نداشته باشیم. انتشارات علمی - فرهنگی همواره یک کانون فکر بوده و هست. به نظر من موسسات انتشاراتی در تولید علم و نظریه پردازی می توانند موثر باشند و به مثابه یک کانون فکر عمل کنند. چرا که اگر آنها آثار تولیدی و نو به جامعه عرضه کنند، نوع تأثیری که در جامعه خواهند داشت با زمانی که آثار تکراری ارائه کنند متفاوت خواهد بود. رویکرد سوم، نگاه نقادانه به آثار و کتب مختلف علمی و فرهنگی است. حوزه فرهنگ بدون نقد، راکد می شود و می پوسد.

چهارمین رویکرد، ترجمه آثار و نظریه های نو و مورد نیاز جامعه است. البته این رویکرد منافاتی با تولید علم و نظریه پردازی ندارد. نهضت ترجمه در کشور ما، ورود و شروع خوبی داشت، ولی ادامه مناسبی در پی نداشت. ما آنچنان در ترجمه ماندگار شدیم که از تولید غافل ماندیم. اگر چه در این موسسه اصل بر تولید علم است، ولی توجه داریم که ترجمه در هر حال یک ضرورت اجتناب ناپذیر است؛ اما ترجمه هایی که حرف نو داشته باشند و تکرار مکررات نباشند و در پیشبرد علم و فرهنگ جامعه موثر باشند. رویکرد پنجم، تحول و پویایی در چاپ و نشر آثار است که در این حوزه باید از قشری نگری پرهیز کنیم. ششمین رویکرد نیز، نگاه به پویایی و رشد کیفی و محتوایی به جای کمیت گرایی در چاپ و نشر است. بدین معنا که چنانچه به این نتیجه برسیم نیاز جامعه ایجاب می کند در سال تنها ۱۰ عنوان کتاب چاپ شود، به این نتیجه پایبند خواهیم بود. اگر ضرورت انتشار ۳۰۰ عنوان کتاب نیز حس شود، همین کار را خواهیم کرد اما آنچه اهمیت دارد، نیاز جامعه و کیفیت آثار است.

دو رویکرد بعد به بحث سخت افزاری بازمی گردد، که نخست تحول و کارآمد کردن ساختار اجرایی شرکت است. آخرین رویکرد نیز توسعه و روزآمد کردن تجهیزات سخت افزاری مورد نیاز موسسه است. این موسسه دارای چاپخانه مجهز و بسیار بزرگی است که در نوع خود کم نظیر است. اما هنوز نسبت به صنعت چاپ دنیا جای پیشرفت دارد. ما در پی روزآمد کردن این فناوری هستیم.

در حوزه نشر الکترونیک به چه شکل فعالیت می کنید؟ آیا به این حوزه وارد شده اید؟

ما در این حوزه فعالیت داشته ایم. البته نخست امکانات خود را در این حوزه روزآمد کردیم. در حال حاضر نیز برای الکترونیک کردن کتاب های منتشر شده توسط این موسسه، اقداماتی در دست انجام است. چند کتاب در سال گذشته به صورت لوح فشرده عرضه شد و هدف ما نیز این است که در فرایند زمانی مناسبی، همه کتاب ها را به صورت لوح فشرده به بازار نشر عرضه کنیم. رسیدن به این هدف البته دشوار است. ولی خوشبختانه با فعالیت یکی از شرکت های زیرمجموعه موسسه انتشارات علمی و فرهنگی، به نام شرکت "فرهنگ فیلم تهران"، در این جهت گام های خوبی برداشته شده است.



نشر تخصصی کتاب‌های دینی در گفت و گو با یدالله سعدی، مدیر انتشارات «دلیل ما»

۳۰ برکت از برکت غدیر



انتشارات «دلیل ما» مدت هفت سال است که فعالیت خود را آغاز کرده و در همان سال نخست توانسته است به عنوان ناشر برگزیده در بخش ویژه امیرالمؤمنین (ع) انتخاب شود. این مؤسسه چهار عنوان دیگر را نیز در کارنامه فعالیت خود دارد: ناشر نمونه سال ۱۳۸۰، ناشر تقدیری سال ۱۳۸۱، ناشر برگزیده نمایشگاه سال ۱۳۸۲ و ناشر نمونه سال ۱۳۸۵.

انتشار حدود ۴۲۰ عنوان کتاب و انتخاب ۱۰ عنوان کتاب در مراسم مختلف انتخاب کتاب سال ولایت و انتخاب کتاب‌های برگزیده سال حاصل تلاش مستمر این مؤسسه است. به انگیزه آشنایی با فعالیت‌های انتشارات دلیل ما و کسب اطلاعات بیشتر از چاپ ۳۰ عنوان کتاب مستقل درباره غدیر با یدالله سعدی مدیر مسئول این مؤسسه به گفت و گو نشستیم.

سعدی متولد ۱۳۳۸ و حدود ۳۰ سال است که در عرصه چاپ و نشر کتاب فعالیت می‌کند.

به عنوان اولین سؤال کمی در مورد سابقه خودتان در نشر و حوزه‌های فعالیت دلیل ما بگویید. بنده بیش از ۳۰ سال است که در زمینه چاپ و توزیع کتاب فعالیت می‌کنم ولی انتشارات دلیل ما حدود هفت سال است که فعالیت خود را آغاز کرده و در این مدت نسبتاً کوتاه سعی کرده‌ام با انتشار بیش از ۴۲۰ عنوان کتاب در حد توان خود در نشر معارف اهل بیت (ع) و در موضوعات مربوط به آن تلاش کنم.

محور اصلی همه کتاب‌های ما معارف اهل بیت (ع) است اما گرایش‌های مختلفی دارد مثل اعتقادات، شخصیت‌شناسی، کتب مرجع، مهدویت، غدیر، احیای میراث، فقه تخصصی و موضوعات متنوع دیگر که هر کدام در جایگاه خود می‌تواند عملکردی بسیار گسترده و بسیط داشته باشد، یعنی زمینه فعالیت در همه آنها لازم و ضروری است.

آنچه در مصاحبه‌ها و گزارش‌های مختلف در معرفی کتاب‌های مؤسسه شما به دست می‌آید این است که در بعضی از این حوزه‌ها بیشتر فعالیت داشته‌اید مثل غدیر؛ همین طور است؟

بله! سعی ما این است که در همه زمینه‌ها فعال باشیم ولی به لحاظ گرایش مخاطب‌شناسی چاره‌ای نیست که مخاطبان را هم راضی کنیم. یکی از این موارد کتاب‌های مربوط به غدیر است که ما به طور تخصصی در این زمینه کتاب‌هایی را منتشر کرده‌ایم. اگر بخوایم بیشتر توضیح بدهم باید بگویم که کتاب‌های ما در حوزه غدیر گرایش‌های متفاوتی دارد مثل کتاب‌های تحلیلی، تاریخی، جغرافیایی، داستانی و کتاب‌شناسی دارد.

مخاطبان ما در سطوح مختلف علمی و عقیدتی هستند بنابراین باید رساندن پیام غدیر را به عنوان رسالتی که پیامبر (ص) به ما امر فرموده است در سرلوحه امور قرار دهیم و برای اقشار مختلف کتاب‌های متفاوت تهیه کنیم.

مجموعه کتاب «غدیر در امواج» کتاب‌هایی تحلیلی-تاریخی است که برای اقشار تحصیل کرده و اهل فن بسیار مناسب و حتی ضروری است. کتاب‌هایی مثل گزارش لحظه به لحظه از واقعه غدیر، «برکه‌ای به فلک‌نازد»، غدیر در نگاه خورشید، اگر در غدیر بودیم، «حماسه غدیر از استاد حکیمی

آیا کتاب‌شناسی‌های دیگری نیز منتشر کرده‌اید؟ بله، غیر از «غدیر در آینه کتاب» کتاب «فاطمه (س) در آینه کتاب» که به چاپ پنجم رسیده و ۲۴۰۰ عنوان کتاب مستقل درباره حضرت زهرا (س) به ۲۷ زبان زنده دنیا و همچنین «آما مجتبی (ع) در آینه کتاب» اطلاعات مربوط به ۴۶۳ کتاب مستقل به ۱۰ زبان مختلف را شامل می‌شود.

تألیفات شیعه در شبه قاره هند کتاب دیگری است در حدود ۱۰۰۰ صفحه و در قطع رحلی که ۱۲۵۰۰ کتاب را به ۱۷ زبان از مؤلفان شیعه شبه قاره هند معرفی می‌کند.

با توجه به تجربیات چندساله شما چه موضوعاتی در مناسبت‌های دینی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد و امروزه نیاز مردم در موضوعات مذهبی در چه زمینه‌هایی بیشتر است؟

استقبال مردم از این کتاب‌ها نشان از اهمیت مناسبت‌های مذهبی بین جامعه است، به عبارت دیگر می‌توان گفت که فطرت خداجو و علوی مردم همواره بروز بیشتری داشته است.

این مطلب را به زبان دیگر این گونه می‌توان بیان کرد که نفوس بشری مثل طبیعت، بهاری دارد و بهار آن می‌تواند همین مناسبت‌ها باشد و معروف است که رمضان بهار قرآن است و در همین ماه است که غالب افراد به عبادات الهی تمایل پیدا می‌کنند حال آن که ممکن است در طول سال شوقی به این کیفیت نداشته باشند، و اینها فرصت‌هایی طلایی است که خدا برای بندگانش قرار داده است. از نظر شما معیارهای مختلفی که باید در یک کتاب بیشتر مورد توجه قرار گیرد چه مواردی است؟

در کار نشر استانداردهای ظاهری و محتوایی باید رعایت شود. البته به لحاظ این که نرم افزارهای

غالب کتاب‌های ما در موضوع غدیر از چاپ سوم و چهارم گذشته‌اند مثل بلندترین داستان غدیر با ۱۰ چاپ، «حماسه غدیر» استاد محمدرضا حکیمی با ۲۵ چاپ و... اما پرتیراژترین آنها کتاب گزارش لحظه به لحظه از واقعه غدیر نوشته آقای محمدباقر انصاری است که تا کنون ۴۳ بار تجدید چاپ شده و حدود نیم میلیون نسخه از آن منتشر شده است، در واقع استقبال فوق العاده مردم از این موضوع را نشان می‌دهد مایه خوشحالی است که ما پیام غدیر را به ۵۰۰ هزار نفر رسانده‌ایم، آن هم کسانی که هر کدام از آنها می‌توانند پیام رسان جدیدی از غدیر باشند.

«غدیر در آینه کتاب» را با عنوان کتاب‌شناسی غدیر معرفی کردید. به اختصار بفرمایید که وضعیت نشر کتاب‌های با موضوع غدیر در گذشته و حال چگونه بوده است؟

در جمع بندی ویرایش جدید کتاب «غدیر در آینه کتاب» آمده است که تا سال ۱۳۸۴ شمسی حدود ۷۷۵ عنوان کتاب منتشر شده که ۵۰۰ عنوان از آنها مربوط به سال‌های قبل از ۱۳۷۴ و ۲۷۵ عنوان مربوط به سال‌های ۷۴ تا ۸۴ است یعنی یک جهش خیلی چشمگیر.

اگر کتاب‌های دو سال اخیر را نیز - طبق برآورد ما - حدود ۱۰۰ عنوان محاسبه کنیم باید گفت که طی بیست سال اخیر شاهد انتشار بسیار گسترده کتاب‌های مربوط به غدیر هستیم که سطوح مختلف نوجوانان، جوانان و بزرگسالان را در بر می‌گیرد و در شمارگان وسیع در داخل و خارج از کشور منتشر شده است. این کتابها به ۱۸ زبان نوشته شده است که ایران با ۳۵۴ عنوان رتبه اول و کشورهای هند با ۴۷، پاکستان با ۲۹، لبنان با ۲۹ و عراق با ۱۷ عنوان در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

و امثال آن، مخاطبان جوان و دانشجویان را با این واقعه عظیم آشنا می‌کند. کتاب‌هایی مثل «طرق حدیث غدیر» به روایت عالمان اهل سنت، کتاب الولایه و امثال آن کارهای تحقیقی بسیار ارزشمندی است که در نوع خود منحصر به فرد است و همین طور «غدیر در آینه کتاب» کتابی است که می‌تواند مرجع همه اهل علم قرار گیرد.

ما در زمینه غدیر حدود ۳۰ کتاب مستقل منتشر کرده‌ایم و شاید بتوانم بگویم که فعالیت ما از خیلی از مؤسسه‌هایی که منحصراً در این زمینه کار می‌کنند چشمگیرتر است.

مخاطبان شما از کدام یک از کتابهای شما بیشتر استقبال کرده‌اند؟

لازم است بگویم که نویسندگان ما و ناشران ما باید مخاطبان خود را بشناسند، موضوع مورد نظر آنها را کشف کنند و مطابق با خواست آنها کتابی را منتشر کنند و این از رموز کار مؤسسات انتشاراتی است.

اما راجع به سؤال شما باید بگویم که

در موضوع غدیر، تا سال ۱۳۸۴ حدود ۷۷۵ عنوان کتاب منتشر شده که ۵۰۰ عنوان آنها مربوط به سال‌های قبل از ۱۳۷۴ و ۲۷۵ عنوان آن مربوط به سال‌های ۷۴ تا ۸۴ است و این یعنی یک جهش بسیار چشمگیر

با سیدرضا باقریان موحد درباره «کتابشناسی نیایش»

نیایش در معبد مکتوب



امیرحسین شرافت: درباره دعا و نیایش از قرن‌ها پیش تاکنون کتاب‌ها و تحقیقات ارزشمندی چاپ و منتشر شده که امروزه گنجینه‌ای گرانسنگ از معارف اسلامی را تشکیل می‌دهند، اما گاه از آنها به عنوان موضوعی فرعی در قلمرو تحقیقات علوم انسانی یا اسلامی یاد می‌شود و می‌شود. این در حالی است که این آموزه مهم معنوی، قابلیت این را دارد که به طور مستقل مورد توجه محققان و پژوهشگران قرار گیرد و به عنوان موضوعی اصلی و درجه اول محسوب شود. «کتابشناسی نیایش» نیز کتابی از این دست است که به تازگی از سوی انتشارات بوستان کتاب قم چاپ و منتشر شده است. این کتاب حاوی معرفی توصیفی دویست کتاب درباره دعا و نیایش و فهرست کتابشناختی هزار و چهارصد کتاب نیایشی است. سیدرضا باقریان موحد؛ مولف این کتاب در کارنامه تحقیقی خود تالیف کتاب میراث ادبی علمای شیعه و سردبیری شصت شماره از ماهنامه گنجینه (برگزیده متون کهن) را ثبت کرده است.

صحیفه سجاده نگاشته شده‌اند. تالیف کتابشناسی نیایش از چه زمانی آغاز شد؟ از سال ۱۳۸۳ بنا به پیشنهاد مدیر موسسه دین پژوهی بشاری تدوین و تالیف چند کتاب در قلمرو نیایش پژوهی را آغاز کردم. در ابتدا به مدت یک سال حدود ۵۰۰ کتاب با موضوع نیایش به دقت مورد مطالعه و تامل قرار گرفت و از مطالب مهم آنها فیش برداری شد. دو سال نیز صرف بازبینی و کارشناسی فیش‌های استخراجی و تدوین آنها در قالب چهار کتاب شد. جلد اول این مجموعه با عنوان کتابشناسی نیایش توسط انتشارات بوستان کتاب قم چاپ شد و جلد‌های دیگر نیز توسط ناشران دیگر تا پایان امسال به چاپ خواهند رسید.

آیا کتابشناسی نیایش، پاسخگوی همه نیازهای محققان این عرصه هست؟ خیر. این کتاب معرفی توصیفی دویست کتاب مهم نیایشی به صورت الفبایی است و این در حالی است که کتابشناسی تاریخی نیایش، کتابشناسی موضوعی نیایش و... نیز بسیار مورد نیاز است.

وجود این کتابشناسی‌ها که هرکدام جنبه و بعدی از موضوع بسیار گسترده نیایش را مورد بررسی و کنکاش قرار می‌دهند، در کنار هم می‌تواند منبع و مأخذی کامل برای محققان باشد.

وجود این کتابشناسی‌ها به شدت ضروری به نظر می‌رسد اما متأسفانه ایجاد آن در اولویت‌های پژوهشی موسسه بشری قرار ندارد و مراکز دیگر نیز مانند دفتر تبلیغات و مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما و... به احتمال قریب به یقین پاسخ مشابهی خواهند داد.

من خیلی علاقه مندم که با حمایت سازمان یا موسسه‌ای، گروه مطالعاتی و تحقیقاتی نیایش پژوهی را با همکاری استادان حوزه و دانشگاه و محققان فرزانه به ثبت برسانم که در آنجا به طور علمی و دقیق تحقیقات نیایش پژوهی را آغاز کنند، اما متأسفانه دست ما کوتاه و خرما بر نخیل.

به سرانجام رسیدن این تحقیقات چه نتایجی را به دنبال خواهد داشت؟ انجام این تحقیقات که ممکن است سال‌ها به طول بینجامد، گنجینه ارزشمندی از پژوهش‌های اسلامی را به ارمغان می‌آورد که می‌تواند مواد خام تالیف یک دایرةالمعارف بزرگ با موضوع نیایش را تشکیل دهد.

تالیف و تدوین دایرةالمعارف بزرگ نیایش، کاری بس ضروری و حیاتی است که باید بزرگان و مدیران مراکز بزرگ فرهنگی، فکری به حال آن بکنند.

ضرورت کتابشناسی نیایش از کجا ناشی می‌شود؟ تحقیق و پژوهش در ادیان و مذاهب، بدون شناخت متون دعایی آن آیین‌ها، ناقص خواهد بود. متون دعای بیشتر ادیان و مذاهب، جزو متون اصلی محسوب می‌شود و شناسایی و استفاده از آنها برای پژوهشگران لازم و ضروری است. از سوی دیگر، شناخت بسیاری از مفاهیم عقیدتی و دینی، بدون بررسی معنای آن مفاهیم در ادبیات دعایی، ناممکن است؛ مثلاً مفاهیمی چون استغاثه، توبه، نیاز، مغفرت، آمرزش، خداجویی و زیباترین جلوه خود را در متون دعایی نشان داده‌اند و تحقیق در مفاهیم عقلی و نقلی و اسرار معنوی ادیان به کمک متون دعایی بسیار دلپذیر و جذاب است.

کتاب‌های دعایی در هر دین و آیین مجموعه‌ای ارزشمند از معارف و دانش‌ها را تشکیل می‌دهند که تحقیق و پژوهش درباره آنها به عنوان نیاز ضروری مطرح است و زیربنای همه این تحقیقات، فراهم شدن این گونه کتابشناسی‌هاست؛ کتابشناسی تاریخی نیایش، کتابشناسی پژوهشی نیایش، کتابشناسی توصیفی نیایش، کتابشناسی تحلیلی نیایش و کتابشناسی انتقادی نیایش.

مجموعه حاضر، کتابشناسی توصیفی نیایش است که در آن مهم‌ترین کتاب‌های دعایی که به زبان فارسی و عربی نوشته یا ترجمه شده و در ایران چاپ یا منتشر شده، به صورت الفبایی معرفی توصیفی شده است. فراهم آمدن کتابشناسی‌های تاریخی، پژوهشی، تحلیلی و انتقادی نیایش نیز بسیار ضرورت دارد که انتشار آن همت فرزنانگان و دانشوران را می‌طلبد.

کتابشناسی نیایش از چه پیشینه‌ای برخوردار است؟ تاکنون کتاب مستقلی با عنوان کتابشناسی نیایش به چاپ نرسیده است و به نظر می‌رسد این مجموعه اولین کار مستقل درباره توصیف کتاب‌هایی نیایش باشد.

اگرچه در آغاز یا پایان برخی از کتاب‌های دعا، تاریخچه‌ای از ادبیات دعا و فهرستی از کتاب‌ها و نسخه‌های خطی آن دعاها آمده است، مانند کتاب تحقیق درباره دعای ندبه، تالیف رضا استادی که در پایان آن فهرستی از مهم‌ترین کتاب‌هایی که درباره دعای ندبه نوشته شده، آمده است.

کتاب‌نامه صحیفه سجاده به کوشش حسین درگاهی و نسخه‌های خطی شروح و ترجمه‌های صحیفه سجاده به کوشش سید محمدحسین حکیم نیز دو کتاب مستقل درباره کتابشناسی نیایش است که به طور اختصاصی درباره

کامپیوتری هر روز رو به پیشرفت و تنوع است و سلیقه هم در آن دخالت دارد نمی‌توان استاندارد برای آن تعریف کرد ولی حداقل این است که باید در طراحی جلد، حرفچینی، صفحه‌آرایی، نوع کاغذ، اندازه قطع، موضوع، جنس، جلد و امثال آن معیارهایی مورد توجه قرار گیرد. این موضوع می‌تواند برای هر ناشری با توجه به حوزه فعالیتش تعریف شود ولی اهمال و ضعف در هر کدام از این موارد باعث می‌شود که خوانندگان از کتاب استقبال نکنند و محتوای کتاب فدای ظاهر آن بشود. رعایت این معیارها هم سود مادی دارد و هم سود معنوی که انسان می‌بیند کاری انجام داده است که مورد توجه مخاطب قرار گرفته و ناشر هم به هدفش رسیده است.

البته غیر از معیارهای ظاهری، معیارهای محتوایی هم خیلی مهم است. یک نویسنده باید در ارائه موضوع مورد بحث به چند نکته به صورت جدی اهمیت دهد مثل «بیان نو» از موضوعی که بارها از طرف دیگران مطرح شده است و یا تحلیل نو یعنی داشتن دیدگاه جدید و ایجاد فضای گسترده در تحلیل و یک موضوع هم «ویرایش مطالب» است. در این مورد باید بگویم که پیش از این ویرایش کتاب در ایران مورد توجه قرار نمی‌گرفت و جای آن همیشه خالی بود مخصوصاً در کتب ترجمه‌ای، ولی در دوره کنونی وضعیت بهتر شده است اگرچه باز هم به این موضوع کم‌لطفی می‌شود و نیاز است که بیشتر به آن اهمیت بدهیم.

اگرچه ناشر به این موضوعات اهمیت جدی بدهد، قطعاً شمارگان متوسط کتاب‌های ما از سه هزار بیشتر خواهد شد و به معیارهای کشورهای پیشرفته نزدیک تر خواهیم شد. یعنی یکی از اهدافی که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در راه ایجاد فرهنگ کتابخوانی دنبال می‌کند.

آخرین سؤال را به مسئله حذف یارانه کاغذ و کارت الکترونیکی خرید کتاب اختصاص می‌دهم، نظر شما در این مورد چیست؟

حذف یارانه کاغذ از اقدامات مثبتی است که به ثبات نشر می‌انجامد اما در مورد طرح کارت کددار باید بگویم این موضوع یکی از طرح‌هایی بود که خوشبختانه امسال با اقدامات بسیار خوب معاونت محترم فرهنگی به صورت گسترده به انجام رسید و این مایه خوشحالی ماست که اقشار مختلف کتابخوان جامعه از اعضای هیئت علمی تا دانش‌آموزان و دیگر اقشار به نسبت استفاده خود بتوانند از یارانه بهره ببرند.

به نظر بنده با حذف یارانه کاغذ، بودجه قابل توجهی به حوزه نشر کشور تعلق می‌گیرد که می‌تواند به شکلهای مختلف دیگری نیز مورد استفاده قرار گیرد؛ مثلاً یکی از مشکلات کتابخوانهای ما نداشتن امکان دسترسی سهل و ساده به کتاب است. یعنی امکانات و دسترسی کتاب در سطح کشور یکسان نیست؛ حتی در تهران هم این گونه نیست. اکنون به انگیزه پاسخ به سؤال شما و به عنوان یک پیشنهاد می‌توانم بگویم که پس از بررسیهای کارشناسی و مشورت‌های لازم با دست‌اندرکاران می‌توانیم با ایجاد فروشگاههای بزرگ کتاب در شهرهای مختلف، سیستم جدیدی از توزیع کتاب را راه‌اندازی کنیم که کتاب چاپ شده در قم و تهران طبق آن برنامه به راحتی در همه ایران توزیع شود و خوانندگان ما دیگر نیاز نداشته باشند که در طول سال برای خرید به تهران بیایند و یا منتظر نمایشگاه بین‌المللی باشند؛ البته فکر می‌کنم زمان آن رسیده باشد که بررسی کارشناسی جدی روی برگزاری نمایشگاههای استانی داشته باشیم تا ببینیم در شرایط کنونی جامعه آیا اگر این بودجه به سمت ایجاد فروشگاههای بزرگ استانی برود بهتر نیست؟

یک پیشنهاد دیگر هم آموزش کتابفروشان است. در کشورهای پیشرفته غالباً فروشندگان در رشته تخصصی خود برای کمک به تولید کننده، فروشگاه و خریداران آموزش می‌بینند از این رو ما هم می‌توانیم با یک بررسی کارشناسانه به این موضوع بیندیشیم.



آسیب شناسی برگردان کتاب از زبان واسط

ترجمه روی پل معلق



می شوند، کتاب‌هایی را دربرمی‌گیرند که در حوزه ادبیات تالیف شده‌اند. به گفته وی نویسنده یک اثر ادبی در اثرش از زبان، عبارات و لحن ویژه‌ای استفاده می‌کند که در ترجمه به سختی می‌توان آنها را انعکاس داد. در ترجمه از زبان‌هایی که حتی خیلی هم نزدیک به یکدیگر هستند، نمی‌توان ویژگی‌های کامل اثر اولیه را منتقل کرد و اگر قرار شود از ترجمه مجدداً ترجمه صورت گیرد اثر با آسیب جدی مواجه می‌شود.

در بین مترجمانی که در ایران به فعالیت مشغول هستند افرادی که به ترجمه آثاری از زبان‌هایی چون چینی، ژاپنی و اسپانیایی بپردازند، بسیار محدود و انگشت‌شمارند و این نکته در نظر حسینی زاد عاملی می‌شود تا به سراغ ترجمه از زبان واسط برویم.

به گفته وی برای ترجمه چنین آثاری که به مترجم ویژه احتیاج دارد می‌توانیم ترجمه این آثار به زبان‌های دیگر را برگردانیم. اما این کار نباید مورد حمایت قرار گیرد و باید مترجمان را ترغیب کرد که تنها به یادگیری یک زبان اکتفا نکنند و به سراغ زبان‌های دیگر نیز بروند.

گرایش ویژه مترجمان ما به استفاده از زبان انگلیسی ظاهراً قدمت چندان طولانی ندارد و به حدود نیم قرن اخیر محدود می‌شود.

تاریخچه‌ای که عبدالعلی دستغیب در مورد رواج زبان‌های گوناگون در ایران ذکر کرد، نشان می‌دهد که قبل از فراگیر شدن زبان انگلیسی، بیشتر از زبان فرانسه برای ترجمه استفاده می‌شد، اما از بعد جنگ جهانی دوم، کم‌کم زبان انگلیسی جایگزین زبان فرانسه و از تعدد نسل فرانسوی دان کاسته شد.

علاوه بر محدودیت مترجمان فرانسوی دان، در دیگر زبان‌های متداول نیز ما با مشکل مواجه هستیم. تعداد افرادی که در زبان‌های روسی، ایتالیایی و اسپانیایی متخصص باشند نیز به شدت روبه کاهش است. در حال حاضر تعداد افرادی که به زبان اسپانیایی مسلط هستند از ۶۰ نفر تجاوز نمی‌کند و این کمبود، آسیبی جدی در ترجمه متون بر جای می‌گذارد.

ترجمه‌هایی که از زبان روسی، ایتالیایی و... صورت می‌گیرد به اعتقاد دستغیب با دستکاری و تغییرات ماهوی زیادی ارائه می‌شوند. و این دستکاری‌ها در ترجمه متونی که به زبان آلمانی تالیف می‌شوند نیز دیده می‌شود.

دستغیب معتقد است که استفاده از زبان‌های واسط در انتقال راز و معنای اصلی اثر بسیار ناتوان است و آسیب‌هایی جدی را متوجه اثر می‌کند. او گفته‌هایش را با ذکر این مثال ادامه می‌دهد که هنگامی شعری یک شاعر آلمانی چون گوته به انگلیسی ترجمه می‌شود مقداری از لطافت، وزن و مفهوم اولیه خود را از دست می‌دهد و اگر از این ترجمه مجدداً ترجمه‌ای صورت گیرد، اکثر معانی و مفاهیم پنهانی، الفاظ، اشارات و معانی ویژه‌ای که آهنگ کلام را می‌سازند دچار آسیب سختی می‌شوند.

دستغیب برای رفع این مشکل راه حلی نیز ارائه می‌دهد. به باور وی باید افرادی را که با زبان‌هایی به غیر از انگلیسی آشنایی دارند، گردهم آورد و به آنها آموزش داد که بتوانند این خلأ بزرگ در حوزه ترجمه را رفع کنند.

ترجمه‌هایی که در ایران از زبان واسط صورت می‌گیرد به طور معمول از زبان انگلیسی استفاده می‌کنند و این در حالی است که بعضی از شاخه‌های علوم از زبان دیگری برخاسته‌اند به عنوان مثال بسیاری از آثاری که در حوزه فلسفه غرب تالیف شده‌اند به زبان آلمانی یا فرانسوی است و اگر قرار شود که از ترجمه انگلیسی این متون مجدداً ترجمه‌ای صورت گیرد بخش اعظمی از محتوای کتاب با مشکل مواجه می‌شود.

سعید فیروزآبادی حتی معتقد است که استفاده از زبان واسط در حوزه ادبیات هم می‌تواند آثار زیانباری به جای بگذارد و بهتر است هر اثری از زبان اصلی خود برگردان شود و تنها زمانی که ناگزیر شدیم به سراغ زبان‌های واسط برویم.

محمود حسینی زاد هم که از حدود یک سال پیش کار ترجمه ادبیات کودک و نوجوان را آغاز کرده، معمولاً از زبان‌های واسط استفاده نمی‌کند و هر اثری را مستقیماً از زبان اصلی برمی‌گرداند.

کتاب‌هایی که در حوزه‌های علمی، سیاسی و جامعه‌شناسی تالیف می‌شوند از نظر حسینی زاد با مشکلی برای ترجمه از زبان واسط مواجه نیستند. آن آثاری که در ترجمه از زبان دوم بیشتر با آسیب مواجه

دقت در ترجمه و نزدیک کردن مفاهیم متن به مفاهیم واضح و دور از ابهام در زبان دوم از مهم‌ترین شرایط یک ترجمه ایده‌آل است.

ترجمه از زبان دوم به دقت و مهارت بالایی احتیاج دارد چرا که بی‌گمان ترجمه در پیشبرد فرهنگ و تمدن جوامع انسانی جایگاه والایی دارد.

در واقع یکی از راه‌های مهم انتقال معارف و علوم در میان ملت‌ها، ترجمه است. چه بسیار کتاب‌های علمی، فلسفی و تاریخی که از طریق ترجمه از شرق به غرب راه یافته و موجب تأثیرات شگرفی شده و چه بسیار آثار مهمی که از غرب به شرق رسیده و این تبادلات همچنان ادامه دارد. از میان تمامی زبان‌های زنده دنیا در ایران بیشتر گرایش به زبان انگلیسی دیده می‌شود و حتی کتاب‌هایی هم که برای ترجمه از زبان دوم انتخاب می‌شوند، معمولاً کتاب‌هایی هستند که به زبان انگلیسی ترجمه شده‌اند و این موضوعی است که سعید فیروزآبادی از آن انتقاد می‌کند.

فیروزآبادی معتقد است که زبان‌ها عامل فرهنگ هم هستند و هنگامی که یک اثر به زبان دیگری ترجمه می‌شود به اصل کار لطمه وارد می‌شود و اگر قرار باشد که ترجمه از زبان واسط صورت گیرد، مسلماً لطمه‌ای که به اثر وارد می‌شود بیشتر است.

ترجمه، برگردان نوشته یا گفته‌ای است از یک زبان به زبان دیگر. این برگردان هنگامی مطلوب خواهد بود که منظور نویسنده یا گوینده زبان اصلی را بی‌کم و کاست و به طور دقیق و در عین حال رسا و شیوا به زبان مورد نظر بازگو کند.

از سویی مترجم باید هم بر زبان متن و هم زبانی که به آن ترجمه می‌کند تسلط داشته باشد و چنین نیست که متنی را انتخاب کند بعد واژه‌نامه را جلوش بگذارد و به ترجمه بپردازد. در اینجا گزینش معنی مناسب از میان معانی گوناگونی که برای یک لغت در واژه‌نامه آمده است، اهمیت بسیاری زیادی دارد. مسلماً اگر مترجم توانایی این کار را نداشته باشد، عملاً رعایت امانت نمی‌شود؛ البته مقصود از امانت در اینجا ترجمه تحت‌اللفظی نیست. چون در مواردی لازم است که مترجم به منظور قابل فهم تر و رساتر ساختن کلام در واژه‌ها، در عبارات‌ها و جمله‌هایی که ترجمه می‌کند، تغییراتی بدهد. بر این اساس عدول از قالب و چهارچوب الفاظ متن خیانت نیست و قابل فهم تر و رساتر شدن ترجمه، چنین کاری را ایجاب می‌کند.

مسائل ذکر شده در بالا در خصوص ترجمه از زبان واسط یا ترجمه از زبان دوم شکل پیچیده‌تری به خود می‌گیرد.

معرفی کتاب

نگاهی به دیوان شمس به روایت بهاء‌الدین خرمشاهی

۴۰۰ گل از گلشن مولانا



«انسانم آرزوست» برگزیده و شرح چهارصد غزل مولانا از دیوان شمس است که به اهتمام بهاء‌الدین خرمشاهی از سوی موسسه انتشارات نگاه منتشر شده است.

خرمشاهی طی پیشگفتاری بر پنج محور از زندگی و آثار مولانا سخن گفته است. وی ابتدا معرفی کوتاهی از مولانا آورده و پس از آن معرفی کوتاهی از شمس تبریزی

ارائه می‌دهد. در سومین گام بر شماری بخشی از ویژگی‌های غزلیات را ذکر کرده و حرف چهارم، سخنی درباره ساختار این گزیده و

معیارهای انتخاب غزل هاست و در پایان اشاره‌ای در یاد و سپاس می‌نویسد.

خرمشاهی در انتخاب غزل‌ها و چگونگی فراهم آمدن این مجموعه می‌نویسد: «کوشش شام و سحر شکر که ضایع نگشت. این کتاب برگزیده و شرح چهارصد غزل شاد و شیرین و شیوا، یعنی یک پیمانانه از طربخانه بیش از سه هزار غزل دلاویز و روح‌انگیز حضرت مولانا جلال‌الدین محمدبن حسین بلخی است که بیش از هفتصد سال صاحب‌دلان فارسی زبان را در ایران و افغانستان و تاجیکستان و سمرقند و بخارا و سراسر فرارود و ترکیه از شهد سخن دیگرگونه خویش شیرین کام داشته است و بیش از یک دهه می‌گذرد که جهان غرب را نیز از شراب روحانی خویش که از خم خسروانی و خرابات معانی و خراب‌آباد معانی است سرمست داشته است.»

خرمشاهی به عنوان شاعر، منتقد و صاحب نظر در عرصه ادبیات کهن و معاصر معتقد است: «غزلیات شمس اوج عرفان شکر آمیز در زبان فارسی است. همچنان که مثنوی مولانا اوج عرفان عقل‌گرایانه

است. در مقیاس عالم اسلام هم که بیندیشیم، می‌بینیم که عرفان نظری ابن عربی گرفتار تخیلات فلسفی و حتی مناقشات اسلامی است اما عرفان عاشقانه ایرانی مولانا حشو و حجاب‌های غیر لازم را از حریم عرفان قابل فهم خود دور کرده است.»

از دیوان شمس در عصر حاضر چندین گزیده چاپ شده که به «شمس‌الحقایی» به قلم رضاقلی خان هدایت، «جذبات الالهیه» از اسدالله ایزدگشسب، «چشمه خورشید» به انتخاب رضاقلی خان هدایت و رضا معصومی، «مکتب شمس» به اهتمام سیدابوالقاسم انجوی شیرازی، «گزیده غزلیات شمس» به کوشش دکتر محمدرضا شفیع کدکنی، «رسول آفتاب» به اهتمام سروش و... می‌توان اشاره کرد.

گزیده و شرح غزلیات مولانا تحت عنوان «انسانم آرزوست» معروف‌ترین و زیباترین غزل‌های مولانا را دربردارد. ضمن این که اوزان گوناگون غزل‌ها، خواننده را با تنوع اوزان کلاسیک بیشتر آشنا می‌کند.



تأملی در روند گزیده سازی آثار ادبی

اقیانوس در آکواریوم



در دنیای امروز که وقت مطالعه روز به روز کمتر می شود، آثار گزیده ادبی می توانند بسیار راهگشا باشند، چه به قول شاعر: «آب دریا را اگر نتوان کشید/ هم به قدر تشنگی باید چشید»

این کتاب های گزیده که به مناسبت های مختلف مورد استفاده قرار می گیرند می توانند استادان، دانشجویان و علاقه مندان ادب پارسی را با ادبیات کلاسیک فارسی آشنا کنند، گرچه گزیده ها تنها محدود به کلاسیک های ادبیات نمی شوند و گاه گزیده هایی تحت عنوان ادبیات معاصر ایران، ادبیات دفاع مقدس، ادبیات زنان و ادبیات مقاومت نیز می تواند به عنوان نمونه، سبب آشنایی مخاطب با این ژانرها باشد با این حال می توان نقدهایی نیز به گزیده ها داشت؛ نقدهایی مثل نگاه شخصی فرد گزینشگر، تقلیل کل به جزء و گاه عادت به سرسری خواندن. به هر رو اهالی ادب نگاه متفاوتی به این نکته دارند.

گزیده های ادبی از دیدگاه عباس براتی پور در درجه اول کمکی برای مخاطب است. در نظر وی مخاطبی که فرصت کافی ندارد تا به مطالعه آثار بزرگان بپردازد با استفاده از گزیده ها می تواند حس کنجکاوی خود را ارضا کند و تا حدودی با صبغه فکری نویسنده و شمایی کلی از اثر وی آشنا شود. در درجه دوم گزیده ها به یاری مولف نیز می آیند. براتی پور سخنانش را این گونه ادامه می دهد: «به ندرت پیش می آید که کیفیتی یکنواخت در آثار مولفان به چشم آید. معمولاً کارها از لحاظ کیفی با نوساناتی روبه رو می شوند و در میان آثار اکثر نویسندگان این ویژگی را می توان سراغ گرفت. این جاست که می توان با استفاده از گزیده ها اثری را به مخاطب ارائه داد که از کیفیت نسبتاً یکنواخت و بالایی برخوردار است و همچنین سطح علمی مولف را در نظر خواننده بالاتر می برد.»

رضا اسماعیلی این نکات را نیز اضافه می کند: «گزیده های ادبی بیشتر مورد استفاده کسانی قرار می گیرد که علاقه چندانی ندارند به مطالعه کامل اثر یک مولف بپردازند.»

به اعتقاد او گزیده ها در حکم دریچه ای هستند که به مخاطب خویش این اجازه را می دهند تا از طریق آنها وارد دنیای ذهنی مولف اثر شود.

اسماعیلی در ادامه می گوید: «بسیاری از مخاطبان ما مشکل پسند هستند و برای انتخاب کتاب و سواس زیادی به خرج می دهند و معمولاً به سراغ کتاب هایی می روند که ارزش ادبی بالایی داشته باشند و از آنجا که گزیده ها از ارزش ادبی برخوردارند، مخاطب به خواندن این آثار گرایش پیدا می کند.»

نتواند نیازهای مخاطب را برآورده کند.» اسماعیلی هم معتقد است اگر فردی که به انتخاب گزیده ها می پردازد از لحاظ اطلاعات ادبی در سطح بالایی باشد و در کارش و سواس به خرج دهد می تواند کمک بزرگی به صاحب اثر و مخاطب او کند و موجب افزایش سطح فهم و درک مخاطب شود. وی همچنین ادامه می دهد: «در کشورمان شاعران بزرگی داریم که گذشت زمان، غبار فراموشی روی آثارشان نشاند و مخاطب جوان امروز در استفاده از آنها بی بهره مانده است. گزیده ها در اینجا نیز می توانند آثار مثبت خویش را به نمایش بگذارند و گرد فراموشی را از روی آثار این بزرگان پاک کنند.» مولفه هایی که برای گزیده های ادبی گروه های سنی مختلف باید رعایت شود از نظر براتی پور تفاوتی ندارد و همه گروه های سنی می توانند از یک گزیده استفاده کنند اما خرمشاهی با این نظر موافق نیست. از دیدگاه او هر گروه سنی شرایط ویژه خود را دارد و برای انتخاب گزیده باید به این شرایط توجه شود. اسماعیلی هم در پاسخ به این سوال که آیا گزیده ها برای گروه های سنی مختلف شرایط متفاوتی می طلبد می گوید: «مطمئناً همین طور است. کودکان و بزرگسالان دو گروه سنی هستند که از لحاظ سلیقه بسیار از هم دورند پس نباید انتظار داشت که یک گزیده ادبی، مورد استفاده هر دو گروه قرار گیرد و نتایج مثبتی نیز به جا گذارد.»

اسماعیلی صحبت هایش را با ذکر مثالی ادامه می دهد: «گزیده ای که از اشعار حافظ برای گروه سنی کودکان تهیه می شود با گزیده ای که برای بزرگسالان در نظر گرفته می شود از هر جهت متفاوت است. برای کودکان اشعاری گلچین می شود که باب آشنایی آنها را با حافظ باز کند و آنها را علاقه مند کند

تا در سنین بالاتر به سراغ دیوان اصلی بروند.» استفاده از عنوان گزیده اگرچه معمولاً برای کتاب هایی که به نظم هستند مورد استفاده قرار می گیرد اما براتی پور تأکید می کند که این کار نمی بیند و معتقد است که برای داستان های کوتاه نیز می شود از این عنوان استفاده کرد. خرمشاهی نیز فرقی بین نثر و نظم نمی بیند اما رضا اسماعیلی به گونه ای دیگر به موضوع می نگرد. وی می گوید: «گزیده عنوانی است که بیشتر در حوزه ادبیات مورد استفاده قرار می گیرد و معمولاً برای شعر و داستان کوتاه در نظر گرفته می شود. به تازگی از این عنوان برای نثر ادبی هم استفاده می شود که البته هنوز این استفاده رواج نیافته است.» اسماعیلی همچنین خاطر نشان می کند که برای خاطره های بزرگان نیز می شود از عنوان گزیده استفاده کرد.

در نظر می گیرد: مخاطب عام، مخاطب کودک و جوان و دسته سوم را به گروهی اختصاص می دهد که فرصت و وقت کافی ندارند تا به کتاب اصلی رجوع کنند و بیشتر علاقه مند هستند تا از گزیده های ادبی بهره ببرند.

به اعتقاد وی استفاده از گزیده ها برای دو گروه اول نیز سودمند به نظر می آید، چرا که به آنها این اجازه را می دهد تا با خودآموزی در سنین بالاتر به سراغ اصل اثر بروند و از آن بهره مند شوند.

درباره کسانی که به انتخاب گزیده ها می پردازند از عباس براتی پور بشنوید که می گوید: «افرادی باید دست به این گزینش بزنند که صلاحیت لازم را داشته باشند و بتوانند از تأثیرگذاری سلیقه شخصی شان در انتخاب آثار جلوگیری کنند، در غیر این صورت امکان دارد از ارزش ادبی کار کم شود و

خرمشاهی صحبت هایش را با اشاره به افرادی که به کار گزینش قطعات ادبی مشغول هستند شروع می کند. او معتقد است کسی باید به این کار بپردازد که احاطه و تسلط کامل به متن اثر را داشته باشد و همچنین بتواند گزیده ای را ارائه دهد که امروزی پسند باشد.

او در توضیح بیشتر می گوید: «لزومی ندارد گزیده ای که انتخاب می شود دقیقاً چکیده ای از متن اصلی باشد. کسی که به انتخاب این گزیده ها می پردازد می تواند به جای عبارت های دشوار متن اصلی از معنی آن استفاده کند و یا اگر نظمی را به نثر تبدیل می کند از واژگانی استفاده کند که مخاطب برای فهم معانی آن با مشکل روبه رو نشود.»

مخاطبان آثار ادبی نیز مورد ارزیابی خرمشاهی قرار می گیرند. او این دسته بندی را برای مخاطبان

رادیو روی موج کتاب

یوسف داوودی: دفتر پژوهش های رادیو که همواره در عرصه رسانه و به ویژه رادیو، کتاب های درخور تأملی را منتشر کرده است. بسیاری از این آثار می توانند علاوه بر آن که مورد استفاده اهالی حرفه ای رسانه قرار گیرند در آموزش دانشجویان این رشته نیز مناسب باشند. از جمله این کتاب ها می توان به «واژه نامه برنامه سازی رادیویی» اشاره کرد که کتابی است به قلم عادل صادقی. مولف این کتاب کوشیده است که واژه های تخصصی رسانه ای را به دور از تعاریف رایج و گاه غلط آنها در اختیار مخاطب قرار دهد. بر این اساس نویسنده با هدف یاری رسانی به همه کسانی که به نوعی با برنامه سازی رادیویی در ارتباطند، مختصری از واژه های متداول در صدا را با ارجاع به منابع مختلف گردآوری و تعریف کرده است. این کتاب در ۷۹ صفحه و به قیمت ۷ هزار ریال منتشر شده است.

شایسته اسماعیل پور. این اثر را می توان اولین کتابی برشمرد که به موضوع زن و رادیو پرداخته است. نویسنده، زنان و رادیو در اجتماع راه هسته کتاب قرار داده است. او تفاوت های رادیویی و نابرابری های اعمال شده بر زنان دست اندرکار این صنعت در غرب را مورد بررسی قرار می دهد. این کتاب راهنمایی ها، توصیه ها و اطلاعات مفید را به زنانی که مایلند در رادیو به کار بپردازند در اختیار آنها می گذارد. «زن در رادیو» در ۴۴۱ صفحه و به قیمت ۳۰ هزار ریال منتشر شده است.

«سور و سوگ در فرهنگ عامه لرستان و بختیاری» از دیگر عناوین منتشر شده در دفتر پژوهش های رادیو است. این کتاب پژوهشی چنانچه مولف آن نیز آورده از آن سبب تحقیق یافته که هر دم بیم آن می رود تا با گذشت زمان و ماشینی شدن زندگی، بدیع ترین میراث فرهنگی این قوم ایرانی به فراموشی سپرده شود. این کتاب توسط محمد حنیف، پژوهشگر مرکز تحقیقات صدا و سیما نوشته شده است.

«فنون مصاحبه رادیویی» از دیگر تازه های دفتر پژوهش های رادیویی است. آنچه که در این کتاب راجع به آن صحبت می شود، تنها گوشه ای از چیزی است که می توان درباره هنر مصاحبه و فنون آن گفت. آنچنان که مولف نیز آورده، مصاحبه در رادیو از جایگاه و موقعیت ویژه ای برخوردار است که آوردن تمام فنون آن در یک کتاب میسر نیست. در مصاحبه رادیویی، غالباً فرد مصاحبه کننده به عنوان طیف وسیعی از شنوندگان سعی دارد سوالاتی را مطرح کند که راجع به موضوعی خاص مطرح و از سویی دغدغه مخاطبان آن برنامه نیز هست. این کتاب در پنج فصل، ماهیت مصاحبه رادیویی، روش های آن، انواع مصاحبه، چگونگی کسب اطلاعات لازم و مکان مصاحبه و چگونگی انجام مصاحبه را به مخاطب می شناساند. «فنون مصاحبه رادیویی» در ۱۲۱ صفحه و ۱۰ هزار ریال عرضه شده است.

«زنان و رادیو» نیز عنوان کتابی است به قلم کارولین میشل به ترجمه



آسیب شناسی کتاب های نقد ادبیات داستانی

قصه ما به نقد رسید

رسم نبود که کتاب های جدید را نقد کنند. چند نفری که در دوره مشروطه پیدا شدند و نقد کردند نیز بیشتر از ادبیات کلاسیک مثل فردوسی، حافظ، مولوی و... صحبت می کردند. نقد آثار معاصران از حدود شصت سال پیش رایج شد. اگر پیش تر رایج بود هم بسیار محدود بود؛ مثلاً در مجله موسیقی چند قطعه انتقادی توسط نیمایوشیج نوشته شد؛ اما بعدها نقدنویسی جریان رسمی شد و مطبوعات انتقاداتی درباره نویسندگان معاصر به دست دادند. دستغیب نوشتن کتاب نقد درباره نویسندگان معاصر را از سال ۴۰ به بعد ذکر می کند که خود او نیز در آن زمان به فکر این افتاد که آثار نویسندگانی چون محمدعلی جمالزاده و شاعران آن دوره را در کتابی منتشر کند.

دستغیب نقدهای روزنامه ها را از این لحاظ که جنبه ژورنالیستی دارند و برای عوام و گروه روزنامه خوان نقد نوشته می شود، جدی نمی داند و اعتقاد دارد که نقدهای جدی تر در مطبوعات و مجلات ویژه باید چاپ شود.

وی نقدهای مطبوعاتی از این جهت که روی سخنشان با مردم عادی است را از نظر مرتبه انتقادی پایین تر می داند و در عین حال یادآور می شود ممکن است بعضی افراد باشند که در مطبوعات مقالات انتقادی بنویسند که دارای سبک و اسلوب خاصی باشد؛ اما عموماً نقدهای ژورنالیستی اعتبار چندانی ندارند.

دستغیب نقد در مطبوعات معتبر دنیا را دارای اعتبار می داند؛ نشریاتی چون لوموند یا تایمز که نقدهای بسیار جدی ای دارند و نویسندگان و منتقدان حرفه ای در آن نقد می نویسند و خوانندگان به این نقدها توجه ویژه ای دارند.

با این حال وی در مجموع اغلب نقدهای ژورنالیستی را جانبدارانه و در سطح بسیار نازلی می داند: «ما باید به این نکته توجه داشته باشیم که در واقع نقد ادبی به معنای بحث مستدل و مستند درباره آثار ادبی و معانی آنهاست که این تعریف کلی درباره همه مباحث نقد ادبی مصداق دارد.»

موضوع هنوز کارکردش را دارد؛ ولی در کشور ما این نکته بسیار کم اتفاق می افتد.

سلیمانی یکی از دلایل منتشر نشدن کتاب های نقد در کشور را خوانندگان اندک این دسته از کتاب ها می داند. به باور وی در سایر کشورها هم کتاب های نقد خیلی طرفدار ندارد؛ اما در برخی از آنها پژوهش در سطح دانشگاهی وجود دارد حال آن که در کشور ما ادبیات معاصر حتی در دانشگاه ها وجود ندارد و گونه های ادبی تازه مثل رمان و نمایشنامه نیز چنان که باید موضوع تحقیق و پژوهش قرار نمی گیرند. وی نبود نفع مالی در چاپ اغلب آثار ادبی را دلیلی بر پا نگرفتن نقد ادبی در کشور می داند که به دنبال این موضوع به ادبیات جدید هم کم پرداخته می شود.

نقد یا دوباره نویسی؟

نکته ای که در کتاب های نقد باید به آن توجه داشت این است که نقد آثار که به صورت کتاب منتشر می شود، با نقد روزنامه ای متفاوت است؛ چرا که روزنامه ها بیشتر خوانندگان عام دارند و نقدهای تخصصی در آنها مورد توجه خوانندگان نخواهد بود. از این رو اگر نقد اثری به صورت کتابی منتشر شود، باید کاملاً سیستماتیک باشد. البته باید به این نکته نیز توجه داشت که به دلیل دیجیتال شدن دنیای نوشتاری امروز، نقد مانند گذشته کارکرد ندارد؛ با تمام این احوال نمی توان نقد مکتوب را نادیده گرفت. عبدالعلی دستغیب کتاب های نقدی را که در طول این سال ها نوشته شده، نوشته هایی که اصول انتقادی در آنها رعایت شده باشد نمی داند و اعتقاد دارد که ما باید هنر را با معیارهای هنر بسنجیم.

او بعضی از مقالاتی که به صورت نقد در روزنامه ها در آمده را دارای ارزش ذکر می کند. این نویسنده نوشتن نقد اثری را دلیل بی اهمیتی یا اهمیت داشتن آن نمی داند و تاکید می کند که باید مقاله یا کتاب اصول انتقادی را در نظر گرفته باشد.

وی منتشر نشدن کتاب های نقد درباره آثار جدید را وابسته به نگاهی تاریخی می داند و می گوید: «در گذشته مطبوعات کم بودند، به این دلیل نقد ادبی هم چندان مطرح نبود. در سال های بعد از مشروطه هم

کارکرد نقد را در این می داند که گروهی تعیین شوند، آثاری را بخوانند، ارزیابی کنند و از این طریق درباره کتاب هایی که ارزش ادبی لازم دارند نقد نوشته و آن را مورد ارزیابی قرار دهند. سپس خوانندگان می فهمند که چه کتابی مناسب است و چه کتابی مناسب نیست.

به گفته او به دلیل پیشرفت فناوری در دنیای امروز، نقد کارکرد گذشته را ندارد و در جهان حضور با انتقاد اساسی مواجه شده است؛ به دلیل این که توزیع کتاب و معرفی آن دیجیتالی شده و خیلی اوقات خوانندگان ذیل داستانی که می خوانند، نظر خود را اظهار می کنند در نتیجه این کارکرد خیلی دقیق انجام می شود.

وی امروزه حضور نقد در روزنامه و نشریات را چندان موثر نمی داند؛ مگر این که کسی که کتاب را نقد می کند آدم شناخته شده ای باشد؛ ولی این که تصور کنیم گروهی در رسانه ها نشستند که به خوانندگان از قبل بگویند که چه کتابی بخوانند با توجه به سرعت انتشار کتاب، قابل اعتنا نیست. از همین رو، او نقدهای روزنامه ها را به دلیل فرصت اندک برای خواندن، شتاب زده می داند که در حال حاضر در ارزشمند بودن آنها جای تردید است. سلیمانی نقد روزنامه ای را که به خواننده برای فهمیدن ارزش اثر کمک کند، نقد ناسالمی توصیف می کند؛ چرا که بعضاً در این باره سوء استفاده هایی می شود؛ مثلاً کتابی منتشر می شود و دوستان و همفکران نویسنده نقدی می نویسند و در روزنامه چاپ می کنند که در واقع این روش کارکرد تبلیغی دارد و مردم خواسته یا ناخواسته به این کارکرد توجه ندارند و آن را جدی نمی گیرند. البته نقد کارشناسان تراز بالا را از این مقوله مجزا می کند.

این داستان نویسی و منتقد ادبی یکی دیگر از کارکردهای نقد را روشن کردن وجه پنهان و ابهام آمیز آثار می داند که گروهی کارشناس این ابهام ها و ابهام ها را برای خواننده روشن کنند. این کارکرد از دوره ارسطو رایج بوده است که به خواننده بفهمانند که ابعاد ناشناخته کتاب را بشناسد. این

نقد ادبیات داستانی از جمله موضوعاتی است که در دهه های اخیر بحث های فراوانی را در کشور ما به دنبال داشته است. گفته می شود که نقد صحیح و اصولی در پیشرفت ادبیات ما تاثیر فراوانی خواهد داشت اما امروزه متأسفانه کمتر شاهد نقدی با این شاخصه ها هستیم. یکی از مسائلی که در زمینه نقد می تواند کارساز باشد، انتشار کتاب های نقد توسط منتقدان است. این اتفاق البته در سال های گذشته درباره ادبیات دهه های گذشته ما افتاده و درباره آثار نویسندگان و شاعرانی چون محمدعلی جمالزاده، نیمایوشیج، مهدی اخوان ثالث، سهراب سپهری و... کتاب نقد منتشر شده است؛ اما درباره آثار داستانی یا شعر که در این سال ها منتشر شده باشد، کمتر شاهد این اتفاق بوده ایم و بیشتر نقدهای آثار ادبی ما منحصر به روزنامه ها و مجلات شده اند.

محمد رضا گودرزی دلیل منتشر نشدن کتاب های مستقل در حوزه نقد کتاب را وابسته به نشر می داند و معتقد است که کتاب های نقد ادبیات داستانی چندان مورد استقبال ناشران نیستند. این منتقد ادبی معتقد است که حتی اگر منتقدان بدانند که نقد اثری به صورت کتاب منتشر می شود؛ حتماً دنبال این کار خواهند رفت؛ اما نقد آثار نویسندگان معاصر به ندرت چاپ می شود. در واقع درباره این که چرا کتاب نقد منتشر نمی شود، ناشران باید پاسخگو باشند. اگر آنها به دنبال این آثار باشند؛ قطعاً در این زمینه کسانی قلم خواهند زد.

وی آنچه را که امروز در کشور ما به نام نقد منتشر می شود، اصیل نمی داند و دلیل آن را هم نداشتن منتقد حرفه ای که به شکلی ساختاری به نقد بپردازد و وقت بگذارد و تکلیف خواننده را روشن کند، می داند.

به باور گودرزی ما منتقد در حوزه تک داستان هم کم داریم؛ منتقدی که تفکر علمی و معینی داشته باشد و در حوزه تک داستان نقد بنویسد. در واقع منتقدان ما بیشتر به کارهای کلی می پردازند.

وی در عین حال روزنامه را جای مناسبی برای نقدهای حرفه ای نمی داند؛ چرا که مردم بیشتر روزنامه را برای خبر می خوانند و کسانی که برای روزنامه ها نقد می نویسند به این نکته توجه ندارند. این منتقد البته اهداف روزنامه ها را هم پرداختن به نقد به صورت حرفه ای نمی داند و به این دلیل از نظر او طبیعی است که روزنامه جای نقد نباشد؛ بلکه بیشتر جای معرفی آثار باشد.

وی پرداختن نقد در مجلات ادبی را اصولی تر و دارای کارکرد بیشتری می داند و البته بر این نکته تاکید دارد که اینک نقد در مجلات نیز اعتبار چندانی ندارد؛ هر چند نقد در مجله ماندگارتر است.

وی اشکالات عمده نقد در کشور ما را نبود نقد علمی می داند و به استناد این موضوع نقدهای موجود حتی در قالب کتاب را حسی، عاطفی و از سنخ تاویل متن ذکر می کند.

رابطه نقد و خوانش

یکی از مسائل مطرح در زمینه نقد در کشورمان کارکرد نداشتن نقد است. در برخی جوامع نقد اثر در جذب خوانندگان بیشتر تاثیر دارد؛ زیرا در این جوامع، نقد بر اساس نظریه های نقد ادبی و همچنین توسط منتقدان حرفه ای و شناخته شده نوشته می شود؛ اما نقدهای ما بیشتر توسط کسانی نوشته می شود که در این زمینه تخصص نداشته و بیشتر اظهار نظر شخصی است؛ از این رو بخش زیادی از آنچه به عنوان نقد در کشور ما نوشته می شود مدح یا مذمت نویسنده است و از طرف دیگر برخی منتقدان به این نکته واقف نیستند که ایراد گرفتن یا پیدا کردن پیام اخلاقی در حوزه کار منتقد نیست.

به همین جهت است که محسن سلیمانی جهت گیری بسیاری از نقدها را اشتباه دانسته و



دو طنین تازه از نی مولانا

«خلاصه مقالات همایش بین المللی بزرگداشت هشتصدمین سال تولد مولانا جلال الدین محمد بلخی رومی» به اهتمام غلامرضا اعوانی از سوی موسسه خانه کتاب با همکاری موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران چاپ و منتشر شده است. به مناسبت هشتصدمین سال تولد مولانا سازمان یونسکو بنا به پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران سال ۲۰۰۷ را در سراسر جهان سال مولانا نامگذاری کرد و به همین انگیزه در اغلب کشورهای جهان کنگره ها، بزرگداشت ها و مراسمی با حضور مولوی پژوهان و اندیشمندان برگزار شد.

در پی فراخوانی، ۴۵۰ خلاصه مقاله از سراسر کشور به دبیرخانه فرستاده شد. علاوه بر این حدود ده تن از مولوی پژوهان داخل کشور و به همین تعداد مولوی پژوهانی از سراسر جهان خواسته شده که خلاصه مقاله خود را به دبیرخانه همایش ارسال کنند.

آنچه که در این کتاب ۴۷۰ صفحه ای آمده، خلاصه مقالات همه مولوی پژوهان و پژوهشگران ادبیات عرفانی است که در زمینه شناخت مولانا نگاه تازه ای دارند.

در این مجموعه، مقالات نویسندگانی از جمله کامل احمد نژاد، حسن تاجبخش، سیداحمد حسینی کازرونی، بهاء الدین خرمشاهی، سیدموسی دیباج، محمدرضا راشد محصل، محمدرضا ریخته گران، سیدمهدی زرقانی، قطب الدین صادقی و... به چاپ رسیده است.

چهره هایی چون پل بالانفه، آتوپا پانده، یانیس ایشوتس، اسلوبودان ایلچ، ماساناکا تاکه شیتا و... از دیگر کشورها نیز مقالات خود را در زمینه آثار مولانا به این مجموعه ارائه داده اند.

عناوین مقالاتی که در کتاب مذکور جمع آوری شده نشان دهنده آن است که آثار مولانا از منظرهای متفاوت و متعدد و گاه متضاد مورد بررسی قرار گرفته است. مروری بر عناوین این مقالات چگونگی مباحث مطرح شده را بهتر روشن می کند.

فلسفه و اخلاق پزشکی از دیدگاه مولانا، وحدت دینی در مثنوی، انواع عقل در مثنوی، مرگ از نگاه مولوی، مثنوی مولانا و حقایق قرآنی، ایمان و کفر در مثنوی، سیمای پیامبر اعظم (ع) در آثار مولانا، سیر و سلوک مولانا و... عناوین برخی از مقالات کتاب است. خانم میرشاه ولد در مقاله «بررسی تعلیم و تربیت در مثنوی» می نویسد: «مثنوی به مصداق کلام بزرگان، سراسر مشحون از تعلیم و تربیت است. مولانادر خلال اشعار خود و اغلب در قالب حکایت و تمثیل؛ به طور غیرمستقیم اندیشه و معانی ژرفی را القاء می کند و در خلال این مطالب ضمنی می توان راهکارهایی در زمینه دگرگونی مطلوب بشر و تجدید نظر در تجارب گذشته وی یافت.»

مریم حسینی در مورد یار غار مولانا در دیوان شمس به بررسی رمز و راز شاعری می پردازد و می نویسد: «از ترکیبات شعر فارسی که بارها مورد استفاده قرار گرفته، ترکیب «یار غار» است. این ترکیب برآمده از یکی از داستان های قرآنی و همچنین زندگی پیامبر اسلام است و بیشتر شاعران آن را در همان معنای داستانی آن به کار برده اند و غرض ایشان هم یادآوری ماجرای یاران غار بوده که در

قرآن (اصحاب کهف) آمده و یا اشاره به درون غار رفتن محمد (ص) به همراه ابوبکر یکی از یاران صدیق ایشان، دارد ترکیب یار غار در غزل های مولانا بیش از سی بار (بیشتر از همه شاعران پیش از او) به کار رفته است. زبان نمادین و رمزی مولانادر این غزل ها موجب شده تا مدلول های گوناگونی بتوان برای این ترکیب یافت. حسین خشکبار طی مقاله ای به نام «تأثیرپذیری مثنوی از قرآن مجید» می نویسد: «در ادب کهن فارسی کتابی نمی توان یافت که به اندازه مثنوی معنوی از قرآن مجید تأثیر پذیرفته باشد و در بیان اندیشه های بلند عرفانی، آیات قرآنی را در نظر بگیرد. با توجه به حجم عظیم آیات و معانی قرآن کریم در مثنوی است که بیشتر مولوی شناسان و شارحان این اثر بی نظیر، آن را نوعی تفسیر عرفانی قرآن مجید می دانند و بر این باورند که معانی مثنوی جز معانی کتاب آسمانی چیز دیگری نیست.» در هر حال مطالعه خلاصه مقالات اندیشمندان و مولوی پژوهان در این کتاب خواننده را با وجود گوناگون اندیشه و آثار مولانا آشنا می کند و دانش و آگاهی مولانا را در علوم مختلف از دین و فلسفه تا هنر و زیبایی شناسی نشان می دهد. این کتاب در قطع رقیعی با قیمت ۴۵۰۰ تومان در دسترس علاقه مندان قرار دارد.

مقاله های همایش داستان پردازی مولانا
انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی همایشی تحت عنوان «داستان پردازی مولوی» برگزار کرد که دانشگاه تربیت مدرس و موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران در برگزاری آن همکاری کردند. مقالات ارائه شده در این همایش در کتابی به اهتمام دکتر محمد دانشگر فراهم آمده که توسط خانه کتاب با همکاری انجمن زبان و ادبیات فارسی چاپ و منتشر شده است.



در مقدمه این کتاب آمده: تا موعود مقرر ۱۰۱ مقاله درباره داستان پردازی مولوی به دبیرخانه همایش رسیده بود که کمیته علمی پس از بررسی نظر داوران فقط ۲۶ مقاله را برگزید و از بین این مقالات ۱۲ مقاله برجسته تر را پیش از این در ویژه نامه «داستان پردازی مولوی» فصلنامه پژوهش های ادبی (شماره ۱۶) به چاپ رسانده و ۲۴ مقاله باقیمانده را نیز اکنون در این کتاب به علاقه مندان عرضه می کند.

در کتاب مذکور استادان و مولوی پژوهانی مانند اصغر اسماعیلی، منوچهر اکبری، شهره انصاری، محمدصادق بصیری، حسین بیانلو، بهناز پیامی، میترا پیشوازاده، محمد تقوی، حسینعلی قبادی، مریم کهنسال، کاظم موسوی، محمدرضا نجاریان و... حضور دارند.

عناوین برخی از مقالات در این کتاب از این قرار است: مفهوم نمادین آتش در مثنوی، تحلیل قصه شیر و نخجیران، پژوهشی در نمادپردازی، آیات مثنوی چند صدایی است؟ مثنوی و گفت و گوی چند آوا، تأثیر الگوی قرآنی «شیطان» بر دیدگاه اجتماعی مولانا در مثنوی، بن مایه های پسامدرنیسم در مثنوی مولوی، شخصیت پردازی و ایجاد ارتباط با مخاطب در مثنوی، تحلیل کهن الگویی پیر جنگی و...

حسن بیانلو در مقاله «آیا مثنوی چند صدایی است؟» می نویسد: «در نگاه اول به نظر می رسد مثنوی متنی چند صدایی است. عناصری بنیادین در متن وجود دارد که این نظریه را تقویت می کند. یکی آن که راوی (مولانا) بسیاری از مناسبات محکم و قطعی حکایات، امور و وقایع آشنا را (برای مخاطب) در هم می ریزد و جایگاهی نسبی با تعریف مولانا به آنها می دهد. دومین نکته این است که به اعتقاد راوی حقیقت تمام در قبضه کسی نیست و هر کس یا هر ملت بهره ای از آن دارد. این عناصر که در سراسر متن ریشه دوانده است، لامحاله به طنین افکندن صداهای مختلف در متن راه می برد.»
دکتر حمید عبداللهیان عضو هیئت علمی دانشگاه

اراک در مقاله بن مایه های پسامدرنیسم در مثنوی مولوی می نویسد: «زیربنای فکری و شرایط فرهنگی که مولانا به عنوان نقطه اوج عرفان اسلامی و ایرانی برجسته ساخته است با زیربنایی که جریان پسامدرنیسم را به وجود آورده و گروهی از نویسندگان را به نوشتن گونه ای متفاوت از داستان واداشته، کاملاً متفاوت است. اما این دو ریشه متفاوت، محصولی مشابه تولید کرده که به این شباهت ها پای می فشاریم. مولوی فرزند ناب عرفانی اسلامی-ایرانی است، در نتیجه باید زیربنای اندیشه متفاوت او را در این آبشخور جست.»

«حکایتی از مولانا و رمان کیمیاگر کوتیلو بر اساس ساختارشناسی تطبیقی» عنوان مقاله ای به قلم فرزند قائمی است که در این همایش ارائه شده است.

قائمی در مطلب خود می نویسد: «رمان کیمیاگر یکی از پرفروش ترین آثار ادبی پایان هزاره دوم اثری است که از حکایتی متعلق به دفتر ششم مثنوی مولانا اقتباس شده است. در این جستار با رویکردی ساختارگرایانه، ضمن مقدمه ای درباره کوتیلو و خلاصه طرح رمان کیمیاگر به تحلیل ساختاری حکایت مذکور پرداخته، درباره مأخذ این حکایت نیز بر اساس همین دیدگاه ساختاری بررسی کرده، سرانجام به ساختارشناسی تطبیقی رمان کوتیلو و حکایت مولوی پرداخته ایم تا ضمن مقایسه ای به ترسیم الگویی بپردازیم که کوتیلو را در گسترش طرح حکایت مولانا به یک رمان موفق کمک کرده است.»
در هر صورت کتابی که حاوی مجموعه ۲۴ مقاله از همایش داستان پردازی مولوی است، چاپ و به بازار عرضه شده است. مطالعه این مقالات به مخاطبان آثار مولانا کمک می کند تا نسبت به شخصیت مولانا و آثارش شناخت عمیق تر و متنوع تری پیدا کنند. دانشجویان و استادان رشته زبان و ادبیات فارسی از بازخوانی این مقالات بی نیاز نیستند. این کتاب در ۵۳۳ صفحه و در قطع وزیری به قیمت ۵۳۰۰ تومان چاپ و منتشر شده است.





افسانه نجاتی از برگردان کتاب "پروسلوگیون" اثر آنسلم قدیس گفت

پا به پای واژه ها بر لبه تیغ

نمی دانم جواز ماندنم در این وادی باطل می شود و یا تمديد؟ اما کم کم دارم می فهمم که چرا آثار کلاسیک دست اول از این جنس و نوع، در پستوهای تاریخ دارند خاک می خورند و کسی به سراغشان نمی رود. برگردان متونی از این دست که سرو کارش با وجود است و تعالی مگر جز به لرزش سرانگشتان خیال و خون دل و اشک چشم ممکن می شود؟

سخنی ترجمه این آثار از کجا ناشی می شود؟
کار مترجم آثار کلاسیک فلسفی و کلامی از آنجا دشوارتر می شود که این متون ذو وجهین هستند، یعنی از یک سو در جایگاه متون نظری دقت فوق العاده ای را می طلبند و کوچکترین خطایی را بر نمی تابند و چنانچه ترجمه ای نسبت به این وظیفه محتوم، سهل انگاری و بی اعتنائی کند، قطعاً به این جرم از جرگه آثار مانا رانده می شود. از سوی دیگر این متون جلوه ادبی نیز دارند یعنی می توانند از حیث سبک نگارش و شیوه بیان آنها را در ژانر ادبی بگنجانیم. همه ما گاه ترجمه های متعددی از یک اثر را خوانده ایم اما از آن میان ترجمه ای را به خاطر سپرده ایم که بیشتر به دلمان نشست است. این اتفاق وقتی می افتد که پای انتخابی شورمندانه در میان آید. مترجم با متن همدل شود و لاجرم همزبان! گرچه در نظر داشتن این هر دو وجه در یک اثر بی شباهت به راه رفتن بر لبه تیغ نیست.

آتشین است که نه تاب پوشیدنش را دارد و نه امکان فرو گذاشتنش را. نمی تواند چون دیری نمی باید که درمی یابد برگردان آثاری از این دست کوششی مضاعف می طلبد.

حرف زدن از زبان مبدأ و مقصد و باید و نیاید ها را دیگران گفته اند و چه بجا! اصولاً واژه واژه این گزاره اسمیه تأمل برانگیز است که ترجمه ماجرای دارد و نشر ماجرای دیگر! آثار و ذخایر فرهنگی مقوله ای هستند و از آن میان کلاسیک ها البته مقوله ای خاص تر! تازه وقتی به فلسفه و الهیات می رسیم اصل ماجرا شروع می شود! جایی مثل یک بزنگاه، جوری مثل یک خطر! خطر بودن یا نبودن اگر هملت وار بخواهیم حرف بزنیم؛ اتاق شیشه ای مترجم، به او فرصت گریختن از چنگال نگاههای تیز خواننده را نمی دهد. می گویم خواننده و پیداست که مقصودم چه سنخ خواننده ای است. کسی که ذائقه تربیت یافته دارد، آسان گیر نیست! با هر متنی آن هم از مجرای قلم هر مترجمی عقد اخوت نمی بندد، می داند کی و کجا، کدام کتاب را بگشاید و یا فرو گذارد. شاید هم از سر خشم به کنجی پرتابش کند، رسوا کند و نبخشاید...
واکنش اهالی اندیشه به برگردان تخصصی این آثار چیست؟ تصور می کنید متون دست اول برای ترجمه چه مشکلاتی دارند؟
هنوز نمی دانم اهل نظر مرا می بخشایند یا نه؟ هنوز



تنگناهای آن روزگار، مسحورم کرد و باز هم آستین بالا زدم.

پروسلوگیون در اصل خود به معنای نطق است. اما به هر حال هر نطقی یک زمینه پیدایش دارد. به عنوان اولین سوال بفرمایید که این کتاب محصول چه شرایط فلسفی یا دینی در الهیات فلسفی است و مهمتر از همه آنسلم برای اثبات وجود خداوند چه ادله ای اقامه می کند؟

همان طور که شما هم گفتید پروسلوگیون به معنای نطق است. این نطق بنا به ترغیب برخی از برادران ایمانی آنسلم به رشته تحریر درآمده است. آنسلم برای اثبات بدهاوت وجود الهی از ادله عقلی استفاده می کند و درمی یابد که ایمان به منزله چراغ هدایتی است که در پرتو آن می توان به کنه حقیقت نائل شد و از بیراهه در امان ماند.

ایمانی که آنسلم بر آن پافشاری می کند چه ویژگی هایی دارد؟

وی استدلال را ابزار عقل می داند. اما ابزاری که در کوره ایمان گذاخته و آبدیده شود، کارآمد نخواهد بود. به علاوه، وی ایمان را محل استقرار نمی داند و معتقد است به محض نیل به ایمان نباید در آن مرحله بمانیم. آنسلم در یک کلام ادراک را اجر محتوم ایمان محض می داند. چنانچه به قول آلکساندر کویره، ایمان درصدد معرفت، ایمان مقرون به معرفت نیز هست.

معمولاً نشر کتاب های فلسفی و برگردان آنها طی سال های اخیر با چالش های بسیاری همراه بوده و هست، از سویی برخی از منتقدان غیر تخصصی شدن ترجمه این دسته از متون اصرار دارند و از سوی دیگر برخی معتقدند زبان فارسی صبغه فلسفی ندارد. به باور شما معضل اصلی برگردان این دسته از آثار چیست؟

فکر می کنم برای آن که بنده بتوانم در باب موانع و مصائب بر سر راه ترجمه و نشر آثار کلاسیک فلسفه و الهیات اظهار نظر کنم هنوز خیلی زود باشد. برای تجربه اندوزی در این وادی ها ده سال و بیست سال ظرفیت های زمانی اندکی است در برابر کسانی که عمر خود را بر سر این سودا نهاده اند اما برای پوشیدن چالش ها و موانع، تنگناها و مضیقه ها، بضاعت ها و بی بضاعتی ها شاید بشود از همان نخستین گام ها دریافت هایی را داشت. حکایت مترجم در ماجرای ترجمه هایی از این دست، حکایت به بر کردن جامه

کتاب پروسلوگیون یکی از مشهورترین و مهم ترین آثار آنسلم قدیس است. وی در این کتاب برهان وجودشناختی خود را درباره اثبات وجود خداوند ارائه می کند و ضمن آن خدا را به منزله بزرگ ترین وجود ادراک پذیر معرفی می کند و گزاره های خلاف این مدعا را مورد بررسی قرار می دهد. آنسلم در تاریخ تفکر به عنوان کسی که برهان وجودشناختی برای وجود خدا را ارائه کرده معروف است. طبق یک تقریر از این برهان اگر خدا را موجودی تصور کنیم که کمال مطلق است، خدا باید در جهان خارج هم وجود داشته باشد. چرا که کمال اول نمی تواند از وجود داشتن که یکی از وجوه کمال است بی بهره باشد. آنسلم در این اثر خود به تفصیل از این برهان سخن به میان می آورد. کتاب پروسلوگیون که یکی از مشهورترین و مهم ترین آثار آنسلم قدیس به شمار می آید، اخیراً از سوی نشر قصیده سرا منتشر شده است. آنچه در پی می آید پاسخ های افسانه نجاتی مترجم کتاب پروسلوگیون به پرسش های کتاب هفته درباره مباحث این کتاب است.

خانم نجاتی! شما پیش از این، کتاب اعترافات آگوستین قدیس را به فارسی برگردانده بودید و این اولین گام شما در عرصه ترجمه متون فلسفی به شمار می آمد. تقریباً تا چند وقت پیش هم خبری از ترجمه های شما نبود و تصور می شد دست از کار کشیده آید. چه شد که دوباره دست به کار شدید؟

در بیست و چند سالگی وقتی به سراغ آگوستین قدیس رفتم، حیران بودم که چرا متنی با این درجه از قدمت، اهمیت و اعتبار تا کنون به زبان فارسی ترجمه نشده است. ناگفته نماند که نخستین واکنش ها هم نسبت به این تصمیم من چندان از سر اطمینان و حتی مهر نبود که مثلاً مترجمی صالح تر مگر حفظ است برای این کار؟ البته کمی که کار پیش رفت، بدون شناسنامه به قصد پنهان کردن صغر سن نمونه کارم را نزد برخی استادان منصف ارسال کردم و الحق دلگرم کردند! اما بعد در روند کار بود که رفته رفته متوجه شدم از هیچ عبارتی نمی شود باری به هر جهت گذشت. بدون مایه دقت و وسواس نتیجه فیتیر از آب در می آمد. متون فاخر نظم و نثر را باید می خواندی، گاه میراث صوفیه، تاریخ تفکر قرون وسطی، مبانی الهیات، فلسفه و... از آن طرف هم ترجمه های معتبر اعترافات را از

لاتین به فرانسه و بعضاً انگلیسی. دو ترجمه را که از یک اثر واحد می خوانیم تازه در می یابیم که چه اتفاقاتی در این میان روی داده است؟ پس به کدام قول باید اعتماد کرد؟ به کدام معنا باید اکتفا کرد؟ به کدام سیاق، کدام سبک، کدام آهنگ... خلاصه کنم برای حل تمامی این معضلات هزینه گزافی باید پردازی؛ هزینه ای به گرانی نقد عمر و شیریه جان، سال ها و سال ها، نباید امیدوار بود که این نهال به این زودیها به برگ و بار بنشیند. حرفه ای اگر باشی، با معیشت چه می کنی؟ حرفه ای اگر نباشی صلاحیت را از کجا می آوری؟ ترجمه که تمام می شود بیخ و خم نشر آغاز می شود و چرتکه ها از زیر میزها بیرون می آید؟ می گیرد؟ نمی گیرد؟ مبادا مایه های ایمان بسوزد؟ مبادا کار روی دستمان بماند؟ و هزار مبادای دیگر... به هر حال شش - هفت سالی طول کشید تا از این هزار تو عبور کردم. پس از آن بود که سودای ترجمه پروسلوگیون به عنوان تالی اعترافات و نیز بیان مدلل و محکم آنسلم در قرن یازدهم با آن همه

خانه کتاب برگزار می کند:

همایش سیاست جهانی و ایران در آستانه قرن بیستم در: «یکصدمین سالگرد قرارداد ۱۹۰۷»

محورهای همایش:

تلف: سالی نظری

- جایگاه ایران در سیاست جهانی نخستین سال های قرن بیستم
- سیاست خارجی ایران و بازی بزرگ
- روسیه و بریتانیا، از رقابت تا همکاری، علل و پیامدها (با محوریت ایران)

بها ایران، قرارداد ۱۹۰۷، زمینه ها و پیامدها

- نقش قدرت های بیگانه در تکانی مشروطیت
- زمینه ها و علل انعقاد قرارداد ۱۹۰۷
- تأثیر پیامدهای قرارداد ۱۹۰۷ در مناسبات و سیاست های خارجی ایران
- واکنش دولت و ملت ایران به قرارداد ۱۹۰۷ (مجلس شورای ملی، دولت، مطبوعات، انجمن ها و...)
- اثرات و پیامدهای قرارداد ۱۹۰۷ در مناسبات و سیاست خارجی ایران دهه های بعد
- اثرات قرارداد ۱۹۰۷ م بر سرشت و سرانجام جنبش مشروطه ایران
- موانع دولت های دیگر در برابر قرارداد ۱۹۰۷ م (آلمان، فرانسه، ...)

چاب: منبع شناسی و سندشناسی قرارداد ۱۹۰۷ م

لقبوم همایش

- مهلت ارسال خلاصه مقالات تا ۲۰ آذرماه ۱۳۸۶
- مهلت ارسال اصل مقالات تا ۲۰ دی ماه ۱۳۸۶
- زمان برگزاری همایش: ششم و هفتم آذرماه ۱۳۸۶

نشانی دبیرخانه
تهران: خیابان ابوحنبلن - خیابان لایلی نواد - پلاک ۸۵، طبقه اول - واحد ۳۰۲
تلفن: ۶۶۹۶۹۸۶۶



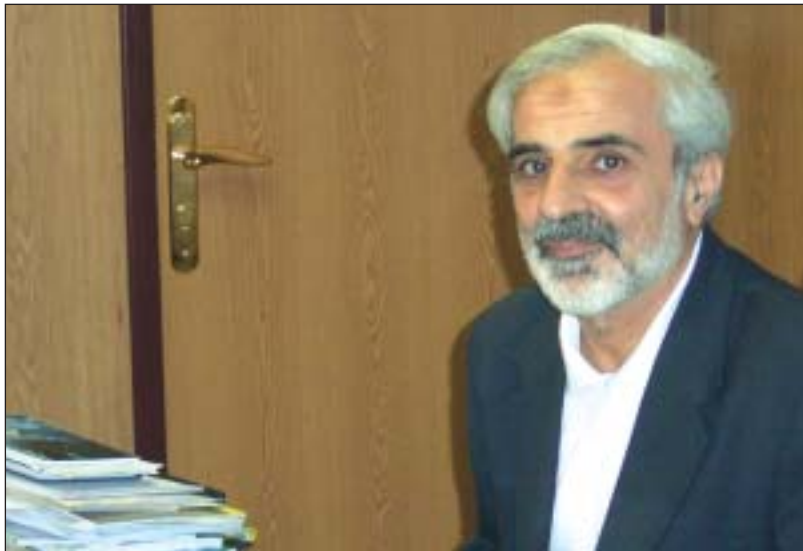
با دکتر محمد مهدی اصفهانی؛ ویراستار کتاب فرهنگ و مصطلحات طب سنتی ایران

اسرار نوشدارو

از کسی کمک نگرفتم اما امیدوارم از این به بعد محققان جوان برای تدوین منابع جامع تر دست به کار شوند.

به هر حال در عرصه تحقیق حتماً به نکاتی برخورد کرده‌اید که دانستن آنها برای خوانندگان کتاب هفته خالی از لطف نیست. لطفاً کمی در این باره بفرمایید.

اتفاقاً چون برای ویرایش و تکمیل کار ناچار از مراجعه به منابع اصلی بودم، نکته‌های جالبی را در خلال کار می‌دیدم. مثلاً چگونگی ورود داروهای ناشناخته از زمان کشف در قاره آمریکا و به قول صاحب مخزن الادویه، ارض جدید و تصوراتی که نسبت به آنجا وجود داشته، و یا این که مثلاً در زمان قدیم در اطراف قم و اصفهان زعفران کشت می‌شد و زعفران اصفهان شهرت داشت و یا این که در مازندران زنجبیل کشت می‌شده. نکته دیگر در مورد حمل شیر بوده که برای جلوگیری از فاسد شدن آن در زمان حمل در ظرف آن مقداری نعناع می‌ریختند و صدها مطلب جالب دیگر که از لحاظ مختلف شایسته بررسی است. مثل ریشه برخی لغات، اشتباهات تکرار شده، برداشت‌های افسانه‌ای از بعضی واقعیت‌های علمی، داستان‌هایی از سفرهای طبی، چگونگی ساخت بعضی مواد شیمیایی، چگونگی طبخ و نگهداری غذاها و...



معمولاً چقدر برای تحقیق وقت می‌گذارید و از چه کسانی در این زمینه کمک می‌گیرید؟

من معمولاً اوقات بیکاری را در دفتر کار خودم در دانشگاه علوم پزشکی ایران مشغول رسیدگی به تحقیقات این کتاب هستم و چون از ابتدای کار به تتهایی مسئولیت آن را به عهده گرفتم، تا پایان هم

حقیقت آخرین جلد از این مجموعه است در دست تصحیح و ویرایش است که امیدوارم تا بهمن ماه بتوانم آن را به انتشارات دانشگاه علوم پزشکی تحویل دهم البته گاهی به دلیل بازخوانی و ویرایش کتاب باید به اصل منابع مراجعه شده و متون با هم تطبیق یابند که این مسئله باعث طولانی شدن کار می‌شود. می‌بینیم که برای کتاب از نثر قدیمی و کلاسیک فارسی استفاده کرده‌اید. آیا بهتر نبود برای روان شدن متن و استفاده آسان تر و صرف وقت کمتر از نثر علمی امروزی بهره می‌بردید؟

در این مورد ذکر چند نکته ضروری است؛ نخست آن که مرحوم میر، در نظر داشت با حفظ اصالت متن، نظرات متفاوت مولفان منابع طب ایرانی را در کنار هم قرار دهد، ضمن این که اگر بنا به تغییر کلمات و سبک نگارش بود، بدون شک این کار در زمان حیات ایشان امکان‌پذیر نبود و به دلیل صرف وقت بسیار حتماً در همان جلد اول متوقف می‌ماند.

دوم این که بسیاری از کلمات به کار گرفته شده، نیازمند بحث مفصل فنی است به گونه‌ای که ما در حال حاضر واژگان مناسبی برای جایگزینی کلمات مندرج در کتاب نداریم، البته بنده هم‌زمان با انتشار جلد اول، یک واژه‌نامه که ناظر بر محتوای جلد یکم بود تهیه کردم که هم‌زمان با آن منتشر شد اما در جلد‌های بعدی با کلمات زیادی برخورد کردم که دیگر فرصت تهیه واژه‌نامه برای آنها را نیافتم. به علاوه به نظر می‌رسد اصولاً این کتاب مخاطب خاص خود را دارد و استفاده از آن برای کسانی که از کلمات و اصطلاحات متداول در طب ایرانی آگاهی نداشته باشند کار آسانی نیست.

شما به عنوان یکی از دست‌اندرکاران طب سنتی ایران، وضعیت این رشته را چگونه می‌بینید و در جریان ویراستاری این کتاب به چه نکاتی در مورد مخاطبان امروزی کتاب برخورد کردید؟

با اتفاقات خوبی که در چند سال اخیر افتاده به خصوص پذیرش دانشجو در رشته طب سنتی از میان پزشکان فارغ‌التحصیل و ایجاد چند مرکز تحقیقاتی در چندین دانشگاه و درگیر شدن چهار دانشگاه معتبر (علوم پزشکی، تهران، شهید بهشتی و شاهد)، همچنین انتشار بیش از ۱۸۰ اثر از آثار گذشتگان طبیبان ایرانی مثل علی بن عباس اهوازی و عقیلی خراسانی، پیش‌بینی آینده روشن و پررونقی برای این رشته دارم.

«فرهنگ و مصطلحات طب سنتی ایران» نوشته مرحوم دکتر محمد تقی میر، از انتشارات دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی ایران کتابی است که بوی عطاری می‌دهد و جمله‌هایش انسان را به یاد حکایت‌های حکیمان قدیمی می‌اندازد. هر چند دکتر محمد تقی میر امروز در میان ما نیست اما حرکت بزرگ و تحقیق عمیق وی به همت دکتر محمد مهدی اصفهانی بی‌نتیجه نماند. به گفته اصفهانی، مرحوم دکتر میر، استاد دانشگاه شیراز، نخستین جراح فارغ‌التحصیل استان فارس، نویسنده کتاب‌های پزشکان نامی فارس و بزرگان نامی فارس، مترجم کتاب قانونچه چغمینی (که کتابی مختصر و بسیار مفید برای فراگیران طب سنتی ایرانی است)، مصحح کتاب «اختیارات» بدیعی (قسمت مفردات) و مجموعه اشعار میر، با علاقه وافر نسبت به موضوع طب ایرانی، مصمم به تالیف اثری جامع در این زمینه بود و در سال ۱۳۷۵ نخستین قسمت از اثر گرانقدر خود را با عنوان «فرهنگ و مصطلحات طب سنتی ایران» که به سبک دایرةالمعارف آماده شده بود، ارائه کرد. وی پس از تدوین و ارائه این قسمت از دایرةالمعارف به درخواست مسئولان دانشگاه علوم پزشکی ایران اقدام به جمع‌آوری ادامه اثر کرد و این مجموعه توسط انتشارات این دانشگاه به چاپ رسید. آنچه در پی می‌آید گفت‌وگویی است با دکتر محمد مهدی اصفهانی که به عنوان ویراستار این فرهنگ‌نامه پس از درگذشت دکتر میر، مسئولیت جمع‌آوری ادامه آن را بر عهده گرفته است.

آقای دکتر! شما با چه پیش‌زمینه‌ای کار دکتر میر را ادامه دادید؟

من با شناختی که از ایشان داشتم و می‌دیدم که با وجود بیماری برای جمع‌آوری مطالب این کتاب چه تلاشی به خرج می‌دهند و البته با شناختی که از منابع کتاب داشتم، تصمیم گرفتم کار را تکمیل کنم.

هدف مولف از جمع‌آوری کتاب چه بوده است؟ هدف ایشان تالیف و تهیه دایرةالمعارفی بود که طالبان اطلاعات مربوط به طب سنتی را از مراجعه به کتب متعدد بی‌نیاز کند و به این ترتیب دانشجویان علوم پزشکی و دانشجویان و محققان طب سنتی و همه کسانی که در زمینه داروهای سنتی و گیاهی فعالیت می‌کنند، بتوانند از این کتاب استفاده کنند. منابع این فرهنگ‌نامه با توجه به خاص و کمیاب بودن، چگونه انتخاب شده‌اند؟

این کتاب در حقیقت گزیده‌ای جامع از مطالب درج‌شده در کتاب‌های عمده پزشکی ایرانی به ویژه در زمینه مفردات است که بر اساس حروف الفبا تنظیم شده و مهم‌ترین منابع آنها عبارتند از «الابنیه عن الحقایق الادویه»، «هدایة المتعلمین»، «صیدله» ابوریحان، «الاعراض الطیبه» ذخیره خوارزمشاهی، «تحفة المومنین»، «اختیارات» بدیعی و «مخزن الادویه»، البته در صورت لزوم از برخی کتب دیگر هم کمک گرفته شده است.

تا به حال چند جلد از این کتاب آماده شده و روال انتشار آن چگونه بوده است؟

به یاری خدا تا جلد ششم آن چاپ شده و تا حرف (ف) پیش‌رفته ایم. جلد هفتم کتاب مدتی است مراحل چاپ و نشر را می‌گذراند و جلد هشتم هم که در

دشووردانش

برای کلیه مقاطع منتشر کرد :

۱- کتاب‌های کار (کام نو)

«شامل تمرین‌های طبقه‌بندی شده درس به درس بدون جواب»

۲- کتاب‌های سؤال‌های امتحانی

«پرسش‌های طبقه‌بندی شده امتحانی از سال‌های گذشته با پاسخ تشریحی»

۳- کتاب‌های «آزمون»

«شامل درس‌نامه، پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس به درس با پاسخ تشریحی»

۴- کتاب‌های پرسش‌های چهارگزینه‌ای (کنکور سراسری و آزاد)

«تست‌های چهارگزینه‌ای چند سال اخیر با پاسخ تشریحی»

۵- کتاب‌های جامع کنکور

«آموزش درس به درس، تست‌های چهارگزینه‌ای با پاسخ کاملاً تشریحی»

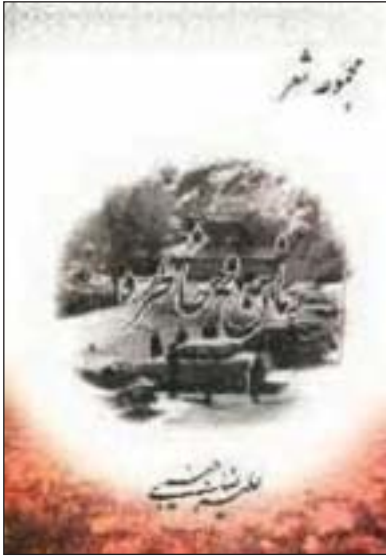
۶۶۴۱۱۰۹۰-۶۶۹۶۸۳۸۴
www.manshoordanesh.ir



این هفته با علیرضا حبیبی، سراینده مجموعه «نان و خاظره»

تهران قدیم در قاب شعر

علیرضا حبیبی متولد ۱۳۵۶ تهران و فارغ التحصیل رشته کامپیوتر است. حبیبی هم اکنون کارمند یکی از بانک‌های کشور در جزیره کیش است. این شاعر علاوه بر فعالیت‌های شعری در زمینه‌هایی چون فیلمنامه نویسی و داستان نویسی هم فعال است.



شغلش آشتی ایجاد کند اما من هنوز موفق به این کار نشده‌ام. البته نوع شغل من به جز پر کردن تمام اوقاتم، زبان دیگری برای شعر گفتن من ندارد. نوع مناسبی که در شغل من وجود دارد اتفاقاً برای سرودن شعر بسیار مناسب است اما وقت و انرژی‌ام را کاملاً از بین می‌برد.

ظاهراً وزارت آموزش و پرورش تعدادی از کتاب‌های شما را خریداری کرده است.

بله و این قضیه بسیار مرا خوشحال کرد. این وزارتخانه به خاطر فضاهای قدیمی مورد استفاده در این کتاب و آشنایی دانش آموزان با تهران قدیم، تعدادی از کتاب‌ها را خریداری کرد تا در اختیار کتابخانه‌های مدارس قرار دهد.

از کارهای آینده تان بگویید.
در حال گردآوری یک مجموعه دیگر از شعرهای هستم. یک مجموعه قصه هم دارم که امیدوارم به زودی چاپ شود.

معمولاً ترجیح می‌دهم در محیط خانواده شعرهایم را بخوانم و بیشتر دوست دارم که بعد از چاپ از نظر پیشکسوتان استفاده کنم.

بعد از چاپ به کسی نشان داده‌اید؟
بله. خوشبختانه نتیجه هم تا حدودی مثبت بوده. البته استادان به نکاتی اشاره کرده‌اند که باید در کارهای بعد مورد توجه قرار دهم.

برای چاپ اولین کتابتان سرمایه‌گذاری شخصی کردید؟

خیر، خوشبختانه مسئولان انتشارات پارس کتاب با روی گشاده از چاپ کتابم استقبال کردند و هیچ وجهی هم از من دریافت نشد.

پخش کتابتان خوب بود؟

متأسفانه خیر، شاید این موضوع ریشه در مشکل اساسی پخش کتاب در ایران داشته باشد و گرنه ناشر من نهایت تلاشش را کرد.

شما کارمند بانک هستید. برای ما بگویید که کار جدی شما و عنصر شعر چگونه با هم کنار می‌آیند؟

این خود شاعر است که باید بین دلبستگی‌ها و

را در مقابل تهران جدید قرار دهید؟
من اولین شعرم را در سن ده سالگی گفتم. یعنی زمانی که شاهد بودم ساختمان‌های زیبای قدیم تخریب می‌شوند و ساختمان‌های بدون اصول و قواعد جایشان را می‌گیرند و از آنجایی که در یکی از محله‌های قدیم تهران زندگی کرده‌ام، این تغییر برایم ملموس‌تر است و شاید بیش از دیگران به فکر گذشته تهران باشم.

شما فضاهای شعری متفاوتی را در اولین مجموعه تان تجربه کرده‌اید. چرا سعی نکردید در گام اول در یک فضا قدم بردارید؟
از دیدگاه من مهم‌ترین، بارزترین و بدیهی‌ترین اصلی که یک نوشته را به شعر و یا به عبارتی یک نثر را به نظم تبدیل می‌کند، عنصر وزن است و من تلاش کرده‌ام در هر قالبی که انتخاب می‌کنم این طبع آزمایی در وزن وجود داشته باشد. شاید همین دغدغه وزن باعث شده من در اغلب قالب شعر بگویم.

آیا شعرهایتان را قبل از چاپ به کسی نشان می‌دهید؟

بله. من همیشه شعرهایم را به دوستان و همکارانم نشان می‌دهم. این کار باعث می‌شود که بتوانم از نظر فنی و فنی‌تری‌ها از آن‌ها بهره‌مند شوم. البته این کار را به همه نمی‌کنم و فقط به کسانی که در زمینه شعر فعالیت دارند نشان می‌دهم.

آیا شعرهایتان را قبل از چاپ به کسی نشان می‌دهید؟

اولین مجموعه شعر شما یعنی نان و خاظره به گونه‌ای به تهران قدیم مربوط می‌شود. یعنی این که شما تلاش کرده‌اید تصویری از آن دوران را به نسل خودتان ارائه کنید. این بازگشت به گذشته ریشه در چه عواملی دارد؟

نکته اول در مورد تهران قدیم و هر چیز که به دوران قدیم مربوط می‌شود همان سادگی و صفا و صمیمیتی است که امروزه کمتر شاهدش هستیم. در دوران قدیم شرایط زندگی نسبتاً ساده بود و به همین علت یک نوع سادگی هم در افراد دیده می‌شد که به مرور زمان و پیشرفت‌های همه‌جانبه زندگی جای خود را با تودرتویی و پیچیدگی عوض کردند. من در کتابم تلاش کرده‌ام سادگی قدیم و پیچیدگی دوران جدید را در مقابل هم قرار دهم. نکته دیگر این است که من اصولاً از همه چیزهای مربوط به دوران قدیم خوشم می‌آید. از خیابان‌ها، افراد، اشیاء و ...

جرقه اولیه این حس از کجا شروع شد؟ یعنی شما از کی تصمیم گرفتید که تصاویر تهران قدیم

گزارش آماری کتاب‌های منتشر شده به تفکیک موضوع

شنبه ۸۶/۹/۳ تا چهارشنبه ۸۶/۹/۷

ردیف	موضوع	تعداد کل	تالیف*	ترجمه	چاپ اول	تجدید چاپ	تهران	شهرستان	شمارگان متوسط	متوسط صفحه
۱	کلیات	۱۹	۱۵	۴	۵	۱۴	۱۸	۱	۳۸۴۴	۳۷۹
۲	فلسفه و روان‌شناسی	۳۰	۱۵	۱۵	۱۲	۱۸	۳۰	۰	۲۲۵۸	۲۴۰
۳	دین	۶۲	۵۳	۹	۲۰	۴۲	۶۱	۱	۸۲۷۶	۲۷۴
۴	علوم اجتماعی	۸۳	۶۱	۲۲	۲۲	۶۱	۸۱	۲	۳۵۵۹	۳۲۱
۵	زبان	۳۶	۳۶	۰	۱۳	۲۳	۳۵	۱	۴۴۵۶	۲۳۱
۶	علوم طبیعی و ریاضیات	۲۲	۱۸	۴	۱۲	۱۰	۲۲	۰	۲۰۴۵	۳۳۶
۷	علوم عملی	۱۲۴	۷۹	۴۵	۵۹	۶۵	۱۱۶	۸	۲۷۲۲	۳۳۳
۸	هنر	۳۲	۲۲	۱۰	۱۶	۱۶	۲۷	۵	۲۴۲۳	۲۲۰
۹	ادبیات	۸۷	۶۵	۲۲	۵۱	۳۶	۸۳	۴	۲۲۷۵	۳۲۵
۱۰	تاریخ و جغرافیا	۲۴	۲۲	۲	۱۱	۱۳	۲۲	۲	۲۱۷۷	۳۱۵
۱۱	آموزشی و کمک‌درسی**	۲۱۳	۲۱۱	۲	۴۲	۱۷۱	۲۱۳	۰	۳۵۲۴	۲۶۴
۱۲	کودک و نوجوان	۷۳	۴۷	۲۶	۲۵	۴۸	۷۲	۱	۵۲۰۸	۶۳
	جمع بندی	۸۰۵	۶۴۴	۱۶۱	۲۸۸	۵۱۷	۷۸۰	۲۵	۳۵۶۴	۲۷۵

* منظور از «تالیف» انواع آثار، به جز ترجمه (از جمله: تالیف، گردآوری، تلخیص، تحقیق، تصحیح، تنظیم، شعر و ...) است.

** منظور از موضوع «آموزشی و کمک‌درسی» کلیه کتاب‌هایی است که به نحوی با مواد درسی و برنامه‌های آموزشی تمام مقاطع تحصیلی مربوط هستند و مخاطبان آنها دانشجویان و دانش‌آموزان از پیش‌دبستانی تا دانشگاهی هستند.

تعداد ناشران	تعداد پدیدآورندگان: ۷۳۰			
	مؤلف*		مترجم	
	زن	مرد	زن	مرد
۲۹۹	۱۲۷	۶۲۴	۰	۸

* منظور از «مؤلف» پدیدآورندگان به جز مترجم (مانند نویسنده، شاعر، گردآورنده، مصحح و ...) است

گزارش آماری

«گزارش آماری هفته» از سوی بخش اطلاع‌رسانی خانه کتاب و براساس اطلاعات ثبت شده در بانک اطلاعات خانه کتاب ارائه می‌شود.

از شنبه ۸۶/۹/۳ تا چهارشنبه ۸۶/۹/۷، ۸۰۵ عنوان کتاب در بانک اطلاعات خانه کتاب ثبت شده است. بیشترین تعداد کتاب‌ها در موضوع آموزشی و کمک‌درسی و سپس علوم عملی بوده است. پس از آن به ترتیب موضوعات ادبیات، علوم اجتماعی، کودک و نوجوان و سایر موضوعات قرار دارند.

شاخص‌های آماری کتاب

تعداد کتابهای منتشر شده	مقدار	مشخصات کتاب‌ها
ارزانترین کتاب	۱۵۰۰ ریال	استخاره امام زمان (عج)، گردآورنده: جواد حیدری، ناشر: آرام‌دل، چاپ ۲، ۳۲ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه
گوارترین کتاب	۱۸۰۰۰۰ ریال	راهنمای نگارش حقوقی شامل انواع مختلف: ۱- دادخواست‌ها، ۲- درخواست‌ها، ۳- واخواست‌ها، ۴- قراردادهای، ۵- فرم‌ها، ۶- اظهارنامه، ۷- شکواییه، ۸- لوائح، ... نویسنده: نورمحمد صبری، ناشر: فردوسی، چاپ ۱۸، ۱۳۱۲ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۲۴۱ مرتبه	دفتر برنامه‌ریزی به روش قلم‌چی، نویسنده: کاظم قلم‌چی، ناشر: کانون فرهنگی آموزش، ۱۸۴ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، ۳۵۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۶۰۰۰۰ نسخه	حکمت‌های نهج البلاغه (جلد اول و جلد دوم)، نویسنده: محمدرضا هادی‌زاده، سیدحسین سیدمحمدی‌شال، ناشر: تابان، چاپ ۲، ۱۶۰ صفحه، ۱۰۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۳۰۰ نسخه	۱- کتاب مدرسه در خانه اول راهنمایی، ۲- کتاب مدرسه در خانه دوم راهنمایی، ۳- کتاب مدرسه در خانه سوم راهنمایی، سیدعلی یعقوب‌زاده، ناشر: نشر همت جاودان، چاپ ۱، ۶۴ صفحه، ۱۹۵۰۰ ریال، ۴- کتاب مدرسه در خانه سوم دبیرستان، افشین دانش‌نژاد، ناشر: نشر همت جاودان، چاپ ۱، ۷۲ صفحه، ۲۵۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۱۳۱۲ صفحه	راهنمای نگارش حقوقی شامل انواع مختلف: ۱- دادخواست‌ها، ۲- درخواست‌ها، ۳- واخواست‌ها، ۴- قراردادهای، ۵- فرم‌ها، ۶- اظهارنامه، ۷- شکواییه، ۸- لوائح، ... نویسنده: نورمحمد صبری، ناشر: فردوسی، چاپ ۱۸، ۲۰۰۰ نسخه، ۱۸۰۰۰۰ ریال
کمترین صفحه	۱۰ صفحه	۱- کتاب وسایل نقلیه، ۲- کتاب مشاغل، ۳- کتاب میوه‌ها، ۴- کتاب حیوانات، شاعر: زهرا شکبیا، ناشر: خانه ادبیات، چاپ ۲، ۱۰ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه



کتاب کودک، محبوب بزرگسالان آلمانی



نتایج اخیر یک تحقیق جامعه شناسی در میان مردم آلمان نشان می دهد که بسیاری از مردم آلمان همچنان داستان های کودکانه را ترجیح می دهند. این در حالی است که قصه های عامیانه مثل کوتوله های جادویی برلین و قصه سفید برفی و هفت کوتوله به عنوان محبوب ترین قصه در بین مردم آلمان رواج دارد. در این نظر سنجی که بیش از هزار نفر مخاطب داشت قصه های کوتوله های جادویی برلین، سفید برفی و هفت کوتوله و قصر سفید به عنوان بهترین قصه ها مورد علاقه مردم آلمان معرفی شدند.

جنگ و صلح به روایت سوفیا

در روزهای آغازین هفته گذشته کتابی وارد بازار نشر انگلیسی زبان ها شد که مورد توجه محافل ادبی قرار گرفت. این کتاب که بررسی زندگی لئو تولستوی به روایت همسرش است، زندگی شخصی لئو تولستوی را به تصویر می کشد. روایت سوفیا تولستوی از زندگی این نویسنده صاحب نام با عنوان 'آهنگ بی واژه' شامل خاطرات لئو تولستوی از نگاهی دیگر است که در ۲۳۹ صفحه منتشر شده است.

آهنگ بی واژه علاوه بر خاطرات سوفیا تولستوی، شامل ۱۸۰ قطعه عکس از خالق جنگ و صلح نیز هست که بیشتر آنها نشان دهنده زندگی عجیب و درعین حال ساده این نویسنده روس است. عکس های مربوط به دوران نگارش رمان های جنگ و صلح و آنا کارنینا از جالب ترین عکس های این مجموعه به شمار می روند.

استقبال از کتاب های ضد دولتی

همزمان با نزدیک شدن به انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده، استقبال از کتاب های ضد دولتی و به خصوص کتاب هایی در مخالفت با سیاست های جورج بوش افزایش یافته است. کتاب رئیس جمهور بد که اختصاص به بررسی تناقضات گوناگون در رفتار، رویه و صحبت های جورج بوش در دوران ریاست جمهوری اش دارد هفته گذشته با اقبال بسیار خوبی در ایالات متحده روبه رو شده است. به گونه ای که بسیاری از کتابفروشی های مطرح و پرمخاطب این کتاب را برای جلب توجه بیشتر به صورت تنها روی پیشخوان قرارداد داده اند. این کتاب که توسط آر.دی. روزن، هری پریچت، راب بتل و جیمز فریدمن در ۱۷۶ صفحه منتشر شده است در میان کتاب های غیر داستانی فروش خوبی را تجربه می کند. این در حالی است که کتاب دیگری نیز با عنوان 'تاریخچه هزاره' که به زبان طنز به حمله به سیاست های جورج بوش پرداخته است نیز مورد توجه بسیاری از کتابخوان های آمریکا قرار گرفته است.

نمایش کهن ترین کتاب های چاپی

هفته گذشته تعدادی از کتاب های بسیار قدیمی و مربوط به نسل اول چاپ در نمایشگاهی ویژه در کتابخانه آنا آمالیا در وایمار آلمان به نمایش گذاشته شد.

این کتاب ها که به شیوه چاپ گوتنبرگ در قرن ۱۴ میلادی به چاپ رسیده اند به لحاظ قدمت تاریخی و ارزش علمی و فرهنگی منحصر به فرد شناخته می شوند. این نمایشگاه که گنجینه ویژه ای شامل ۶۰ کتاب در موضوعات مختلف است با استقبال بسیار خوبی روبه رو شده است.

عمده این آثار قبل از ۱۵۰۰ میلادی به چاپ رسیده و در بین این کتاب ها آثاری از ارسطو فیلسوف یونانی، اوید شاعر رومی و نسخه هایی از زندگی نامه و

معتقدند این کتاب مصداق توهین به مقدسات دینی است و عاملان انتشار آن باید هر چه زودتر محاکمه شوند.

بازگشت پیتر هانتکه

به جهان قصه های سنتی

پیتر هانتکه، نویسنده صاحب نام اتریشی اعلام کرده است که قصد دارد به دنیای سنت برگردد و با گذشته آشنی کند. وی که در نوشتن رمان های مدرن معروف است اعلام کرده بعد از اتمام رمان اخیرش، سال آینده به نگارش نمایشنامه ای سنتی می پردازد. در این نمایشنامه هانتکه به جنگ جهانی دوم برمی گردد و به بازخوانی مبارزه پارتیزان ها علیه هیتلر می پردازد.

پیتر هانتکه این تصمیم را در حالی اعلام کرده که نمایشنامه های او پیش از این در قالب مدرن نوشته شده بودند و شهرت زیادی را برای او به همراه داشتند. این در حالی است که چند ماه پیش هم رمان جدیدی از این نویسنده جنجال برانگیز با عنوان گذر از سی برادو گردوس منتشر شده بود.

اعطای جایزه ادبی سبک برتر

سومین دوره جایزه ادبی سبک برتر که به بهترین اثر از لحاظ اسلوب و الگوی نوشتاری اعطا می شود هفته گذشته به یک نویسنده پارسی اعطا شد.

جایزه سال ۲۰۰۷ در حالی به لویی استفان اولیس نویسنده فرانسوی اهدا شد که این نویسنده، بنا به ادعای داوران شیوه جدیدی از نثر را عرضه کرده است.

جایزه ادبی استیل (سبک) در سال ۲۰۰۵ بنیاد نهاد شده. این جایزه به اثری اهدا می شود که به لحاظ سبک نوشتاری قابل توجه و تاثیرگذار باشد.

این جایزه از عمده جوایز مورد علاقه نویسندگان جوان است و رمان هایی در این جایزه شرکت داده می شوند که به زبان فرانسه نوشته شده باشند.

لویی استفان اولیس نویسنده چندین رمان، مجموعه داستان و کتاب های نظری در حوزه ادبیات است که از آن جمله می توان به 'آفتاب کثیف' اشاره کرد. سبک خاص نوشتاری او عمده دلیل انتخابش به عنوان برنده این جایزه بوده است.

محاکمه ناشر و مترجم کتاب نیز از آنجا نشأت گرفت که تعدادی از خوانندگان اهل این کشور با شکایت به مجامع قضایی، نسبت به اهانت این اثر به باورهای دینی شان معترض و خواستار جمع آوری کتاب شدند.

جایزه ابن بطوطه برگزیده خود را شناخت

دکتر عبدالکریم الاشر نویسنده سوری هفته گذشته توانست جایزه بین المللی ابن بطوطه سال ۲۰۰۷ را تصاحب کند.

این جایزه مهم که هر ساله از سوی مرکز ادبیات جغرافیایی با عنوان اتریا الأفاق به محققان برگزیده کتاب های خطی و به بهترین نویسنده و پژوهشگر در علوم جغرافیا اهدا می شود امسال به الاشر به دلیل تحقیق و پژوهش درباره اسامه بن منقذ اهدا شد. الاشر که متولد ۱۹۲۹ میلادی در شهر حلب سوریه است دارای دکترا از دانشگاه عین الشمس در رشته ادبیات دوران عباسیون است و در دانشگاه های مصر، الجزایر، امارات متحده عربی و سوریه به تدریس پرداخته است.

یک و نیم میلیون جلد کتاب الکترونیک

اگر رویدادهای این صفحه را پیگیری کرده باشید به خاطر دارید که هفته های گذشته خبر از نزدیک شدن به مراحل پایانی اجرای پروژه تبدیل کتاب های دانشگاهی به ای بوک (کتاب های الکترونیک) دادیم. اما خبر این هفته مربوط به پایان فاز اول این پروژه است.

پروژه تهیه یک و نیم میلیون کتاب دانشگاهی دیجیتالی با همکاری دانشگاه های مختلف جهان در حالی به پایان رسید که این کتاب های دیجیتالی برای نخستین بار از سوی مجامع دانشگاهی به صورت آنلاین ارائه می شوند.

این مرجع عظیم که حاصل پنج سال کار و همکاری مجامع مختلف دانشگاهی است، به ۲۰ زبان دنیا ارائه

شرح حال افراد به چشم می خورد. در این نمایشگاه انجیل معروف چاپ شده توسط گوتنبرگ معروف به انجیل ۴۲ سطری نیز به نمایش درآمده است. گفتنی است اولین کتابی که گوتنبرگ در قرن پانزدهم برای چاپ انتخاب کرد انجیل بود که در آن زمان با استقبال خوبی روبه رو شد و به خاطر وجود ۴۲ سطر در هر صفحه اش به انجیل ۴۲ سطری معروف است.

سارکوزی «طلاق» را منتشر می کند

نیکلا سارکوزی، رئیس جمهور فرانسه پایان تلخ زندگی مشترک خود با همسرش را در کتابی با عنوان اعترافات نیکلا منتشر می کند.

نیکلا سارکوزی، رئیس جمهور پر حاشیه فرانسه که نه تنها در بعد سیاسی که در بعد زندگی شخصی نیز بسیار پر حاشیه است، قصد دارد داستان جدایی خود از همسرش که به تازگی روی داده است و باعث طرح سوالات بسیاری از سوی مخالفان و منتقدانش شده است در کتابی مستقل توصیف کند. این در حالی است که چندی قبل مطبوعات فرانسه با تمرکز بر این ماجرا به شدت آن را نقد کرده و حتی روزنامه فیگارو از مهم ترین روزنامه های فرانسه نوشته بود این طلاق نباید رسماً اعلام می شد. این در حالی است که روزنامه لیبراسیون نیز با بیان این که تاکنون در تاریخ جمهوری فرانسه چنین امری اتفاق نیفتاده آن را بی آبرویی سیاسی در سطح ملی قلمداد کرده بود.

بازداشت ناشر ضد دین در ترکیه

هفته گذشته و تنها به فاصله ده روز از انتشار ترجمه یک کتاب ضد دینی از سوی یک ناشر کشور ترکیه، دادستان استانبول حکم بازداشت ناشر و مترجم این اثر را به دلیل توهین به باورهای عمومی مردم صادر کرد.

باشکایت مردم، ناشر و مترجم این کتاب ضد دینی محاکمه می شوند. این در حالی است که دادستان دستور داده است این کتاب هر چه سریع تر از کتابفروشی ها جمع آوری شود. مقامات ترکیه



روایت اول شخص

مقالات تاریخی

محمد ابراهیم باستانی پاریزی
استاد تاریخ دانشگاه تهران

پس از چاپ و تجدید چاپ کتاب های 'هواخوری در باغ'، 'جامع المقدمات'، 'تاریخ کرمان'، 'شاه منصور' و 'آفتابه زرین فرشتگان' در نمایشگاه کتاب امسال، مدتی در سفر بودم و تقریباً به خاطر همین از تمامی کارهای پیشینم باز ماندم و اطلاع دقیقی هم از وضعیت تجدید چاپ کارهای پیشین ندارم. البته به نظر می رسد دیگر کسی کتاب ما پیرمردها را چاپ نمی کند؛ ظاهراً نه ناشران زیر بار این امر می روند و نه جوان ها می خواهند این کار را انجام دهند. البته جز این کارها قصد دارم در اولین فرصتی که دست دهد مجموعه ای از مقالات این چند سال را برای انتشار آماده و تحویل ناشر بدهم. طبعاً تنها توضیحی که می توان در مورد این مجموعه مقاله داد این است که این مقالات نیز به مانند کارهای پیشین بنده یک وجه تاریخی دارند.

فرهنگی دیگر

دکتر محمدرضا باطنی: زبان شناس

پس از انتشار فرهنگ انگلیسی-فارسی پویا که چندی پیش از سوی نشر فرهنگ معاصر روانه بازار شد، هم اکنون تمام هم و غم خود را مصروف به سامان رساندن یک فرهنگ دیگر کرده ام که توسط همین ناشر منتشر خواهد شد. این فرهنگ بر اساس محاسباتی که انجام داده ام دربرگیرنده چیزی حدود شصت هزار واژه خواهد بود. کتاب حاضر به صورت فارسی-انگلیسی در دست تهیه است.

روایت تاریخی هنر

صالح طباطبایی: مترجم و پژوهشگر هنر و معماری

پس از انتشار برگردان من از کتاب های 'استحاله طبیعت در هنر' اثر کوماراسوامی، 'نگار نگارگران' درباره کمال الدین بهزاد و 'نویسندگان برجسته قلمرو هنر' به قلم جمعی از نویسندگان و ویراستاری کریس ماری چندی است که ترجمه دو کتاب را به انتشارات فرهنگستان هنر سپرده ام. کتاب اول با عنوان 'فلسفه هنر' اثر نوئل کارول جزو آثاری است که در دوره کارشناسی هنر در بسیاری از دانشگاه های دنیا تدریس می شود و جزو کتاب های مرجع در حوزه فلسفه تحلیلی هنر است. نویسنده در این اثر ضمن تحلیل تعریف ها، با ارائه مثال هایی تعریف های پیشین را نقض می کند و در ادامه، تعریف خود را از هنر با عنوان 'روایت تاریخی هنر' ارائه می کند. سرفصل های این کتاب که به بررسی نظریه های هنری می پردازد، عبارت اند از: نظریه محاکات یا بازنمایی، نظریه بیان هنری و نظریه فرمالیستی، نظریه گرایش نئوویگشتانی به هنر و نظریه روایت تاریخی که در واقع این نظریه دربرگیرنده آرای نوئل کارول است.

همچنین همین ناشر کتابی با عنوان 'مجموعه مقالات آناندا کوماراسوامی درباره هنر' نوشته ی راجر لیسی با برگردان من در دست انتشار دارد.

این مجموعه ی مقالات پس از مرگ کوماراسوامی، توسط لیسی گردآوری شده است. مقالات در یک دوره ی سه جلدی

تدوین شده اند که جلد اول آن در حوزه هنر و سنت است. جلد دوم به الهیات و فلسفه هند می پردازد و جلد سوم مقالات متفرقه کوماراسوامی را دربر می گیرد.

مجموعه ای از مقالات این چند سال اخیر نیز در دست انتشار است که بخشی از آنها ترجمه اند و بخشی دیگر تالیف. این کتاب عنوان 'مجموعه مقالات درباره نگارگری ایرانی' را روی جلد دارد.

... و باز هم هسه

پریسا رضایی: مترجم

آخرین کتابی که از من روانه بازار شد، 'آنگلا مرکل'، زندگینامه سیاسی نام داشت. این کتاب نوشته 'ولفگانگ اشتوک' بود که توسط انتشارات مروارید به چاپ رسید. همچنین قرار است این ناشر ترجمه من از کتاب 'در ستایش سالخوردگی' اثر هرمان هسه را منتشر کند. این اثر، قطعاتی منتخب از این نویسنده آلمانی به علاوه تصاویری از زندگی اوست که عمدتاً از سوی پسرش گردآوری شده است. گفتنی است این اثر به تازگی در آلمان منتشر شده و جزو آثار پرفروش شمرده می شود. تلاش انتشارات مروارید آن است که این کتاب را برای نمایشگاه کتاب سال آینده راهی بازار کند.

کتاب دیگری که به همراهی همسر من رضا نجفی ترجمه کرده ایم 'کتاب مردگان' نام دارد. این کتاب در واقع جلد نخست از یک تریلوژی (سه گانه) است. دو جلد دیگر به ترتیب 'کتاب اندوه' و 'کتاب زندگان' نام خواهد داشت. کتاب 'مردگان' در واقع مجموعه ای از داستان های گوتیک جهان است. گزینش داستان ها کار خود مترجمان بوده و مقدمه ای نیز در باب ریشه های ادبیات گوتیک به آن افزوده شده است. داستان ها از نویسندگان نامدار گوناگونی چون آلن پو، دیکنز، ریلکه، توماس مان، دینو بوتزاتی و ... است. ویرایش و نمونه خوانی این کتاب به پایان رسیده و امیدواریم به زودی گزینش و ترجمه های دومین جلد این مجموعه که انتشارات چشمه چاپ آن را برعهده گرفته است، آغاز شود.

در ضمن ترجمه کتاب 'منشی حافظه' اثر حمید صدر، نویسنده ایرانی مقیم اتریش، با نظارت شخص نویسنده در مرحله بازمینی نهایی است البته هنوز برای چاپ این کتاب گفت و گوی نهایی با ناشران صورت نگرفته است و سرانجام می توانم از چاپ چهارم 'هرمان هسه و شادمانی های کوچک' به ترجمه مشترک من و رضا نجفی که به زودی انتشارات مروارید آن را عرضه خواهد کرد، اشاره کنم.

بهترین قالب شعر فارسی

دکتر محمد دبیر سیاقی: متن پژوه

در حال حاضر حدود ۲۰هزار رباعی را از قدیمی ترین زمان تا دوران دهخدا جمع آوری کرده ام و احتمال می دهم که یک تا دو هزار رباعی دیگر نیز به این مجموعه افزوده شود که تاریخ آنها تا ۲۰ سال پیش را دربر می گیرد. یکی از دلایل جمع آوری این مجموعه این است اساساً به باور بنده رباعی بهترین قالب شعر فارسی است؛ چون متعلق به فکر ایرانی است.

علاوه بر این کتاب های تحقیقی 'گل ها در شعر پارسی'، 'پرندگان در شعر پارسی'، 'دانه ها در شعر پارسی'، 'میوه ها در شعر پارسی'، 'سبزی ها در شعر پارسی' و 'صیفی ها در شعر پارسی' را هم برای چاپ آماده دارم، که هنوز به ناشر سپرده نشده اند. بررسی تاریخی در این کتاب ها از رودکی تا امروز را دربر می گیرد. کار جمع آوری 'ماده تاریخ' درباره تاریخ ساخت بناهای تاریخی و ولادت و درگذشت اشخاص مشهور، که به هشت هزار مورد رسیده، نیز در حال انجام است.

همچنین تصحیح من از 'دیوان منوچهری دامغانی' توسط نشر زوار به چاپ هشتم خواهد رسید. 'داستان های نامورنامه باستان' از 'شاهنامه' فردوسی نیز که پیش تر در ۲۶ مجلد انتشار یافته بود، به صورت خلاصه در پنج مجلد از سوی نشر قطره منتشر خواهد شد.

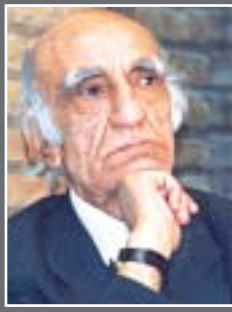
از زبان عارفان

علی سعادت پرور: دین پژوه

پس از انتشار مجموعه ده جلدی 'جمال آفتاب چندی است که کار پژوهش و نگارش یک مجموعه ده جلدی دیگر با عنوان 'کلام العرفاء' به پایان رسیده و تصور می کنم در آینده ای نه چندان دور از سوی نشر احیای کتاب روانه بازار شود. این کتاب مجموعه ای از گزیده کلام حق تعالی، پیامبران و



سعید حمیدیان



محمد ابراهیم باستانی پاریزی

همچنین سخنان ناب عرفاست.

من در اثر حاضر علاوه بر گزیده سخنان، شرح زندگی عارفان اسلامی از صدر اسلام تا زمان حیات علامه طباطبایی را برای آشنایی بیشتر اهالی تحقیق گردآورده ام.

روایتی دیگر از حافظ

دکتر سعید حمیدیان: مدرس و پژوهشگر ادبیات

در حال حاضر مشغول سامان دادن به یک پژوهش مفصل با محوریت شعر و اندیشه حافظ هستم که حاصل چیزی حدود ۲۰ سال کار و پژوهش بوده است.

این کتاب در شرح و تحلیل شعرهای حافظ، کار پر حجم و وقت گیری بوده و در حال حاضر در مرحله تفکیک یادداشت ها به سر می برد و با توجه به فیش های موجود حجمی حدود چهار هزار صفحه خواهد داشت.

رمان در غرب

رضا نجفی: مترجم و منتقد ادبی

گمان می کنم کتاب 'فریدریش نیچه و گزین گوئی هایش' که تالیف و ترجمه بنده و خانم پریسا رضایی است، از سوی انتشارات مروارید به زودی به چاپ چهارم برسد.

اما از کتاب های جدید باید به کتاب 'درآمدی بر داستان نویسی سده بیست آلمان: از کافکا تا گراس' اشاره کنم که به زودی از سوی انتشارات قصبه سرا راهی بازار خواهد شد. این کتاب شامل بخشی تالیفی درباره ویژگی های داستان نویسی معاصر آلمان است و در پی آن، بیست نمونه داستان از نویسندگان برجسته آلمانی زبان سده بیست (از کافکا گرفته تا گونتر گراس) به همراه شرح حال و کتابشناسی آنها تنظیم و تدوین شده است. کوشش بر این بوده، این اثر به شکل یک مرجع فراهم آید.

انتشارات کاروان نیز مجموعه نقدهای من بر آثار هرمان هسه را با عنوان 'شناختی از هرمان هسه' در دست انتشار دارد.

همین ناشر موافقت کرده است اثر تالیفی دیگرم با عنوان 'سیری در رمان معاصر غرب' را به چاپ برساند. این اثر تالیفی رمان قرن بیست در کشورهای اروپایی، آمریکای شمالی و روسیه را بررسی می کند و به معرفی برجسته ترین آثار و نویسندگان این کشورها می پردازد.

انتشارات مروارید نیز پذیرای چاپ ترجمه ای دیگر از من با عنوان 'عاشقانه هایی برای النّا' شده است. این کتاب شامل برگزیده اشعار، داستان ها، نقدها و نامه های نویسنده جوان سوئسی یوزف زینکلایر می شود. این مجموعه در مرحله ویراستاری به سر می برد.

و سرانجام می باید از برگزیده اشعار هرمان هسه با عنوان 'از درخت زندگی' یاد کنم که مدت زیادی است تحویل انتشارات هرمس شده تا جزو مجموعه اشعار دو زبانه آن انتشارات منتشر شود. حال نوبت نشر این کتاب چه هنگام فرارسد، خداوند عالم است.